

نفیس ۲۸ هـ

باسمه تعالی

فهرستبرگه منابع چاپ سنگی - اداره مخطوطات

شماره ثبت: ۲۵۴۴۱

رده‌بندی دیویی: ۲۹۷٫۲۱۸ ق ۷۷۳ الف ۱۳۶۷ مرجع ☐

سرشناسه: قمی، عباس، ۱۲۵۴ - ۱۳۱۹

عنوان قراردادی:

عنوان: الاربعین به ضمیمه هدایة الانام الی وقایع الایام

شرح پدیدآور:

کاتب: محمدعلی شمس تاریخ کتابت: ۱۳۲۶ ق

محل نشر: ناشر: محمدعلی علمی، کتابفروش تاریخ نشر: ۱۳۶۷ ق

صفحه شمار: ۱۶۰ ص مصور☐ درسی☐ گراور یا افست☐

زبان: فارسی ابعاد: ۱۲×۱۶٫۵ نوع خط:

روش تهیه: وقفی☑ اهدایی☐ خریداری☐ ارسالی☐

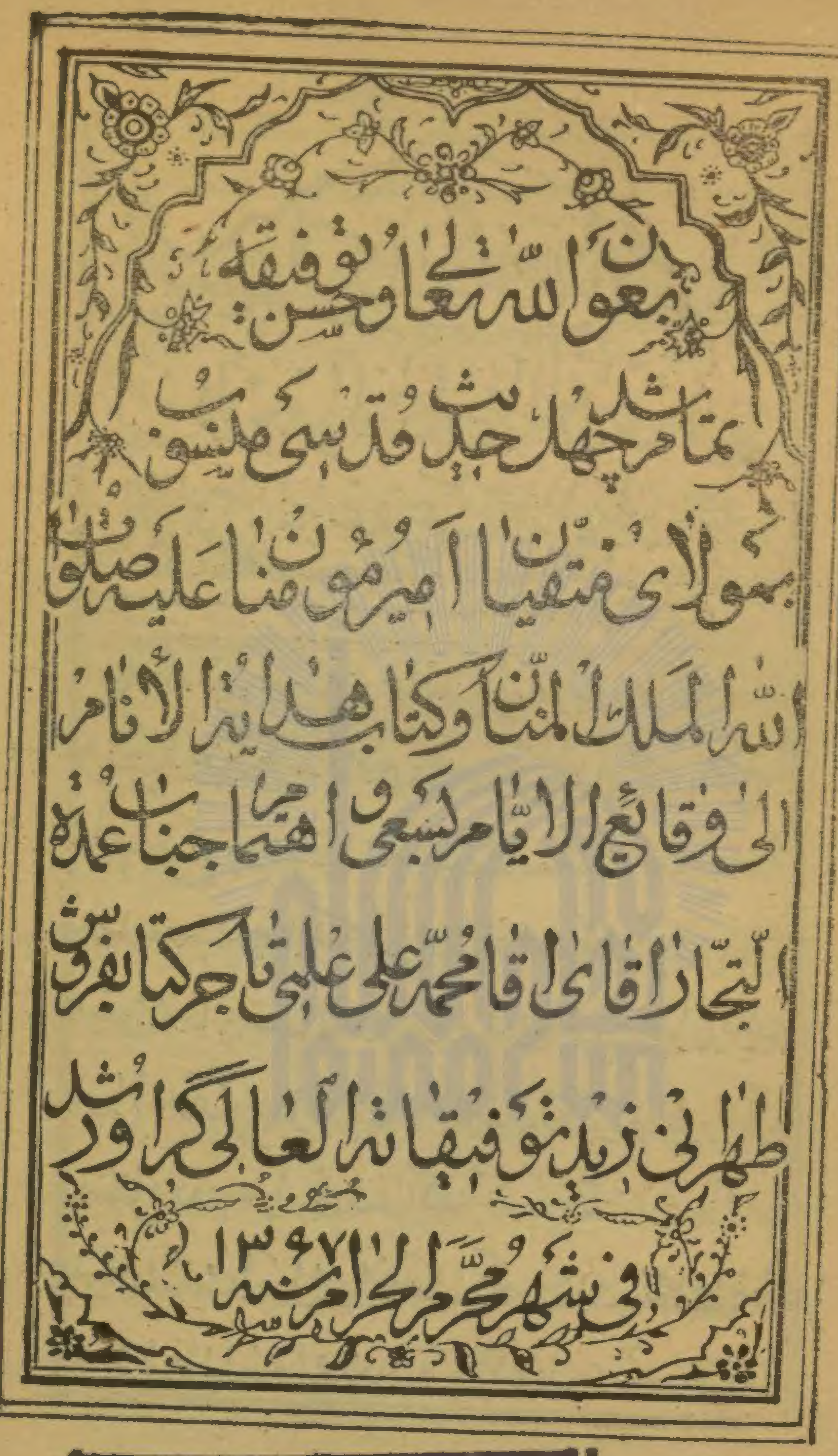
واقف: زرین قلم تاریخ ثبت: مهر ۱۳۶۱

یادداشتها: ... ؛ هدایة الانام الی وقایع الایام / عباس قمی
اربعین ۱ الی ۷۱ ؛ ۷۲ الی ۱۶۰
عنوان دیگر اثر: اربعین ۲. دعا برای رفع پریشانی است
۳. متن حدیث کرسی

موضوع(ها): ۱. اربعینات ۲. احادیث شیعه ۳. اعمال السنه ... ۴. تقویم اسلامی - تاریخ - سالشمار

شناسه(های) افزوده: الف. شمس، محمدعلی، کاتب ب. زرین قلم، واقف
ج. عنوان

فهرستنگار: عظیمی تاریخ فهرستنگاری: ۱۲ / ۸ / ۸۶



بعون الله تعالی وحسن توفیقه
تمام شد چهل حدیث قدسی منسوب
بمولای متقیان امیر مؤمنان علیه صلوات
الله الملک المنان وکتاب هدایة الأنام
الی وقایع الایام بسعی واهتمام جناب عمدة
التجار آقای آقا محمد علی علمی تاجر کتابفروش
طهرانی زید توفیقاته العالی گراور شد
فی شهر محرم الحرام سنه ۱۳۶۷

کتاب الأربعین

للأحقر العاصی عباس القمی

عفی عنه

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین والصلوة علی محمد واله الطاهرین

و بعد چنین گوید این فقیر عاصی عباس بن محمد رضا القمی که چون روایات مستفیضه وارد شده در مدح حفظ چهل حدیث از جمله آنکه هر که از شیعیان ما حفظ کند چهل حدیث را مبعوث نماید حق تعالی او را روز قیامت عالم فقیه و عذاب نکند او را احقر چهل حدیث را در این رساله ذکر کردم و چون نظرم بانتفاع بردن عوام بود لهذا اکتفا کردم بهمان ترجمه و اگر کسی خواسته باشد اصل آنها را ممکنست که در حاشیه نگاشته شود و در غالب احادیث در ذیل هر حدیثی بمناسبت آن دو و سه دا

یا مطلب با فایده یا چند شعر حکمت آمیزی بمناسبت نگاشتم و اکثر
آنها را نقل کردم از مجلد دوم منتهی الآمال خود که فعلا مشغول
طبع آن میباشند و ثواب آنرا هدیه کردم بروح والد بزرگوار خود امید
که حقتعالی رحمت واسعه خود را شامل احقر و ایشان بفرماید و
مرا بارّ بوالدین محسوب نموده و عذاب نفرماید وَمَا تَوْفِیقِی إِلَّا
بِاللهِ عَلَیْهِ تَوَکَّلْتُ وَإِلَیْهِ أُنِیبُ

حدیث اول در فضیلت نماز اول وقت

شیخ اجل رئیس المحدثین محمد بن علی بن بابویه قمی عطر الله مرقده روایت
کرده از ابن مسعود که گفت سؤال کردم از حضرت رسول صلی الله علیه و
آله که کدام عمل محبوبتر است بسوی خداوند عز و جل فرمود بجا آوردن
نماز در وقت خود یعنی در اول وقت و در وقت فضیلتش بجا آوردن گفتم
پس از آن چه عملی است فرمود نیکی بپدر و مادر گفتم پس از آن چه عملی
است فرمود جهاد در راه خدا **فقیر** گوید که همین مضمون را شیخ کلینی
از منصور بن حازم از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده و روایات در
فضیلت بجا آوردن نماز در اول وقت و محافظت بر آنها بسیار وارد شده

و در روایت است از حضرت رسول صلی الله علیه و آله که در مشرق و مغرب
عالم اهل بیتی نیست مگر آنکه ملک الموت در هر شبانروز در اوقات
نماز پنج مرتبه بایشان نظر میکند پس هرگاه کسی را که میخواهد قبض روح
کند از کسانی باشد که مواظبت داشته بنماز و نمازها را در اوقات
خود بجا آورده ملک الموت تلقین کند او را شهادتین و دور کند از او
ابلیس را و نیز بدانکه احادیث در فضیلت خدمت والدین زیاده از
آنست که ذکر شود و در روایتی است از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
که فرمود با جوانی که راغب بجهاد بود و پدر و مادرش کراهت داشتند
از رفتن او بجهاد حضرت فرمود بمان نزد والدین خود قسم بخدائی که
جان من بدست اوست که انس ایشان بتو یک شبانروز بهتر است از جهاد
یک سال و از ابراهیم بن شعیب روایت است که گفت گفتم بحضرت صادق (ع)
که پدرم پیر شده و ضعف پیدا کرده ما او را بر میداریم هرگاه اراده
حاجت کند فرمود اگر بتوانی این کار را تو بکن یعنی تو او را بر گیر و ببر
در وقتیکه حاجت دارد و بدست خود لقمه بگیر برای او زیرا که آن سپری
است از برای تو در فردا یعنی از آتش جهنم

حدیث دوم

ثقة الاسلام شیخ محمد بن یعقوب کلینی قدس سره بسند خود روایت
کرده اند که زکریا بن ابراهیم که گفت من نصرانی بودم اسلام آوردم و بحج
رفتم و خدمت حضرت صادق علیه السلام رسیدم عرض کردم که من نصرانی بودم
و مسلمان شدم فرمود که در اسلام چه چیز دیدی گفتم قول خدای تعالی
ما کنت تدری ما الکتاب و لا الایمان و لکن جعلناه نورا نهدی به
من نشاء ظاهرا مرادش از ذکر این آیه شریفه این بوده که بحضرت عرض کند
اسلام من چیزی نبوده جز آنکه حق تعالی هدایت مرا خواسته حضرت فرمود
بتحقیق که خدا ترا هدایت کرده پس دعا کرد در حق او و سه مرتبه فرمود
اللهم اهده پس فرمود که ای پسرک من هر چه خواهی سؤال کن عرض کردم
پدر و مادر و اهل بیتم همه نصرانی‌اند و مادرم نابینا است و من با ایشان
میباشم و در ظرف ایشان چیز میخورم حضرت فرمود که گوشت خوک میخورند
عرض کردم که نه بلکه دست بآن نمیگذارند فرمود که باکی نیست و فرمود
مادر خود را رعایت کن و در حق او نیکوئی بجا آور و هر گاه بمیرد خود متوجه
او شو و بدیگری وامگذار و کسی را خبر مده که بنزد من آمده تا در منی بنزد

من ای انشاء الله پس در منی خدمت آنحضرت رسیده دیدم که مردمان دور آنحضرت را گرفته اند مانند اطفالی که اطراف معلم را فرو گیرند و یک یک از آنحضرت خبر میپرسیدند پس چون نیکو فهمیدم ملاطفت و مهربانی میکردم بمادرم و او را طعام میخورانیدم و شپش جامه و سرش را میجستم و خدمت میکردم او را پس مادرم فرمود که ای پسر جان پیش از اینکه در دین من بودی چنین خدمت بمن نمیکردی چه شده الحال که بدین اسلام داخل شده اینقدر رعایت من مینمائی گفتم ای مادر یکی از فرزندان پیغمبر ما مرا چنین امر فرموده است گفت او پیغمبر است گفتم نه بلکه فرزند پیغمبر است مادرم گفت میباید پیغمبر باشد زیرا که آنچه تو را بان تعلیم داده وصیت پیغمبران است گفتم ای مادر بعد از پیغمبر ما دیگر پیغمبری نمیباشد مادرم گفت ای پسر دین تو بهترین دینها است عرضه کن آنرا بر من پس من عرضه کردم دین اسلام را براو پس داخل در اسلام شد آموختم او را آداب دین پس نماز ظهر و عصر مغرب و عشا را بجا آورد در همان شب مرض موت او را عارض شد فرمود ای پسر جان اعاده کن بر من آنچه را که بمن آموختی پس من اعاده کردم و او اقرار کرد آنگاه وفات یافت چون صبح شد مسلمانان

او را غسل دادند و من بر او نماز کردم و در قبرش گذاشتم و نعم ما قال

آبادی میخانه ز ویرانی ما است ٭ جمعیت کفر ز پریشانی ما است
اسلام بذات خود ندارد عیبی ٭ هر عیب که هست در مسلمانی ما است

حدیث سوم در مذمت ندادن زکوة شیخ کلینی از حضرت صادق ع روایت کرده که فرمود هر که منع کند و ندهد یک قیراط از زکوة را پس وقت مردن میخواهد بمذهب یهود بمیرد یا بمذهب نصاری فقیر گوید قیراط بحسب ملک دینار است و بر ترتیب مضمون وارد شده در حدیثی که مستطیع باشد و حج نرود تا فوت کند **حدیث چهارم در اصول اسلام** شیخ کلینی از حضرت امام محمد باقر ع روایت کرده که فرمود اسلام بنا شده بر پنج چیز نماز و زکوة و روزه و حج و ولایت و فرمود پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله که روزه سپری است از آتش **حدیث پنجم در فضیلت روزه** شیخ کلینی روایت کرده از حضرت صادق ع از پدران خود علیهم السلام که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود باصحاب خود آیا خبر ندهم شما را بچیزی که اگر بجا آورید دور شود شیطان از شما مانند دور شدن مشرق از مغرب گفتند بلی فرمود روزه سیاه میکند صورت او را و صدقه

میشکند کمر او را و دوستی بجهة خدا و هم پشتی بر عمل صالح دنباله او را میکند و استغفار رگ دل او را قطع میکند از برای هر چیزی زکوة است و زکوة بدن روزه است

حدیث ششم در احسان بوالدین و صلهٔ رحم

شیخ صدوق از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود هر که خواهد که حقتعالی بر او آسان کند سکرات مرگ را پس باید که صلهٔ ارحام و خویشان خود کند و بپدر و مادر خود نیکی و احسان نماید پس هرگاه چنین کند خداوند تعالی بر او آسان کند شداید و بهای مرگ را و در حیوة خود هرگز فقر باو نرسد فقیر گوید که در حدیث اول و دوم گذشت فضل احسان بپدر و مادر و بیاید در حدیث هفتم و نهم و هفدهم و سی ام آنچه که متعلق بصلهٔ رحم است

حدیث هفتم در ذم قسم دروغ

شیخ کلینی از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده که فرمود بدرستیکه حقتعالی خلق فرموده خروس سفیدی که گردنش در زیر عرش است و پاهایش در تخوم زمین هفتم یک بال او در مشرق و یک بال او

در مغرب خروسها صدا نکنند تا او صدا نکند پس هر گاه صدا کند

بالهایش را بر هم زند و بگوید سُبْحَانَ اللّٰهِ الْعَظِیمِ الَّذِی لَیْسَ کَمِثْلِهِ

شَیْءٌ پس جواب دهد او را حقتعالی و بفرماید که قسم دروغ نمیخورد بمن

کسی که بشناسد بحق آنچه را که تو میگوئی یعنی کسیکه عظمت و بزرگواری

مرا دانست قسم دروغ بمن نمیخورد **فقیر گوید** که روایات در مذمت

قسم دروغ بسیار است و در جمله از اخبار است که قسم دروغ و قطع

رحم خانه‌ها را از اهلش خالی میکند نسل را قطع مینماید و قسم

دروغ سبب فقر در اعقاب و اولاد و باعث غضب حقتعالی میگردد

و نیز روایات در ذکر این خروس عرشی باختلاف وارد شده از جمله

از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت شده که فرمود از برای حقتعالی

ملکی است در خلقت خروس که پنجه‌های او در تخوم زمین است و بالهای او

در هوا است و گردن او خم شده است در زیر عرش پس هر گاه بگذرد از شب

نصف آن بگوید سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِکَةِ وَالرُّوحِ رَبُّنَا الرَّحْمٰنُ

لَا إِلٰهَ غَیْرُهُ و چون این ذکر شریف را گفت پس بگوید لِیَقُمِ الْمُتَهَجِّدُونَ

یعنی برخیزید از خواب نماز شب گذارندگان پس در این وقت خروسها

بلند کند پس آن ملک بصوت خروس ساکت شود باندازهٔ که
خدا خواسته پس از آن بگوید سبّوح قدّوس ربّنا الرحمن لا اله
غیره لیفیق الذاکرون یعنی برخیزید از خواب ذکر کنندگان و چون
صبح طلوع کند بگوید لیقم الغافلون یعنی برخیزید از خواب غافلان
فقیر گوید شایسته دیدم در ذیل این خبر این چند شعر را ایراد نمایم

دلا تا کی در این کاخ مجازی | کنی مانند طفلان خاک بازی
توئی آن دست پرور مرغ گستاخ | که بودت آشیان بیرون از این کاخ
چرا زان آشیان بیگانه گشتی | چو دونان مرغ این ویرانه گشتی
بیفشان بال و پرز آمیزش خاک | بپر تا کنگره ایوان افلاک
ببین در رقص زرق طیلسانان | ردای نور بر عالم فشانان
همه دور جهان روزی گرفته | بمقصد راه فیروزی گرفته
خلیل آسا در ملک یقین زن | نوای لا احبّ الآفلین زن

حدیث هشتم در فضیلت بیان خروس

شیخ صدوق قدس سره روایت کرده که روزی حضرت صادق
علیه السلام پرسید از حال یکی از اهل مجلس که کجاست گفتند

حیلها است پس حضرت بعبادت و تشریف برد و نشست نزد سر او
یا یکه آمد نزد یک بمرد ز است فرمود یا و احسن ظنک بالله نیکو
کن گمان خود را بخدا بتعالی آمد گفت گمانم بخدا نیک است و لکن
غم من برای دختران است و ناخوش نکردم مرا مگر غصه آنها حضرت
فرمود الذی ترجوه لتضعیف حسناتک و محو سیئاتک فارجه
لاصلاح حال بناتک یعنی بخدا ئیکه امیداری او برای مضاعف
کردن حسنات و نابود کردن گناهانت پس امید وار باش باو برای
صلاح حال دخترانت یا ندانستی که رسول خدا صلی الله علیه و آله
فرمود که در لیلة المعراج زمانی که گذشتم از سدرة المنتهی و رسیدم
بشاخه‌های آن دیدم بعض میوه‌ها آن شاخه‌ها را که پستانها آنها آویزان
بود و بیرون میآید از بعضی از آنها شیر و از بعض دیگر عسل و از بعضی روغن
و از بعض دیگر مانند دانه خوب سفید و از بعضی جامه و از بعضی چیزی
مانند سدر و اینها پایین میرفتند بسوی زمین پس من در دلم خود گفتم که
این چیزها کجا فرود میاید نبود با من جبرئیل زیرا که من از مرتبه او بجا
کرده بودم و او مانده بود از مقام من پس ندا کرد مرا پروردگار عز و جل

در سر من که ای محمد من اینها را روزیان داده‌ام از آن مکان که با لای این مکانهاست بحیث غذای دختران مومنین از امت تو و پسران ایشان بگو سپرد زنان دختر هاکه سینه شما تنگی نکند بر بیچارگی ایشان پس همچنان که من آفریده ایشان را روزی میدهم ایشان را **فقیر** گوید مناسب دیدم در ذیل این حدیث این چند شعر را از شیخ سعدی نقل نمایم فرموده

یکی طفل دندان برآورده بود	پدر سر بفکرت فرو برده بود
که من نان و برگ از کجا آرمش	مروت نباشد که بگذارمش
چو بیچاره گفت این سخن پیش جفت	نگر تا زن او را چه مردانه گفت
مخور هول ابلیس تا جان دهد	که هر کس که دندان دهد نان دهد
نگارنده کودک اندر شکم	نویسنده عمر و روزی همه
خداوندگاری که عبدی خرید	بدارد فکیف آنکه عبد آفرید
ترا نیست آن تکیه بر کردگار	که مملوک را بر خداوندگار

حدیث نهم در ذکر اشخاصی که قابل رفاقت

شیخ علی بن عیسی اربلی در کشف الغمه روایت کرده از حضرت امام محمد باقر علیه السلام که فرمود وصیت کرد مرا پدرم باین کلمات فرمود

ای پسر جان با پنج طبقه از مردم مصاحبت مکن و سخن با ایشان مگوی و رفاقت مکن با ایشان در راه عرض کردم فدایت شوم پنج جماعت کیانند فرمود لا تصحبن فاسقا فانه یبیعک باکلة فما دونها یعنی با فاسق البته یار مشو زیرا که او ترا بیک خوراک یا بیک لقمه بلکه کمتر از آن میفروشد عرض کردم ای پدر کمتر از آن چیست فرمود بطمع لقمه ترا میفروشد لکن بآن نمیرسد گفتم ای پدر دوم کیست فرمود با بخیل مصاحبت مکن زیرا که ترا محروم مینماید از مال خود وقتی که بنهایت احتیاج بآن داری عرض کرده سوم کیست فرمود با کذاب مصاحبت مکن زیرا که او بمنزله سراب است دور میکند از تو نزدیک را و نزدیک میکند بتو دور را سراب آنستکه شعاع آفتاب در تیر روز بر صحرا مستوی افتد لمعان آن درخشنده در نظر آید چون آب موج زننده پس گمان برده شود که آن آبیست بر زمین جاری میشود و آن صورتست و حقیقت ندارد گفتم ای پدر چهارم کیست فرمود احمق است زیرا که او میخواهد ترا نفع رساند از حمق و نادانی خود ترا ضرر میرساند عرض کردم ای پدر پنجم کیست فرمود مصاحبت مکن با قاطع رحم زیرا که من یافتم او را ملعون در سه موضع از کتاب خدای تعالی

حدیث بیست نهم در فضیلت علم و علما

صاحب تحف العقول از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده
که فرمود عالمی که بعلم او مردم منتفع شوند افضل است از هفتاد هزار
عابد فقیر گوید که روایات در فضیلت علم و علماء زیاده از آنست که
احصا شود در جمله از اخبار است که یک عالم افضل است از هزار
عابد و هزار زاهد و فضل عالم بر عابد مثل فضل آفتاب است بر
ستاره‌ها و یک رکعت نماز که فقیه میکند بهتر است از هفتاد هزار
رکعتی که عابد میکند و خواب عالم بهتر است از نماز با جهل و چون
مؤمن بمیرد و بگذارد یک ورقه که در آن علمی باشد میگردد آن ورقه
در روز قیامت پرده میان او و آتش و عطا فرماید او را خداوند بهر
حرفیکه نوشته شده در آن شهری که وسیع‌تر است از دنیا بهفت مرتبه
و چون فقیهی بمیرد بگریند براو ملائکه و بقعه‌های زمین که عبادت
میکرد در آنها خدا را و درهای آسمان که از آنجا اعمال او را بالا میبردند
و در اسلام شکستی پیدا شود که سد نکند او را چیزی زیرا که مؤمنین
فقهاء قلعه‌های اسلامند مانند قلعه که برای دور شهر میسازند

بوا زفوائد وجود علماء انکه ثواب نماز با ایشان مضاعف شود ماننا
صدقات برایشان چنانکه شیخ شهید روایت کرده که نماز با عالم در
غیر مسجد جامع مقابل ده هزار رکعت است و در مسجد جامع مقابل
صد هزار رکعت است و در خبر نبوی است که صدقه بر علماء بهزار یکی
هفتصد هزار است و انکه نشستن نزد ایشان عبادتست و در خبر علوی است
که نشستن یک ساعت نزد علماء محبوبتر است نزد خداوند از عبادت
هزار سال و انکه نظر کردن بصورت ایشان بلکه نظر کردن بدر خانه عالم
عبادتست و در خبر علوی است که نظر بروی عالم محبوبتر است نزد خداوند
از اعتکاف در بیت الله الحرام مختصر گویم که مخفی نماند که فضیلت برای
علم وقتی است که با عمل منضم و این دو گوهر گرانمایه با هم توام گردند شعر

علم کز تو ترا نه بستاند	جهل از آن علم به بود صد بار
غول باشد نه عالم انکه از او	بشنوی گفت و نشنوی کردار

قال عیسی بن مریم اشقی الناس من هو معروف عند الناس بعلمه
مجهول بعمله فرمود حضرت عیسی علیه السلام که شقی ترین مردم کسی

که معروف باشد نزد مردم بعلم و مجهول باشد بعمل

حدیث یازدهم در فضیلت حیاء

در تحف العقول از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت شده که فرمود
حیا و ایمان در یک ریسمان مقرونند این دو گوهر گرانمایه در یک سلک
منظوم شده‌اند هرگاه یکی از آن دو برود رفیقش نیز برافتد و صاحب
او میرود فقیه گوید که روایات در فضیلت حیا بسیار است و کافی است
در حیا و آنکه حضرت رسول صلی الله علیه و آله او را لباس اسلام قرار
داده و فرموده اَلْاِسْلامُ عُرْیانٌ فَلِباسُهُ الْحَیاءُ پس همچنانکه لباس
ساتر عورات و قبایح ظاهره است حیاء نیز ساتر قبایح و مساوی
باطنه است روایت شده که روزی یکی از اصحاب حضرت صادق علیه السلام
بر آنحضرت وارد شد دید آنجناب پیراهنی پوشیده که گریبان آنرا وصله
زده‌اند از مرد پوشیده نظرش بر آن وصله بود و گویا از پوشیدن آنحضرت
آن پیراهن را تعجب داشت حضرت فرمود چه شده ترا که نظر بسوی من
دوخته گفت که نظرم بر وصله‌ایست که در گریبان شما است فرمود بردار
این کتاب را و بخوان آنچه را که در آن نوشته است راوی گفت مقابل آنحضرت

تا نزد باب آنحضرت کتابی بود پس ایمر نظر افکند در آن دیدند نوشته است لَا اِیمَانَ لِمَنْ لَا حَیَاءَ لَهُ وَلَا مَالَ لِمَنْ لَا تَقْدِیرَ لَهُ وَلَا جَدِیدَ لِمَنْ لَا خَلَقَ لَهُ یعنی ایمان ندارد کسی که حیاء ندارد و مال ندارد کسی که در معاش خود تقدیر و اندازه ندارد و بباید معنی این کلمه شریفه در حدیث سابق و نو ندارد کسیکه کهنه ندارد

حدیث دوازدهم در صحبت حضرت ربان

شیخ ابو الفتوح رازی روایت کرده که چون حضرت امیر المؤمنین از دفن صدیقهٔ طاهره سلام الله علیها فارغ شد بقبرستان رفت فرمود سلام بر شما ای اهل گورها اما خانهای شما تقسیم شد و اما زنهای شما تزویج کردند و نشستند شوهرکردند این خبر آنستکه نزد ما است خبر آنکه نزد شما است چیست هاتفی آواز داد که هرچه خوردیم سود کردیم و آنچه از پیش فرستادیم یافتیم و آنچه باز گذاشتیم زیان کردیم فقیر گوید که فرموده حضرت صادق علیه السلام بان کسیکه از آنجناب وصیتی خواست که مهیا نما ماده کردنت را و برگ سفر آخرت را و بفرست از پیش توشهٔ خود را

و بوده باش و صحت خود و مگو بغیر خوت که بفرستند برا تو چیزی که برای تو در کار است و مناسب است در اینمقام نقل این چند سطر

زان پیش که دست ساقی دهر	در جام مرادت افکند زهر
از دست ده این کراه و رستا	جهدی بکن و دلی بدست آر
کاین راس شمیشه باکل نیست	وین روی همیشه همچو مه نیست
احسان کن و بهر توشه خویش	زادی بفرست از خود پیش

حدیث سیزدهم در حرمت نگاه کردن بزن نامحرم

شیخ صدوق از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت کرده که هر که پر کند چشم خود را از نگاه کردن بزن نامحرم حقتعالی محشور فرماید اورا روز قیامت در حالیکه میخ دوز کرده باشند او را بمیخهای آتشین تا حقتعالی حکم فرماید ما بین مردم پس امر شود که ببرند او را به آتش

قلت و لقد احسن من قال

منگر در بتان که آخر کار	نگرستن گریستن آرد بار
شاهد این زمانه خرد و بزرگ	دیده را یوسفند دل را گرگ
جعد مفتول دل کسل باشد	زلف مرغول غول دل باشد

شیخ صدوق از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت کرده در
خبر طولانی که هر که مصافحه کند با زن نامحرم بیاید روز قیامت
در حالی که او را در غل و بند کرده باشند پس امر شود که او را در آتش
افکنند و هر که خوش طبعی و شوخی کند با زنی که مالک او نیست حبس
شود بهر کلمه که تکلم کرده با او در دنیا هزار سال و فرمود که هر که
قدرت داشت که با زنی یا جاریه فعل حرام بجا آورد و آن کار را
نکرد از ترس خدا عز و جل حرام فرماید بر او آتش جهنم
را و ایمن فرماید او را از ترس بزرگ قیامت و داخل فرماید او را در بهشت

حدیث چهاردهم در کتمان چهار چیز

صاحب تحف العقول از حضرت امام محمد باقر علیه السلام نقل
کرده که فرمود چهار چیز است که از گنجهای بر و نیکوئی است کتمان
حاجت و کتمان صدقه و کتمان درد و کتمان مصیبت فقیر گوید
که در مجموعه ورام خبری از احنف نقل شده که ذکرش در اینجا مناسب است
که احنف گفت شکایت کردم بعموی خود صعصعه وجع دردی
که در دل داشتم او مرا سرزنش کرد و فرمود ای فرزند برادر هر گاه

مصیبتی بر تو وارد شد شکایت مکن آنرا بجهت مانند خودت
زیراکه آن شخصی که بآن شکایت میکنی اگر دوست تواست پس بدحال
میشود واگر دشمن تواست پس مسرور میشود و همچنین آن دردی
که در تواست شکایت مکن آنرا بمخلوقی که مثل تواست قدرت ندارد
که مثل آنرا از خود دفع کند تا چه رسد بدیگری ولکن عرض کن بآنکه
ترا بآن مبتلا کرده که او قدرت دارد که آنرا از تو برطرف کند
و فرحی از آن کرامت فرماید ایفرزند برادر یکی از این دو چشم من
چهل سال است که بینائی آن رفته و نمی بینم با چیزی نه بیابان و نه
کوه را و در این مدت مطلع نکرده ام زوجه خود و نه اهل بیت خود را

حدیث پانزدهم در مذمت بر نیاوردن حاجت مؤمن

شیخ احمد بن فهد از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که
هر مؤمنی که برادر مؤمن او از او حاجتی بخواهد و او توانائی داشته
باشد که آن حاجت را برآورد و بر نیاورد حق تعالی مسلط فرماید
بر او در قبر او ماری عظیمی که او را شجاع گویند که همیشه بگزد انگشتان
او را و در روایت دیگر است که بگزد انگشت نر او را تا روز قیامت

خواه امر دینی باشد یا معذب باشد و پیغمبر گوید که در خصوص قضاء حوائج برادران دینی روایات بسیار نقل شده از جمله از حضرت امام محمد باقر علیه السلام مرویست که کسیکه برود پی حاجت برادر مسلمان خود حقتعالی او را در سایه هفتاد و پنجهزار فرشته در آورد و برنداند قدمی مگر آنکه بنویسد برای او حسنه و محو شود بدی از او سیئه و بالا برد برای او درجه و چون فارغ شود از حاجت او بنویسد برای او اجر کسیکه حجه و عمره بجا آورده باشد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که قضاء حاجت مرد مومن افضل است از حجه و حجه و حجه و شمرد تا ده حج و روایتست که در بنی اسرائیل هرگاه عابدی به نهایت عبادت میرسید اختیار میکرد از همه عبادات کوشش و سعی کردن در حاجتهای مردم را و جناب شاذان بن جبرئیل قمی روایت کرده از حضرت رسول صلی الله علیه و آله که در شب معراج این کلمات را دیدم که بر در دوم بهشت نوشته شده لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله از برای هر چیزی حیله است و حیله سرور در آخرت چهار

خصلتست دست مالیدن بر سر یتیمان مهربانی کردن بر شوهران
رفتن پی حاجت مؤمنان تعهد و پرستاری از فقیران و مسکینان
الی غیر ذلك ولهذا علماء و بزرگان دین خیلی اهتمام داشتند در قضاء
حوائج مؤمنین و حکایاتی از ایشان در این باب نقل شده که جای نقلش نیست

حدیث شانزدهم در مسرور کردن مؤمنان

شیخ کلینی و صدوق از سدیر صیرفی روایت کرده اند در خبر طولانی
که گفت فرمود حضرت صادق علیه السلام که چون حقتعالی مؤمن را از
قبرش بیرون آورد بیرون شود با او مثالی یعنی قالبی که البته که پیش
روی او باشد پس هر چه ببیند مؤمن هولی از هولهای روز
قیامت آن مثال با او گوید اندوهناك مشو و مترس و خرد دباتو را
بشارت و کرامت از حقتعالی و پیوسته او را بشارت دهد تا در مقام
حساب پس حقتعالی حساب کشد او را حساب آسانی و امر فرماید او را
به بهشت و آن مثال در جلو او باشد پس مؤمن گوید با او خدا رحمت
کند تو را خوب رفیقی بودی برای من بیرون آمدی با من از قبرم پس
بشارت دادی مرا به سرور و کرامت از حقتعالی تا دیدم من آنرا

پس تو کیستی گوید من آن سرور و شادیم که داخل کردی بر برادر مؤمن
خود در دنیا حقتعالی خلق فرموده مرا از آن تا بشارت دهم ترا

حدیث هفدهم در صله رحم و امانت است

علامه مجلسی از ثقه جلیل حسین بن سعید اهوازی از حضرت امام
محمد باقر علیه السلام روایت کرده که مردی آمد نزد جناب ابوذر رضی
الله عنه بشارت داد او را به ولادت او در دن گوسفندانش و گفت ای
ابوذر بشارت باد ترا که گوسفندانت ولادت کرده و بسیار شدند
فرمود مسرور نمیسازد مرا بسیاری ایشان و دوست ندارم اینرا پس آنچه کم
باشد و کفایت کند بهتر است نزد من از آنچه بسیار باشد و مشغول
کند همانا من شنیدم که پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود بر دو
طرف صراط روز قیامت رحم و امانت است پس در وقتی که بگذرد بر آن
کسیکه صله کننده رحم و ادا کننده امانت است آن دو طرف صراط
نمیگذارند بیفتد در آتش و در روایتی دیگر است و اگر بگذرد خیانت کننده
در امانت و قطع کننده رحم با این دو خصلت نفع ندهد او را عملی
[illegible] دیگر و صراط او را بیفکند در آتش

حدیث جهد بمردم در تقدیر معاش

صاحب تحف العقول از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده
که فرمود کمال و تمام کمال تفقه و بصیرت پیدا کردن است در دین و صبر
کردن است در مصیبت که وارد شود و اندازه گرفتن است معیشت را یعنی
گوید یعنی بسنجد آنچه عاید او میشود در معاش و بهمان اندازه خرج کند پس
هرگاه مثلاً ماهی سه تومان عاید او میشود روزی یک قران خرج کند
و بیشتر از آن خرج ننماید و اگر اتفاقاً یک روز زیادتر خرج کرد زیادی
آنرا روز دیگر کم گذارد تا آنکه بذلت سؤال و قرض از مردم گرفتار نشود
شیخ ثقة الاسلام نوری ره در خاتمه مستدرک نقل کرده که والده
ملا محمد تقی مجلسی عارفه مقدسه صالحه بود و از تقوی و صلاح او
نقل شده که وقتی شوهرش ملا مقصود علی عازم سفر گردید پسران
خود ملا محمد تقی و ملا محمد صادق را آورد در خدمت علامه مقدس
ورع ملا عبدالله شوشتری جهت تحصیل علوم دینیه و شرعیه و التماس
کرد از آن بزرگوار که مواظبت فرماید در تعلیمشان پس از آن مسافرت کرد
پس مصادف شد آن ایام عید جناب ملا عبدالله سه تومان بملا

محمد تقی داد و فرمود این را صرف نما باشد در ضروریات معاش خود پس
عرض کردند که بدون اطلاع و اجازهٔ والده نمیتوانیم صرف نمائیم چون
خدمت والدهٔ خود رسیدند کیفیت را بعرض رساندند فرمود که پدر شما
دکانی دارد که غلهٔ آن چهارده غاز بیکی است و این مساوی مخارج شما
نیست بجو یکه تعیین تقسیم آن کرده ام و این عادت شد برای شما در این مدت
پس هر گاه این مبلغ را که بحال شما در توسعهٔ فراخی معیشت میشود و این
مبلغ تمام میگردد شما عادت او را خود را فراموش مینمائید آنوقت
بمخارج که خود صاحب نیستید پس لابد میشود که شکایت کنم زندگی حال
شما را در غالب اوقات بجناب میرزا عبد الله و غیر او و این شایستهٔ ما
نیست چون بخدمت مولانا این مطلب عرض شد آن بزرگوار دعا کرد در حق
ایشان حق تعالی دعای ایشان را مستجاب فرمود و این سلسله جلیله را
از حامیان دین و مروجین شریعت حضرت سید المرسلین صلوات الله
علیه قرار داد و بیرون آورد از ایشان علامهٔ مجلسی را **فائده**
بدانکه در این حدیث ترغیب شده به صبر در شدائد و نوائب و روایات
و حکایات در مدح و فوائد صبر بسیار است و من در اینجا اکتفا میکنم از

انهاییک روایت بلکه حکایت **اما روایت** از حضرت صادق ع منقول است که چون مؤمن را در قبر میگذارند نماز در طرف راست او واقع شود و زکوة در طرف چپ و روبروی نیکویی و احسان او مشرف بر او شود و صبر او در ناحیه قرار گیرد پس وقتیکه دو ملک سوال بیایند صبر گوید بنماز و زکوة و بر در یابید شما صاحب خود را یعنی میت را نگاهداری کنید پس هرگاه عاجز شدید از آن من هستم **و اما حکایت** از بعضی تواریخ منقول است که کسری بر بزرجمهر حکیم غضب کرد و امر نمود او را در جای تاریکی حبس کنند و در قید و اهل او را بند نمایند پس چند روز که حال بر او بگذشت روزی کسی فرستاد که از او خبر گیرد و از حال او بپرسد چون آن رسول آمد او را با سینه گشاده و نفس آرمیده دید گفت تو در این تنگی و سختی میباشی ولکن چنان هستی که در آسایش و فراخی زندگی میکنی گفت من معجونی درست کرده ام از شش چیز و آنرا استعمال کرده ام گفت که آن معجون را تعلیم ما نیز بفرما که در بلاها استعمال کنیم شاید ما هم از آن انتفاع ببریم فرمود آن شش چیز یکی اعتماد بخداوند عز و جل است دوم آنکه هر چه مقدر شد خواهد شد

سوم انکه صبر نمیه چیزیست که ادم ممکن استعمال ان کند چهارم انکه
گر صبر نکنم چه کنم پنجم انکه شاید مصیبتی وارد شود که از این مصیبت صعب‌تر
تر باشد ششم انکه از ساعتی تا ساعتی فرجست چون این مطلب را
بکسی اطلاع داد ندام کرد او را از زندان و بند رها کرده و احترام نمودند

حدیث هفتم در مذمت دروغ

شیخ کلینی روایت کرده از حضرت امام محمد باقر علیه السلام که فرمود
خداوند عز و جل قرار داد از برای شر و بدی قفلهائی و قرار داد
کلید ان قفلها را شراب دروغ بدتر از شراب است فقیر گوید که روایات
در مذمت دروغ بسیار است و برای ندم ان فرمایش حضرت امیر
المؤمنین علیه السلام که فرمود نمی یابد بنده طعم ایمان را تا انکه ترک
کند دروغ را خواه از هزل باشد یا از جد

حدیث هشتم در مذمت شراب خوردن

شیخ صدوق از حضرت رسول صلی الله علیه و اله روایت کرده که
فرمود شارب الخمر محشور میشود در روز قیامت در حالی که رویش
سیاه و چشمهایش کبود باشد و مایل و کج شده باشد کنج دهانش

وجاری باشد آب دهانش و بیرون کرده باشد زبانش را از قفایش

فقیر گوید که روایات در ذم شارب الخمر بسیار است و در روایت شراب را
آن ام الخبائث است و سر هر شری است و بگذرد بر شارب خمر ساعتی که
عقلش ربوده شود پس نشناسد پروردگار خود را و نگذارد معصیتی را
مگر آنکه هتک آن کند و نه رحمی را مگر آنکه قطع آن کند و نه فاحشه
مگر آنکه اتیان بآن نماید و داده شده مهارش بدست شیطان است
اگر امر کند که سجده کند برای بتان سجده کند مطیع و منقاد او باشد
هر کجا که او را بکشد و نیز روایت شده که تزویج مکن بشارب خمر را اگر
هرگاه زن باو دهی مثل آنستکه آن زن را بزنا داده و تصدیق مکن
او را هرگاه حدیث گوید با تو و قبول مکن شهادت او را و امین مدان
او را در مال خود یعنی مالت را بدست او مده و با او رفاقت و دوستی
مکن و در صورتش مخند و مصافحه و معانقه با او مکن و اگر مریض شد
او را عیادت منما و اگر مرد تشییع مکن جنازه او را و با شارب الخمر
مجالست مکن و هم مجلس مشو زیرا که اگر لعنت نازل شود فرو گیرد هر که در
که در مجلس است و منشین بر سفره که در آن شراب خورده شود و بدانکه

شارب خمر مثل بت پرست است و هر که شراب خورد تا چهل روز نماز
قبول نشود و شارب الخمر محشور شود روز قیامت در حالی که کوزه در
گردن او است و قدحی در دستش و بوی گند بدتر است از هر مردار که
بر روی زمین است لعنت میکند او را هر که میگذرد بر او از خلایق

الحدیث بیست و یکم در مذمت ربا خوردن

شیخ جلیل علی بن ابراهیم قمی از پدرش از ابن ابی عمیر از جمیل از حضرت
صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود یک درهم رباء معصیتش
بزرگتر است نزد خدا از هفتاد زنا با زنهای محارم خود در بیت الله الحرام
فقیر گوید که آیات و اخبار در ذم ربا و عظمت گناه آن بسیار است و قریب باین
مضمون چند روایت وارد شده و شیخ صدوق روایت کرده که در جمله
وصیتهای حضرت رسول صلی الله علیه و آله با میر المؤمنین ع است که یا علی
رباء هفتاد جزء است آسانترش مثل آنکه شخص نکاح کند مادر
خود را در بیت الله الحرام و نیز از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
روایت کرده که فرمود هر که ربا بخورد حق تعالی شکم او را از آتش جهنم
پر کند بقدری که رباء خورده پس اگر کسب کرده از آن مالی را نمی قبول فرماید

حقتعالی چیزی از عمل او را و هیشه در لعنت خدا و ملائکه باشد مادام که با او است قیراطی و فرمود بدترین کسبها کسب رباء است و روایت شده از انحضرت که فرمود هر که کسب کند مالی را از غیر حلال نمال توشهٔ او است بسوی آتش

حالت بدبست و دوم زموصیتهای حضرت صادق جهنم

شیخ صدوق از ابان بن شوید روایت کرده که گفت گفتم بحضرت صادق علیه السلام که چیست ان چیزیکه ثابت باقی میگذارد ایمانرا در بنده فرمود انچیزیکه ثابت دارد ایمان را در او ورع است و آن چیزیکه بیرون میکند ایمانرا از بنده طمع است فقیر گوید که روایات این باب بسیار است و ورع ترک محرمات و پرهیز کردن از چیزهای حرام و شبهات است از عمرو بن سعید ثقفی روایت است که خدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کردم که من همیشه شما را ملاقات نمیکنم پس چیزی بمن بفرما که بان رفتار نمایم حضرت فرمود ترا وصیت میکنم بتقوی الله و ورع و اجتهاد و بدانکه نفع نمیکند اجتهادی که با ان ورع نباشد و فرمود انحضرت بحماد اگر بخواهی که روشن شود چشمت برسی بخیر دنیا و اخرت پس قطع

کن طمع خود را از آنچه که در دست مردم است و بشمار خود را در
مرده گان و حدیث نفس مکن که تو با لاتر از احدی از مردم نیستی
و حفظ کن زبان خود را همچنانکه حفظ میکنی مال خود را
و از حضرت امام زین العابدین علیه السلام مرویست که فرمود
دیدم تمام خیر خوبی را که جمع شده بود در قطع طمع از مردم

حکایت بیست و سیم در مذمت زنا و لواط

شیخ کلینی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود
از برای زناکننده شش خصلت خواهد بود سه خصلت در دنیا
و سه خصلت در آخرت اما سه خصلت در دنیا پس میبرد نور صورت را
و میاورد فقر و پریشانیرا و تعجیل میکند در فنا او یعنی عمر او را
کم میکند اما آن سه خصلت که در آخرت برای او خواهد بود
خشم پروردگار و بدی حساب و خلود در آتش است فقیر
گوید که روایات باین مضمون بسیار است اگر نطفه خود را در
رحم زن نامحرم بریزد عذابش سخت تر است شیخ صدوق روایت
کرده از حضرت رسول صلی الله علیه و آله که ابن آدم عملی نمیکند

بزرگتر نزد خدا از کسی که بکشد پیغمبر یا امام را یا خراب کند
کعبه را که خداوند آنرا قبله بندگان خود قرار داده یا خالی کند
آب خود را در زنی که حرام است بر او وروایت شده که از برای فرزند
زنا علامات است یکی بغض اهل بیت پیغمبر صلی الله علیهم اجمعین
است دوم آنکه حنین و شوق دارد بآن حرامی که از او خلق شده که
زنا باشد سوم استخفاف او است بدین چهارم بد محضر باشد از
برای مردم کسی که بد باشد محضرش یا برادرانش یا اولاد زنا است
یا مادرش در حیض با او آبستن شده و بدانکه عظمت معصیت لواط
از زنا بیشتر است وحقتعالی هلاک فرمود امتی را بجهت ارتکاب لواط
وروایت شده که لواط مادون دبر است و داخل در دبر کفر بخداوند
عظیم است و هر که جمع شود با پسری بیاید روز قیامت بحال جنابت
پاک نکند او را آب دنیا و غضب خدا و لعن حقتعالی بر او باشد و مهیا
کند برای او جهنم را و بد جایگاهی است جهنم ثقة الاسلام کلینی
از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود پیغمبر صلی الله
علیه و آله که هر که ببوسد پسری را از روی شهوت حقتعالی دهنه آتشی به

حدیث بیست و چهارم در ذم غیبت است

شیخ کلینی روایت کرده از حضرت صادق علیه السلام که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود غیبت زودتر فاسد میکند دین آدم مسلمان را از آکله که در اندرون او باشد فقیر گوید که روایات در ذم غیبت بسیار است و در بعضی روایات است که بدتر است از زنا و غیبت خورش سگ های جهنم است و غیبت کننده در جهنم پیوسته گوشت بدن خود را میخورد و او بلا و واثبورا میگوید و او یکی از آن چهار کس است که اهل جهنم با آن آزاری که دارند از عذاب ایشان در آزارند

حدیث بیست و پنجم در ذم نمامی و سخن چینی

شیخ صدوق روایت کرده از حضرت رسول صلی الله علیه و آله در حدیث طولانی که هر که نمامی و سخن چینی کند ما بین دو نفر مسلط کند حقتعالی بر او در قبرش آتشی که بسوزاند او را تا روز قیامت و چون از قبر خود بیرون آید

مسلط نماید بر او مار سیاه بزرگی که گوشت بدن او را به
دندان بکند تا داخل جهنم شود فقیر گوید که روایات در
مذمت نمام بسیار است و روایت شده که بهشت حرام شده بر
نمام و مدمن خمر و دیوث و در روایت کفر من هذه الامة
عشرة یکی از آنها نمام است و بدترین اقسام نمامی سعایت
است و در روایت است که اشخاصی که سعایت کنند نزد سلطان
برای مردم روز قیامت بدار آتش آویخته شده باشند الی غیر ذلک

حدیث بیست و ششم در خانه که حضرت صادق از بهشت فروخت

قطب راوندی و ابن شهر آشوب از هشام بن الحکم روایت
کرده اند که مردی از ملوک جبل از دوستان حضرت صادق ع
بود و همه ساله بجهت ملاقات آنجناب بحج میرفت و چون به
مدینه میآمد حضرت او را منزل میداد و از کثرت محبت و
ارادتی که بآنجناب داشت طول میداد مکث خود را در خدمت
آنحضرت تا یک نوبت که بمدینه آمد پس از آنکه از خدمت
آنجناب مرخص شده بعزم حج خواست حرکت کند ده هزار درهم

باٰنحضرت داد تا براى او خانهٔ بخرد كه هرگاه مدينه بيايد
مزاحم بجناب نشود و بجانب حج رفت چون مراجعت كرد خدمت
بجناب شرفياب شد عرض كرد از براى من خانه خريد فرمود
بلى و كاغذى باو مرحمت فرمود و گفت اين قبالهٔ آنخانه است
آمرد چون قباله را خواند ديد كه نوشته بسم الله الرحمن الرحيم
اين قبالهٔ خانه ايست كه جعفر بن محمد خريده از براى فلان
ابن فلان جبلى و آن خانه واقع است در فردوس برين محدود
بحدود اربعه حد اول بخانهٔ رسول خدا صلى الله عليه و
حد دوم بخانهٔ امير المؤمنين عليه السلام حد سوم بخانه حسن
بن على عليه السلام حد چهارم بخانه حسين بن على عليه السلام
چون آمرد نوشته را خواند عرض كرد فداى تو شوم راضى هستم
باين خانه پس حضرت فرمود كه من پول خانه را بخش كردم بفرزندان
حسن و حسين عليهما السلام و اميدوارم كه حقتعالى قبول
فرموده باشد و عوض بتو در بهشت عطا فرمايد پس آنمرد آن
قباله را با خود داشت تا گاهى كه ايام عمرش منقضى شد و علت

موت او را دریافت اهل و عیال خود را جمع کرد و انها را قسم
داد و وصیت کرد که چون من مردم این نوشته را در قبر
با من بگذارید ایشان نیز چنین کردند روز دیگر که بر سر
قبرش رفتند همان نوشته را یافتند که در روی قبر است و
بر آن نوشته شده است که بخدا سوگند که جعفر بن محمد
علیهما السلام وفا کرد بانچه برای من گفته و نوشته بود

حکایت بیست و هفتم در توبه همسایه ابو بصیر

ابن شهر اشوب از ابو بصیر روایت کرده که گفت من همسایه
داشتم از اعوان سلطان جور بود و مالی بدست آورده بود
و کنیزان مغنیه گرفته بود و پیوسته انجمنی از جماعت اهل لهو و
طرب را داشته بود و شراب میخوردند و مغنیات برای او میخواندند
و بجهت مجاورت با او پیوسته من در اذیت و صدمه بودم از
شنیدن این منکرات لاجرم چند دفعه بسوی او شکایت کردم
او مرتدع نشد بالاخره در این باب اصرار و مبالغه بیحد کردم
جواب گفت من مردی هستم مبتلا و اسیر شیطان و هوا و تو مردی

همسایه معانی پس اگر حال مرا عرضه داری خدمت صاحب یعنی حضرت
صادق علیه السلام امید میرود که خدا مرا از بند نفس و هوا نجات
دهد ابو بصیر گفت کلام آنمرد در من اثر کرد پس صبر کردم تا گاهی که
از کوفه بمدینه رفتم چون شرفیاب خدمت امام علیه السلام شدم
حال همسایه را برای آنجناب نقل کردم فرمود گاهی که بکوفه برگشتی
بدن تو میاید باو بگو که جعفر بن محمد میگوید ترک کن آنچه را که
بجا میاوری از منکرات الهی تا من ضامن شوم از برای تو بر خدا
بهشت را پس چون بکوفه مراجعت کردم مردمان بدیدن من آمدند آن
مرد نیز بدیدن من آمد چون خواست برود او را نگاه داشتم تا آنکه منزل
از او خالی شد پس گفتم او را ای مرد همانا من حال تو را بجناب
صادق علیه السلام عرضه کردم فرمود که او را سلام برسان
و بگو ترک کند آن حال خود را و من ضامن میشوم برای او بهشت را
آنمرد از شنیدن این کلمات گریست و گفت تو را بخدا سوگند که
جعفر بن محمد علیه السلام چنین گفت من قسم یاد کردم که چنین فرمود
گفت همین بس است مرا این بگفت و برفت پس چند روز که گذشت

نزد من فرستاد و مرا نزد خود طلبید چون در خانه او رفتم دیدم که
برهنه در پشت در است و میگوید ای ابو بصیر هر چه در منزل خود از اموال
داشتم بیرون کردم و الآن برهنه و عریانم چنانکه مشاهده میکنی
چون حال آنمرد را دیدم نزد برادران دینی خود رفتم و از برای او
لباس جمع کردم و او را پوشانیدم چند روزی نگذشت که باز
بسوی من فرستاد که من علیل شده ام نزد من بیا من پیوسته
نزد او میرفتم و او را معالجه میکردم تا گاهی که مرگش در رسید
من در بالین او نشسته بودم و او مشغول بجان کندن بود که ناگاه غشی
او را عارض شد چون بهوش آمد گفت ای ابو بصیر صاحب حضرت
جعفر بن محمد علیه السلام وفا کرد برای من بآنچه فرموده بود این بگفت
و دنیا را وداع نمود پس از مردن او چون بسفر حج رفتم همینکه بمدینه
رسیدم خواستم خدمت امام خود برسم در خانه اذن خواستم و داخل
شدم چون داخل خانه شدم یک پایم در دالان بود و یک پایم در صحن
خانه که حضرت صادق علیه السلام از داخل اطاق مرا صدا زد که
ای ابو بصیر ما وفا کردیم برای رفیقت آنچه را که ضامن شده بودیم

حدیث بیست و هشتم در موعظه حضرت امیر کسبه را

شیخ کلینی روایت کرده از حضرت امام محمد باقر علیه السلام که فرمود بود امیر المؤمنین علیه السلام در کوفه نزد شما که بیرون میرفت هر روز در اول روز از دار الاماره پس میگردید در یک یک بازارهای کوفه و تازیانه بر دوش داشت که دو سر داشت و او را سبیبه میگفتند پس می ایستاد بر سر هر بازاری و ندا میکرد که ای گروه تجار پرهیز کنید از عذاب خدا چون مردم میشنیدند صدای آنحضرت را میانداختند آنچه که در دست داشتند و دلخود را متوجه آنحضرت مینمودند و گوش میدادند تا چه میفرماید میفرمود که مقدم دارید طلب خیر را و برکت بجوئید بخوش معامله گی و نزدیک شوید بمشتریان یعنی جنس را قیمت گران نگوئید که دور باشد از قیمتی که مشتری میگوید و زینت کنید خود را ببردباری و نگاه دارید خود را از قسم هر چند که حق باشد و اجتناب کنید از دروغ و دوری کنید از ستم و انصاف دهید مظلومان را باین معنی که چون کسی مغبون شود و استقاله نماید اقاله کنید و معامله را بهم بزنید و نزدیک مشوید به

ربا با بمعنی که احتراز کنید از هرچه که احتمال ربا در آن هست تا
دهید پیمانه و ترازو را و کم ندهید حقوق مردمان را و فساد نکنید در زمین
میگوید در جمیع بازارهای کوفه بعد از آن برمیگشت و می نشست برای داوری مردمان

حدیث بیست و نهم در آزار کردن مردی همسایه خود را

شیخ کلینی ره روایت کرده که مردی آمد خدمت حضرت صادق علیه السلام
و عرض کرد یا ابن رسول الله دیدم در خواب که گویا بیرون شده ام از شهر
کوفه رفتم در موضعی که میشناسم بجا آن دیدم گویا شبحی از چوب یا
مردی تراشیده از چوب را که سوار است بر اسبی از چوب و میدرخشاند
شمشیر خود را و من مشاهده میکنم او را در حالی که ترسان و مرعوبم
حضرت فرمود تو مردی هستی که اراده کرده هلاک مردی را در معیشتش
و میخواهی از چیزی که اسباب زندگی و مادهٔ حیات او است از او
بگیری پس بترس از خداوندیکه ترا خلق کرده و میمیراند ترا آن
مرد گفت شهادت میدهم که علم بتو عطا شده و بیرون آورده آنرا
از معدنش خبر دهم ترا یا ابن رسول الله از آن چیزیکه برایم بیان
کردی همانا مردی از همسایگان من آمد نزد من و بر من عرضه کرد ملک

خود را که من بجز من ز او پس من قصد کردم که انرا مال الت شوم بقیمت
بسیار کم چون دانستم که طالبی غیر از من ندارد حضرت فرمود ایمرد دو
ما را و از دشمنان ما بیزاری میجوید عرض کرد آری یا ابن رسول الله
و مرد یست بصیرتش نیکو و دینش مستحکم و من توبه میکنم بسوی خدا
تعالی و بسوی تو از انچه که قصد کرده بودم و نیت نموده بودم نگاه
کفت خبر بده مرا یا ابن رسول الله که اگر ایمرد ناصبی بود حلال بود بر من
اغتیال او بعنی بیکار روا با او بکنم حضرت فرمود اداء کن امانت را بکسیکه
ترا امین دانست و از تو خواست نصیحت را اگرچه قاتل سید الشهداء علیه السلام باشد

حدیث سی ام در صلهٔ رحم

روایت کرده شیخ طوسی از سالمه کنیز حضرت صادق علیه السلام
که گفت بودم نزد حضرت صادق علیه السلام در وقت احتضار که حال
اغماء بیدا کرد چون بحال خود امد فرمود بدهید بحسن بن علی بن
علی بن الحسین که افطس باشد هفتاد اشرفی و بدهید بفلان و بفلان
فلان مقدار من گفتم ایا عطا میکنی بمردی که حمله کرد بر تو با کارد
میخواست ترا بکشد فرمود میخواهی من از کسان نباشم که خدا مدح

کرده ایشانرا بصله کردن رحم و در وصف ایشان فرموده وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللهُ بِهِ أَن يُوصَلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ پس فرمود ای سالم بدرستیکه حقتعالی خلق کرده بهشت را وخوشبو کردانید او را و بوی آن تا دو هزار سال راه میرسد ونمیشنود بوی انرا عاق والدین وقطع کننده رحم

حدیث سی ویکم در استخفاف کردن بنماز

روایت کرده است شیخ صدوق از ابو بصیر که گفت مشرف شد خدمت ام حمیده زوجه ام ولد حضرت امام جعفر صادق علیه السلام برای تعزیت حضرت صادق علیه السلام پس آن مخدره گریست ومن نیز بجهت گریه او گریستم پس از آن فرمود ای ابو محمد اگر میدیدی حضرت صادق علیه السلام در وقت موت هما نا امر عجیبی مشاهده میکردی چشمهای خود را گشود وگفت جمع کنید نزد من هر کسی که ما بین من و او قرابت وخویشی است پس ما نگذاشتیم احدی از خویشان او را مگر آنکه نزد او اوردیم پس آنجناب نظری افکند بسوی ایشان وفرمود اِنَّ شَفَاعَتَنَا لَا تَنَالُ مُسْتَخِفًّا بِالصَّلٰوةِ

یعنی همانا شفاعت ما نخواهد رسید بکسیکه استخفاف کند
بنماز یعنی نماز را خوار و سبک شمارد و اعتنا و اهتمام بآن نداشته باشد

حدیث سی و دوم

شیخ کلینی از ابو حمزه ثمالی روایت کرده که گفت گفتم بحضرت
امام محمد باقر علیه السلام فدایت شوم چه میفرمائی در حق مسلمانی
که برود بسوی مسلمانی جهت ملاقات او و اذن طلبد و او در منزلش
باشد و اذن ندهد او را و بیرون نیاید که او را ملاقات نماید حضرت
فرمود ای ابو حمزه هر مسلمانی برود بسوی مسلمانی جهت زیارت
او یا طلب حاجتی از او و او در منزل باشد و اذن ندهد او را که
داخل منزل شود و بیرون نیاید بسوی او پیوسته در لعنت خدا باشد
تا یکدیگر را ملاقات کنند ابو حمزه گفت از روی تعجب گفتم فدایت شوم
در لعنت خدا میباشد تا همدیگر را ملاقات کنند فرمود آری

حدیث سی و سوم در مدح سکوت

سید رضی رضوان الله علیه روایت کرده که حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام فرمود که کلام در بند تو است مادامیکه تکلم بآن

نکرده باشی پس هرگاه تکلم کردی میگردی تو در بند او پس حفظ کن زبان خود را همچنانکه حفظ میکنی طلا و نقره خود را پس بسا یک کلمه که ربوده نعمتی را فقیر گوید که روایات در مدح سکوت بسیار است و مقام را گنجایش نقل نیست و من در اینجا اکتفا میکنم باین چند شعر که از امیر خسرو نقل شده

سخن گرچه هر لحظه دلکش تر است ‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌ چو بینی خموشی از آن بهتر است
در فتنه بستن دهان بستن است ‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌ که گیتی به نیک و بد آبستن است
پشیمان ز گفتار دیدم بسی ‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌ پشیمان نگشت از خموشی کسی
شنیدن ز گفتن به ار در دلی ‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌ کزین پر شود مردم از روی هی
صدف زان سبب گشت جوهر نیوش ‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌ که از پای تا سر همه گشت گوش
همین زبان گشت شمشیر تیز ‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌ که خون ریختن زان کند رستخیز

حدیث سی و چهارم ذکر اشخاصیکه ابلیس [illegible]

شیخ صدوق روایت کرده که بحضرت صادق علیه السلام عرض کردند که این خلق که می بینید تمام اینها از ناس و مردم محسوب میشوند فرمودند از مردم بودن آن کسی را که ترک کرده مسواک را

زان کسی را که چهار زانو می نشیند در جای تنگ وکسی که
را خال میشود در چیزی که مهم او نیست وکسی که خراء وجدال
میکند در چیزی که علم بان ندارد وکسیکه بیمار بی بخود به
بند دیدون علتی وکسیکه موی خود را ژولیده گذارد
بدون مصیبتی وکسی که مخالفت کند با یاران خود در حق
در حالی که انها متفق شده باشند بران وکسیکه افتخار کند
بپدران خود در حالی که خودش خالی است از کارهای خوب این
پس بمنزلهٔ خدنگ است یعنی پوست خدنگ وان چوب درختی است
محکم برای تیر خوب است پوستهای انرا میکنند دور می افکنند
تا بجوهر واصلش میرسند پس همچنانکه پوست خدنگ را می کنند
و دور میافکنند با ان مجاورت ونزدیکی بلب واصل خود
هم چنین کسی که خالی است از فضایل وکمالات پدران خود را
دور میافکنند واعتنا باو نمیکنند ولقد احسن من قال
العاقل یفتخر بالهمم العالیة لا بالرمم البالیة کن
ابن من شئت واکتسب ادبا یغنیک محموده عن النسب

إنّ الفتی من یقول ها أنا ذا — لیس الفتی من یقول کان أبی

حاصل آنکه

جانی که بزرگ بایدت بود	فرزند کسی نداردت سود
چون شیر بخود سپه شکن باش	فرزند خصال خویشتن باش

حدیث سی و پنجم فرمایش حضرت امیر مؤمنان

شیخ صدوق روایت کرده از جناب عبد العظیم بن عبد الله حسنی که گفت گفتم بحضرت امام محمد تقی علیه السلام که ای پسر رسول خدا حدیث کن مرا بحدیثی که از پدران بزرگوارت نقل شده باشد فرمود حدّثنی ابی عن جدّی عن آبائه علیهم السلام قال قال امیر المؤمنین علیه السلام لا یزال الناس بخیر ما تفاوتوا فاذا استووا هلکوا یعنی حدیث کرد مرا پدرم از جدّم از پدرانش علیهم السلام که امیر المؤمنین علیه السلام فرمود همیشه مردم بخیر و خوبی هستند مادامی که تفاوت داشته باشند پس هرگاه مساوی شدند هلاک شوند گفتم زیادتر بگو یا بن رسول الله باز حضرت از پدران خود از امیر المؤمنین

نقل کرد که فرمود لو تکاشفتم ما تدافنتم اگر آشکار شود عیب
هر یک از شما ها بر دیگری همدیگر را دفن نخواهید کرد گفتم
زیادتر بگو یا بن رسول الله باز نقل کرد از حضرت امیر المؤمنین
که فرمود اِنَّکُم لَن تَسَعُوا النَّاسَ بِاَموالِکُم فَسَعُوهُم
بِطَلاقَةِ الوَجهِ وَحُسنِ اللِّقاءِ بدرستیکه اموال شما گنجایش
مردم را ندارد گنجایش دهید ایشان را بگشاده روئی و خوش
برخورداری همانا شنیدم از حضرت رسول صلّی الله علیه و
آله که فرمود اَنَّکُم لَن تَسَعُوا النَّاسَ بِاَموالِکُم فَسَعُوهُ
بِاَخلاقِکُم جناب عبد العظیم گفت گفتم بحضرت جواد علیه السّلام
که زیادتر بگو یا بن رسول الله فرمود امیر المؤمنین علیه السّلام
فرموده مَن عَتَبَ عَلَی الزَّمانِ طالَت مَعتَبَتُهُ هر که خشم
گیرد بر زمان طول خواهد کشید خشم او یعنی ناملایمات
یکی دو تا نیست که خشم آدمی برطرف شود بلکه آن بسیار و متجاوز
از حدّ و شمار است لاجرم خشم بر آن طولانی خواهد شد فقیر گوید
که همین معنی است فرمایش آنحضرت نیز در نهج البلاغه اغض علی

لأذىً وَاِلّا لَمْ تَرْضَ اَبَداً یعنی چشم بپوش بر خار کنایه از آنکه
از مکاره و رنج و بلای دنیا و ناملایمات از دوستان بپوش چشم
بپوش و تحمل آن کن و اگر نه خوشنود نشوی هرگز و همیشه بحالت خشم
و تلخی زندگی کنی چنانکه طبیعت دنیا مشوب بمکاره روایت شده
که حضرت امام زین العابدین علیه السلام فرمود بفرزند خود که
اگر دشنام داد تورا مردی از طرف راست تو پس گردید بطرف چپ
تو و بنا در خواهی کرد بسوی تو قبول کن عذر او را قال الرضی

کُنْ فِی الاُمورِ بِاَلْیَنٍ وَلا اَذْنٍ	اَوْلا نَعِشْ اَبَداً الاَیّامِ مَصْدوداً
وَالنّاسُ اُسْدٌ تُحامی عَنْ فَرائِسِها	اِمّا عَقَرْتَ وَاِمّا کُنْتَ مَعْقوراً

جناب عبد العظیم کنت گفتم زیاد تر بگو فرمود که حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام فرموده مُجالَسَةُ الاَشْرارِ تُورِثُ سُوءَ الظَّنِّ بِالاَخْیارِ
مجالست و هم نشینی با اشرار مردمان بد سبب بد گمانی شود با خیار
و مردمان خوب گفتم زیاد تر بفرما فرمود که امیر المؤمنین علیه السلام
فرموده بِئْسَ الزّادُ اِلَی الْمَعادِ اَلْعُدْوانُ عَلَی الْعِبادِ بد توشه
ایست برای سفر آن سرای ستم کردن بر بندگان خدا فقیر گوید

که نیز از کلمات حضرت امیر المؤمنین علیه السلام است
اَلْبَغْیُ آخِرُ مُدَّةِ الْمُلُوکِ وشایسته است که من این چند شعر را
درذیل این کلمهٔ شریفه از حکیم فردوسی نقل نمایم شعر

نبرتسم چنین گفت دستان گهر	که ای پور بر زیر دستان ستم
اگرچه تو را از زیر دستان ابی است	تو را بایداز این زبر دستان ابی است
مکن ناتوانی دل خلق ریش	وگر میکنی میکنی بیخ خویش
مکن ناتوانی ستم بر کسی	ستمگر بگیتی نماند بسی

گفت گفتم زیادتر بفرما یابن رسول الله فرمود که حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام فرموده قِیمَةُ کُلِّ امْرِئٍ مَا یُحْسِنُهُ قیمت هر مردی و مرتبه
هر شخصی همان چیزیست که نیکو میداند از هنر و علم و عرفان غرض
تحریص و ترغیب است بر کسب کمالات نفسانیه و صناعات و نحوان
خلیل بن احمد گفته که بهتر کلامیکه ترغیب کند آدمی را بسوی طلب علم و
معرفت قول امیر المؤمنین علیه السلام است که فرموده قدر هر مردی
همانچیزیستکه نیکو میداند گفت گفتم زیادتر بفرما یابن رسول الله
فرمود امیر المؤمنین علیه السلام فرموده اَلْمَرْءُ مَخْبُوٌّ تَحْتَ لِسَانِهِ

مرد پنهان است در زیر زبان خویشتن   قیمت و قدرش ندانی تا نیاید در سخن

و از اینجا است که نیز فرموده تَکَلَّمُوا تُعرَفُوا تکلم کنید تا شناخته شوید

چو در بسته باشد چه داند کسی   که گوهر فروش است یا پیله ور

گفت گفتم زیادتر بفرما یا بن رسول الله فرمود حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده مَا هَلَکَ امرءٌ عَرَفَ قَدرَهُ هلاک نگشت مردی که شناخت قدر خود را گفت گفتم زیادتر بفرما یا بن رسول الله فرمود که امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده اَلتَّدبِیرُ قَبلَ العَمَلِ یُؤمِنُکَ مِنَ النَّدَمِ یعنی تدبیر تو پیش از عمل و اقدام در کاری ایمن خواهد ساخت ترا از پشیمانی زان ضعیف گوید که حضرت صادق علیه السلام نیز بر این مطلب را در وصیت خود بعبدالله جندب فرموده در آنجا که میفرماید بایست نزد هر کاری تا بشناسی راه داخل شدن در آن و راه خارج شدن از آن را پیش از آنکه داخل در آن کار شوی و پشیمان نگردی شیخ نظامی از این نظم در آورده

در سر کاری که در آیی نخست   رخنه بیرون شدنش کن درست
تا نکنی جای قدم استوار   پای منه در طلب هیچ کار

گفت گفتم که زیادتر بفرما یا بن رسول الله فرمود حضرت امیرالمؤمنین علیه

فرموده مَن وَثِقَ بالزمانِ صُرِعَ هرکه اعتماد کند بزمان بزمین افکنده خواهد شد گفتم زیادتر بفرما یابن رسول الله فرمود حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده خاطَرَ بِنَفْسِهِ مَنِ اسْتَغْنىٰ بِرَأیِهِ در خطر افکنده خودرا کسی که بی نیاز شده برای خودش یعنی در مهمّات تکیه برای و دانش خود نموده و ترک کرده مشورت کردن با دانایان را عرض کردم که زیادتر بفرما یابن رسول الله فرمود که امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده قِلَّةُ العِیالِ اَحَدُ الیَسارَین کمی اهل و عیال یکی از دو توانگریست در مال زیرا که هرکه را اندک باشد عیال او عیش آسان تر باشد و معیشتش اوسع همچنانکه در کثرتِ مال حال بدین منوال است گفتم زیادتر بفرما یابن رسول الله فرمود که امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده مَن دَخَلَهُ العُجبُ هَلَکَ هرکه داخل شد بر او عُجب و خودبینی هلاک شد گفتم زیادتر بفرما یابن رسول الله فرمود که امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده مَن اَیقَنَ بِالخَلَفِ جادَ بِالعَطِیَّةِ کسیکه یقین کند که عوض آنچه که مبذول جانبش میباید جوانمردی خواهد کرد در عطا کردن زیرا که میداند بلکه

بن عطا با و میرسد فقیر گوید که بهمین مطلب اشاره کرده بعض
شعرا در مدح حضرت امیر المؤمنین علیه السلام که گفته

جادَ بِالقُرصِ وَالطَّوى مِلأُ جَنبِهِ   وَعافَ الطَّعامَ وَهُوَ سَغُوبُ

فَاَعادَ القُرصَ المُنیرَ عَلَیهِ   القُرصُ وَالمُقرِضُ الکِرامُ کَسُوبُ

نقل است که جناب امیر المؤمنین علیه السلام سقایت نخلی فرمود در
عوض یک من جو پس از برایش دستاس کردند و نان پختند چون خواست
بر آن افطار فرماید سائلی بر در خانه اش آمد آنحضرت نانش را بسائل
داد و شب گرسنه خوابید شاعر گفته که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
بخشش کرد قرص نان خود را در حالی که از گرسنگی پهلوهای نازنینش
پر بود و کراهت داشت از خوردن طعام بملاحظهٔ سائل با آنکه
گرسنه بود پس چون قرص نان بسائل داد در عوض قرص خورشید
برایش با آسمان برگشت و قرض دهنده کریم کسب کننده و نفع بدست
آورنده است جناب عبد العظیم گفت گفتم زیاد تر بفرما یابن رسول
الله فرمود امیر المؤمنین علیه السلام فرموده مَن رَضِیَ بِالعافِیَةِ
مِمَّن دُونَهُ رُزِقَ السَّلامَةَ مِمَّن فَوقَهُ کسیکه راضی و خوشنود شد

بعافیت و سلامت از کسیکه باین ترا زاوا است و این وقت جناب
عبد العظیم گفت گفته بحضرت جواد علیه السلام باست آنچه فرمودی مرا

حدیث سی و ششم عقاید حضرت عبد العظیم

شیخ صدوق وغیره روایت کرده اند از جناب عبد العظیم که گفت
وارد شدم برآقای خودم حضرت امام علی نقی علیه السلام چون
آنحضرت مرا بدید فرمود مرحبا بتو ای ابو القاسم تو ولی ما هستی
از روی حقیقت پس عرض کردم خدمت آنجناب که ای فرزند رسول
خدا من میخواهم که دین خود را بر شما عرضه دارم پس هرگاه مرضی
و پسندیده است بران ثابت بمانم تا خداوند عز و جل را ملاقات
کنم فرمود بیاور ای ابو القاسم یعنی عرض کن دین خود را گفتم
من میگویم که خداوند تبارک و تعالی واحد است و مثلی برای او
نیست و از حد ابطال و حد تشبیه خارج است و جسم و صورت و
عرض و جوهر نیست بلکه پدید آورنده اجسام و صورتها و خلق
کننده عرضها و جوهرها است و پروردگار و مالک هر چیز است
و هر چیز را جعل و احداث کرده و میگویم من که محمد صلی الله علیه و آله

بنده و رسول او و خاتم پیغمبرانست و بعد از وی پیغمبری نخواهد بود
تا روز قیامت و شریعت آنحضرت آخر همه شرایع است و شریعتی نیست
بعد از آن تا روز قیامت و میگویم که امام و خلیفه و ولی امر بعد
از پیغمبر صلی الله علیه و آله امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام
است و بعد از آنحضرت حسن بعد از آن حسین بعد علی بن حسین بعد
محمد بن علی بعد جعفر بن محمد بعد موسی بن جعفر بعد علی بن موسی
بعد محمد بن علی بعد از این بزرگواران تویی ای مولای من پس امام
علی نقی علیه السلام بجناب عبد العظیم فرمود بعد از من حسن
پسر من است پس چگونه باشند مردم در زمان خلف بعد از او گفتم
و چگونه است این ای مولای من فرمود برای آنکه دیده نمیشود او و
حلال نباشد بر زبان آوردن نام او تا آنکه خروج کند پر کند
زمین را از عدل و داد همچنانکه پر شده باشد از جور و ظلم
گفتم اقرار کردم یعنی بامامت حضرت عسکری و خلف آنحضرت علیهما السلام
قائل شدم پس گفتم و میگویم که دوست این بزرگواران دوست خدا است
و دشمن ایشان دشمن خدا است و اطاعت ایشان اطاعت خدا است

ومعصیت ایشان معصیت خداست و میگویم که معراج حق است و
سؤال در قبر حق است و بهشت حق است و دوزخ حق است و صراط
حق است و میزان حق است و آنکه قیامت آمدنی است شکی در آن نیست
و خداوند زنده میکند و انگیخته مینماید کسانی را که در قبرها جا
دارند و میگویم من که فرائض واجب بعد از ولایت یعنی دوستی خدا
و رسول و ائمه علیهم السلام نماز است و زکوة و روزه و حج و جهاد و امر
بمعروف و نهی از منکر پس امام علی نقی علیه السلام فرمود ای ابو القاسم
این است بخدا سوگند دین خدا که پسندیده است آنرا برای بندگانش
ثابت بمان بر همین اعتقاد خداوند ثابت دارد ترا بقول ثابت در حیوة دنیا و آخرت

حدیث سی و هفتم در فضیلت نعمت اختیار عافیت و قناعت

شیخ صدوق از ابو هاشم جعفری روایت کرده که گفت در وقتی فقر
و فاقه بر من شدت کرد خدمت امام علی نقی علیه السلام مشرف شدم
چون در محضر انورش نشستم فرمود ابو هاشم کدام یک از نعمتهای
خدا را که بتو عطا کرده میتوانی اداء شکر آن کنی ابو هاشم گفت
ندانستم چه جواب بگویم پس خود آنحضرت ابتداء کرد و فرمود ایمان را

روزی تو کردم پس حرام کردم بسبب آن بدن تو را بر آتش و روزی دیگر کردم تو را
عافیت تا اعانت کردم تو را بر طاعت و روزی دیگر کردم تو را قناعت پس حفظ
کردم تو را از ریختن آبرویت ای ابو هاشم من ابتدا کردم تو را باین کلام
بجهت آنکه گمان کردم که تو اراده کرده که شکایت کنی نزد من از آنکه
با تو این همه انعام کرده و امر کردم که صد دینار زر سرخ بتو دهند
بگیر آنرا فقیر گوید که از این حدیث شریف استفاده شود که ایمان
از اعظم نعمتهای الهیه است و چنین است زیرا که قبول شدن تمام
اعمال منوط بآنست و بعد از آن نعمت عافیت است و در خبر است که خدمت
حضرت رسول صلی الله علیه و آله عرض شد که اگر من درک کردم شب
قدر را چه از خداوند بخواهم فرمود عافیت را و بعد از عافیت نعمت
قناعت است روایت شده در ذیل آیه شریفه مَن عَمِلَ صالِحاً مِن
ذَکَرٍ اَو اُنثی وَهُوَ مُؤمِنٌ فَلَنُحیِیَنَّهُ حَیوةً طَیِّبَةً که ظاهر معنی
آن این است که هر که بکند عمل صالحی یعنی کردار شایسته از مرد یا
زن و او مؤمن باشد چه عمل بدون ایمان استحقاق جزا ندارد پس البته
او را زندگانی دهیم در دنیا زندگانی خوش سؤال شد از معصوم که

این حیوة طیبه که زندگانی خوش باشد چیست فرمود قناعت است
و از حضرت صادق علیه السلام روایت است که فرمود هیچ مالی نافع
تر نیست از قناعت بچیز کمی نقل شده که بحکیمی گفتند که دیگر چیز را
که از طلا بهتر باشد گفت یکی قناعت و بهمین ملاحظه است کلام
بعض حکماء که گفته اِسْتِغْنَاؤُكَ عَنِ الشَّيْءِ خَيْرٌ مِنِ اسْتِغْنَائِكَ بِهِ
گویند که دیوجانس کلبی که یکی از اساطین حکماء یونان بود مردی
متقشف و زاهد بوده و چیزی اندوخته نکرده بود و منزلی برای
خود درست ننموده بود وقتی اسکندر او را بمجلس خود دعوت کرد آنحکیم
با رسول اسکندر فرمود که بگو با سکندر آن چیزیکه ترا منع کرده از
آمدن نزد من همانچیز مرا باز داشته از آمدن نزد تو آنچه ترا باز داشته
سلطنت تو است و آنچه مرا منع کرده قناعت من است وَلَقَدْ جَادَ مَنْ قَالَ

وَجَدْتُ الْقَنَاعَةَ اَصْلَ الْغِنَى	وَصِرْتُ بِاَذْيَالِهَا مُمْتَسِكْ
فَلَا ذَا يَرَانِي عَلَى بَابِهِ	وَلَا ذَا يَرَانِي بِهِ مُنْهَمِكْ
وَعِشْتُ غَنِيًّا بِلَا دِرْهَمٍ	اَمُرُّ عَلَى النَّاسِ شِبْهَ الْمَلِكْ

و مولانا علی بن موسی الرضا علیه السلام

لبست بالعفة ثوب الغنى	وصرت امشى شامخ الراس
لست الى الناس مستانسا	لكننى انس بالناس
اذا رأيت التيه من ذى الغنى	تهت على التائه باليأس
ما ان تفاخرت على معدم	ولا تضعضعت لافلاس

الحدیث بیست و ششم در مذمت فحش و بدزبانی

شیخ کلینی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود از
علامات شرک شیطان که شکی نیست در آن آنکه شخص فحاش باشد
باک نداشته باشد از آنچه خواهد بگوید و آنچه با او گفته شود فقیر
گوید که روایات در مذمت فحاش بسیار است بلکه در بعضی از آنها
است که خداوند حرام فرموده بهشت را بر هر فحاش بی شرم کم حیا که باک
نداشته باشد از هرچه خواهد بگوید و هرچه با او بگویند پس اگر
تفتیش او کنی نخواهی یافت مگر فرزند زنا یا شرک شیطان و در
حدیث است که خداوند دشمن دارد فحش دهنده بی شرم را و آنکه
فحش هرگاه ممثل شود مثال بدی خواهد داشت و فحش بر برادر مسلمان
سبب شود که حق تعالی از او ببرد برکت در روزیش را و واگذارد

کند او را بخودش و فاسد کند بر او معیشتش را **و روایت** شده که از یاران حضرت صادق علیه السلام دوستی بود که از آنحضرت مفارقت نمیکرد و جدا نمیگشت تا آنکه روزی آنمرد بغلام خود گفت یا بن الفاعله کجا بودی حضرت چون اینکلمه را شنید بلند کرد دست خود را و زد بر جبین خویش و فرمود سبحان الله قذف میکنی مادر او را من همچو میدیدم ترا که صاحب ورع میباشی الحال می بینم که ورع نداری عرض کرد فدایت شوم مادرش سندیه مشرکه است فرمود ندانستی که هر امتی نکاحی دارند دور شو از من راوی گوید که دیگر ندیدم او را که با آنحضرت باشد تا آنکه موت ما بر ایشان جدائی افکند

حدیث سی و نهم در صلوات بر پیغمبر است

شیخ کلینی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود هر گاه ذکر پیغمبر صلی الله علیه و آله شود بسیار بفرستید صلوات بر آن حضرت پس بدرستیکه هر که صلوات فرستد بر پیغمبر صلی الله علیه و آله یک مرتبه صلوات بفرستد حق تعالی بر او هزار صلوات در هزار صف از ملئکه و باقی نماند از مخلوقات الهی چیزی مگر آنکه صلوات

فرستند بر آن بنده و عجب صلوات خدا و ملائکه اش پس کسی که رغبت
نکند در این پس و جاهلی است مغرور که بیزار است از او خدا و رسول
و اهل بیتش فقیر گوید که شیخ صدوق در معانی الاخبار روایت کرده
از حضرت صادق علیه السلام در معنی إِنَّ اللّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ
عَلَى النَّبِيِّ الآية که آنحضرت فرمود صلوات از خدا عز و جل رحمت
است و از ملائکه تزکیه است و از مردم دعا است و در همان روایت است
که راوی گفت ما چگونه صلوات بفرستیم بر محمد و آل محمد علیهم السلام
فرمود میگوئید صَلَوَاتُ اللّهِ وَصَلَوَاتُ مَلَائِكَتِهِ وَأَنْبِيَائِهِ وَرُسُلِهِ
وَجَمِيعِ خَلْقِهِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ وَرَحْمَةُ اللّهِ
وَبَرَكَاتُهُ راوی گفت گفتم چه ثواب است برای کسی که این صلوات را بر پیغمبر
بفرستد فرمود ثوابش بیرون آمدن از گناهانش است مثل روزیکه از مادر متولد شده

حدیث چهلم در ذکر مشایخ که در سند حدیث اند

روایت میکنم از شیخ جلیل فقیه ثقة الاسلام حاج میرزا محمد حسین
نوری نور الله مرقده از شیخ اجل علامه حاج شیخ مرتضی انصاری
قدس الله روحه از محقق جلیل حاج ملا احمد نراقی رحمه الله تعالی

طباطبائی بحر العلوم ره از استاد اکبر محقق بهبهانی ره از والد ماجدش مولانا محمد اکمل ره از مروج مذهب علامه مجلسی عطر الله مرقده در بخارا از سید اجل امیر سید حسین مفتی که گفت حدیث کرد مرا شیخ علامه قطب المحققین شیخ بهاء الملة والدین در شب جمعه هفتم جمادی الاخره سنه ۱۰۳ هزار و سه در غربی بغداد در مقابل ضریح مقدس امامین معصومین حضرت موسی بن جعفر و ابو جعفر جواد علیهما السلام گفت حدیث کرد مرا والدم و استادم شیخ حسین بن عبد الصمد حارثی قدس سره دوم ماه رجب سال نهصد و هفتاد و یک ۹۷۱ در خانه خودمان در مشهد مقدس رضوی علی مشرفها الصلوة گفت حدیث کرد مرا (در سند این خبر طرق بسیار نقل کرده ما بهمین طریق اکتفا کردیم بجهة اختصار) شیخان امامان سید حسن بن جعفر و شیخ زین الدین شهید ثانی از افضل فضلاء عصر خود شیخ عبد العالی میسی از شیخ امام محقق مدقق شمس الملة محمد بن محمد بن مؤذن پسر عموی شیخ شهید از عالم جلیل ضیاء الملة والحق والدین شیخ علی نجل شمس الدین خاتم المجتهدین شیخ محمد بن مکی شهید از والد ماجدش از جماعتی از اکابر علماء مانند

فخر المحققین و سید عمید الدین و ابن معیه و سید احمد بن زهره
و سید مهنا مدنی و قطب الدین رازی و غیر ایشان رضوان
الله علیهم اجمعین از آیة الله فی العالمین جمال الملة و الحق و
الدین بن علامه حلی از سلطان الحکماء المحققین خواجه نصیر
الدین محمد بن محمد بن حسن الطوسی از والد ماجدش
از سید فضل الله راوندی از سید مجتبی بن الداعی از شیخ
طایفه امامیه ابو جعفر طوسی از شیخ شیعه و رئیس دین
ابو عبد الله مفید از رئیس المحدثین شیخ محمد بن بابویه
قمی از شیخ خود محمد بن الحسن بن الولید از محمد بن الحسن
الصفار و سعد بن عبد الله اشعری از احمد بن محمد بن عیسی
از حسن بن علی بن یقطین از برادرش حسین از پدرش[۱] علی بن یقطین
که گفت وقتی هرون رشید طلب کرد مردی را که باطل کند
سبب امر ابو الحسن موسی بن جعفر علیه السلام را و خجالت
دهد آنحضرت را در مجلس پس اجابت کرد او را جهت این کار مردی

---

[۱] رجال این حدیث تمامی ثقات و شیوخ طایفه اند منه مد ظله

افسونگر پس چون خوان طعام حاضر شد ابزد حیله کرد در نان
پس چنان شد که هرچه قصد کرد انحضرت که نان بردارد نان از نزد
انحضرت پرید هرون از اینکار چندان خرم و خندان شد که خود
داری نتوانست بکند و بحرکت در امد پس حضرت مکثی نکرد
که سر بلند کرد بصورت شیری که در بعضی از صحنهای منزل بود
فرمود ای شیر بگیر دشمن خدا را پس برجست ان صورت بشکل بزرگترین
شیران و پاره کرد ان افسونگر را هرون و ندیمانش از دیدن
این امر عظیم غش کرده برو در افتادند و عقلهایشان پرید
از هول انچه مشاهده کردند و چون بهوش امدند بعد از زمانی
هرون بحضرت امام موسی علیه السلام عرض کرد که در خواست
میکنم از تو بحق من بر تو که بخواهی از صورت که برگرداند این مرد را
فرمود اگر عصای حضرت موسی برگرداند انچه را که بلعید
از ریسمانها و عصاهای ساحران این صورت نیز هر میگرداند
این مرد را که بلعید **انکاه** اقا سید حسین گفته که شیخ بهائی
ادام الله ایامه انشاد کرد برای من سه بیتی که در مدح حضرت

امام موسی و امام محمد جواد علیهما السلام گفته بود وان سه بیت این است که بجهت تبرک و تیمن نقل میکنم

فَاِنَّهَا اَحسَنُ ما قیلَ فی مَدحِهِما ﴿ اَلا یا قاصِداً لزَّوراءِ عَرِّج[1] ﴿ عَلَی الغَربِیِّ مِن تِلکَ المَغانی[2] ﴿ وَنَعلَیکَ اَخلَعَن وَاسجُد خُضُوعاً ﴿ اِذَا لاحَت لَدَیکَ القُبَّتانِ ﴿ فَتَحتَهُما لَعَمرُکَ نارُ مُوسی ﴿ وَنُورُ مُحَمَّدٍ مُتَقابِلانِ

١ تعریج خوابیدن ومیل کردن و توقف نمودن منه ره

٢ مغنی یعنی جای و منزل و مغانی جمع آن است منه ره

دعا برای دفع پریشانی و بیماری

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله وسلام علی عباده الذین اصطفی ذکر چند دعای معتبر مختصر و دو نمازی برای گشایش کارها و ادای دیون و توسعهٔ معاش که این احقر عباس قمی انتخاب نموده‌ام و عدد آنها دوازده است **اوّل برای دفع پریشانی و بیماری** کفعمی از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت کرده است که مردی با نحضرت شکایت کرد بیماری و تنگدستی را فرمود بعد از هر نماز فریضه بگو توکلت علی الحیّ الّذی لا یموت والحمد لله الّذی لم یتّخذ صاحبة ولا ولدا ولم یکن له شریک فی الملک ولم یکن له ولیّ من الذّل وکبّره تکبیرا و بروایتی بگو فرمود که هیچ شدتی مرا رو نداد مگر انکه جبرئیل برای من متمثل شد و گفت که این دعا بخوان و در احادیث معتبره وارد شده است که برای وساوس سینه و قرض و پریشانی و بیماری مکرر این دعا را باید خواند و در بعضی روایات در اولش لا حول ولا قوّة الّا بالله هست

دوّم حضرت شیخ ثقة الاسلام نوری از ثقات روایت به جناب حاج ملا باقر
سلطان آبادی رضوان الله علیهما نقل کرده که جناب آخوند ملا محمد
صادق عراقی در غایت سختی و پریشانی بود و مدتی بدین حال بود و فرجی برای
او گشایش نمیشد تا آنکه شبی در خواب خدمت امام عصر عجل الله فرجه
رسید و سختی حال خود را با آنحضرت عرض کرد و از آن بزرگوار دعائی برای
گشایش کار خود و وسعت روزی خواست آنحضرت او را حواله فرمودند به سید
سند او صبح رفت خدمت جناب آقا سید محمد سلطان آبادی جناب سید
دستور العمل یاد داد که بعد از اندک زمانی دنیا از هر طرف باو رو آورد
و از سختی و بدحالی بیرون آمد و آن دستور العمل سه چیز است اول آنکه در
سحر دست بر سینه گذارد و هفتاد مرتبه یا فتّاح بگوید دوّم مواظبت
کند بخواندن لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ تَوَکَّلْتُ عَلَی الْحَیِّ الَّذِی لَا یَمُوتُ
وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی لَمْ یَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ یَکُنْ لَهُ شَرِیکٌ فِی الْمُلْکِ وَلَمْ
یَکُنْ لَهُ وَلِیٌّ مِنَ الذُّلِّ وَکَبِّرْهُ تَکْبِیرًا سوّم در عقب نمازهای صبح بخواند
بِسْمِ اللهِ وَصَلَّی اللهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاُفَوِّضُ اَمْرِی اِلَی اللهِ اِنَّ اللهَ بَصِیرٌ
بِالْعِبَادِ فَوَقَیهُ اللهُ سَیِّئَاتِ مَا مَکَرُوا لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَکَ

إني كنت من الظالمين فاستجبنا له ونجيناه من الغم وكذلك
ننجي المؤمنين حسبنا الله ونعم الوكيل فانقلبوا بنعمة من الله و
فضل لم يمسسهم سوء ما شاء الله لا حول ولا قوة إلا بالله ما شاء
الله لا ما شاء الناس ما شاء الله وإن كره الناس حسبي الرب من
المربوبين حسبي الخالق من المخلوقين حسبي الرازق من المرزوقين
حسبي الله رب العالمين حسبي من هو حسبي حسبي من لم يزل
حسبي حسبي من كان مذ كنت حسبي حسبي الله لا إله إلا هو عليه
توكلت وهو رب العرش العظيم سوم دعائی برای باز شدن ابواب
فرج شیخ بن فهد و دیگران روایت کرده اند که مردی خدمت حضرت
امام موسی کاظم علیه السلام شکایت کرد که کارم بر من بسته شده است و
هر کاری که متوجه میشوم سوی نمی یابم و هر حاجت که رو مینمایم برآورده
نمیشود حضرت فرمود که بعد از نماز صبح ده مرتبه بگو سبحان الله العظیم وبحمده
استغفر الله واسئله من فضله راوی گفت کما اندک زمانی که بر این
مداومت کردم جمعی از بادیه آمدند و مرا خبر دادند که مردی از قوم تو مرده
بغیر از تو وارثی ندارد پس مال بسیاری بدست من آمد و فعلا حال بی نیازم

و در کافی و مکارم روایت کرده که مردی با حضرت عرض کرد که دعائی
مرا تعلیم کن که جامع باشد برای دنیا و آخرت و آسان باشد حضرت
این دعا را تعلیم او کرد که بعد از نماز صبح بخواند تا آفتاب طلوع
کند او مداومت کرد بر آن و حالش نیکو شد **چهارم** شیخ کلینی از
حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که هر که بعد از نماز صبح و مغرب
هفت مرتبه بگوید بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا
بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیْمِ حق تعالی دفع کند از او هفتاد نوع از انواع بلا
که آسان تر آنها باد و پیسی و دیوانگی باشد و اگر شقی باشد محو شود
از اشقیاء و نوشته شود در زمرهٔ سعداء **پنجم دعای محزون**
از حضرت صادق علیه السلام مرویست که ترک مکن این دعا را سه مرتبه
در وقت صبح سه مرتبه در وقت شام اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِیْ فِیْ دِرْعِكَ الْحَصِیْنَةِ
الَّتِیْ تَجْعَلُ فِیْهَا مَنْ تُرِیْدُ **ششم دعا جهة طلب روزی** در
سجدهٔ نماز فریضه بگو یَا خَیْرَ الْمَسْئُوْلِیْنَ وَیَا خَیْرَ الْمُعْطِیْنَ اُرْزُقْنِیْ
وَارْزُقْ عِیَالِیْ مِنْ فَضْلِكَ فَاِنَّكَ ذُوالْفَضْلِ الْعَظِیْمِ **هفتم**
جهة گشایش کار و برطرف شدن سختی از حضرت امام محمد تقی علیه السلام

مرویست که مواظبت کند بخواندن این کلمات یا من یکفی من کل
شیء ولا یکفی منه شیء اکفنی ما اهمنی هشتم جهت زیاد
شدن حافظه بخواند عقیب هر نماز این دعا را سبحان من لا
یعتدی على اهل مملکته سبحان من لا یاخذ اهل الارض بالوان
العذاب سبحان الرؤف الرحیم اللهم اجعل لی فی قلبی نوراً
وبصراً وفهماً وعلماً انک على کل شیء قدیر نهم برای
کامل شدن ایمان و ثابت ماندن آن که تا وقتی که بمیرد زائل نشود
بخواند بعد هر نماز واجب رضیت بالله ربا ومحمد صلى الله
علیه وآله نبیا وبالاسلام دینا وبالقرآن کتابا وبالکعبة
قبلة وبعلی ولیا واماما وبالحسن والحسین وعلی بن الحسین
ومحمد بن علی وجعفر بن محمد وموسى بن جعفر وعلی بن موسى
ومحمد بن علی وعلی بن محمد والحسن بن علی والحجة بن الحسن
صلوات الله علیهم ائمة اللهم انی رضیت بهم ائمة
فارضنی لهم انک على کل شیء قدیر دهم از حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام مرویست که صلوات بر محمد و آل محمد د

ما بین ظهر و عصر معادل هفتاد رکعت است کسیکه بگوید بعد از عصر روز جمعه اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْاَوْصِیاءِ الْمَرْضِیّینَ بِاَفْضَلِ صَلَواتِکَ وَبارِکْ عَلَیْهِمْ بِاَفْضَلِ بَرَکاتِکَ وَالسَّلامُ عَلَیْهِمْ وَعَلیٰ اَرْواحِهِمْ وَاَجْسادِهِمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَکاتُهُ خواهد بود برای او ثواب عمل جن و انس در آن روز **یازدهم** منقول است بسندهای معتبره از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده اند که هر که صد مرتبه ... کرده مرتبه پیش از طلوع آفتاب و ده مرتبه پیش از غروب آفتاب بخواند لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَریکَ لَهُ لَهُ الْمُلْکُ وَلَهُ الْحَمْدُ یُحْیی وَیُمیتُ وَیُمیتُ وَیُحْیی وَهُوَ حَیٌّ لا یَمُوتُ بِیَدِهِ الْخَیْرُ وَهُوَ عَلیٰ کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ و در بعضی از روایات است که اگر ترک شد قضا کنید که لازم است **دوازدهم** برای رفع فقر و توانگری نقل شده که روزی صد مرتبه بگویند لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ الْمَلِکُ الْحَقُّ الْمُبینُ و سی مرتبه هم روایت شده و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که استغفار کند بعد از نماز عصر بیامرزد حق تعالی از او هفتصد گناه و از حضرت امام

محمد تقی علیه السلام منقول است که هر که بخواند سوره انا انزلنا
را بعد از عصر ده مرتبه بگذرد بعمل او در روز قیامت مثل عملهای
خلایق در این روز و روایت شده اذکر یا ذا الجلال و الاکرام را
بسیار بگوید **نماز حاجت از جهت قضای قرض و عسرت** از حضرت
صادق علیه السلام منقول است که چون شوار شود بر تو کاری دو
رکعت نماز بگذار بعد از زوال بخوان در رکعت اول حمد و قل هو الله
و انا فتحنا لک فتحا مبینا و ینصرک الله نصرا عزیزا و در رکعت
دوم حمد و قل هو الله و الم نشرح و این نماز بتجربه رسیده است
بجهت توانگری و ادای قرض دو رکعت نماز گذارد بخواند
در هر رکعت فاتحه و یازده مرتبه سوره لایلاف قریش و بعد از
سلام ده مرتبه صلوات بفرستد پس بسجده رود و ده مرتبه بگوید
اللهم اغننی بفضلک عن خلقک **مؤلف** گوید که بجهت قضا
دین بسیار استغفار کردن و سوره قدر خواندن و مواظبت بخواندن
اللهم اغننی بحلالک عن حرامک و بفضلک عمن سواک خیلی نافع است
ان شاء الله

بسمه تعالی شأنه العزیز

کتاب هدایة الأنام إلی وقایع الأیام

بدانکه بجهت اختصار در وفیات و ولادات و غیره رابطه اش
ذکر نشد پس هر کجا گفته شد وفات فلان یعنی وفات کرد فلان
و ولادت فلان یعنی ولادت فلان واقع شده و همچنین غزوه
فلان و هر کجا ذکر شده در سنه فلان یعنی در این روز در سنه فلان
هکذا چنانچه بر ناظر در آن معلوم میشود و حرف ش علامت
شب است و حرف ر علامت روز و عدد هندسه در بین اینها عدد
ایام آن ماه است و عدد هندسه که بر روی تاء وفات و تاء
ولادت و نحو آن نهاده شده عدد سنین هجری است چنانچه معلوم است

شروع در استنساخ نمودم در لیله نهم ذیقعدة
الحرام که شب بسیار مبارکی است اللهم وفقنا لاتمامه
هذه النسخة الشریفة بمحمد و آله الأطهار

هداية الانام الى وقايع الايام

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلوة على محمد وآله الطاهرين وبعد مستور نماند که چون این مجرم کثیر الآثام عباس بن محمد رضا القمی عفی الله عن جرائمهما بعنایات الهی کتاب وقایع الایام را تألیف کردم وبنظر دوستان رسانیدم یکی از اخلاء اظهار داشت که اگر این کتاب را فهرستی بود که مردم را دلالت بر مطالب آن می‌نمود فائده اش اتم ونفعش اعم بود لهذا حقیر ملخص ولباب آن کتاب را جمع نمودم وچنان نمودم که بالاستقلال رساله نافعه باشد وهم بمنزله فهرستی برای

آن کتاب شریف باشد و نامیدم آنرا به **هدایة الانام** الی وقایع الایام و اسئل الله التوفیق للاتمام بمحمد و عترته علیهم السلام **مقدمه** بدانکه در هر ماهی در وقت دیدن هلال آن سزاوار است خواندن دعاهای هلال و انبیا را است و بهترین دعای ۴۳ صحیفهٔ کامله است و اقل از همه آنستکه سه مرتبه الله اکبر و سه مرتبه لا اله الا الله بگوید پس بگوید الحمد لله الذی اذهب شهر کذا و جاء شهر کذا و اگر خواهد در تمام ماه از درد چشم ایمن باشد در آنوقت هفت مرتبه بخواند و در اول هر ماه نوانکه

پنیر خوردن نماز شب اول ماه و روز اول ماه نیکو است

در شب اول هر ماه دو رکعت نماز کند و بخواند در هر رکعت سورهٔ حمد و انعام و از خدا بخواهد که او را از هر ترسی و دردی ایمن گرداند و در روز اول هر ماه دو رکعت نماز کند و در رکعت اول بعد از حمد سی مرتبه توحید و در دوم بعد از حمد سی مرتبه انا انزلناه بخواند و بعد از نماز تصدق کند بآنچه ممکنش باشد

تا سلامتی اینماه را برای خود بخرد واگر وقتش تنگ است یا در طریق سفر یا در حال مرض است بروایت دیگر این نماز عمل کند که در آن توحید و انا انزلناه یکمرتبه ذکر شده و مستحب است روزه ایام ابیض هرماه و دو پنجشنبه اول واخر هرماه و چهار شنبه وسط ماه که روزه این سه روز از سنن مؤکده است وحضرت رسول صلی الله علیه و آله بران مواظبت داشت تا وفات فرمود و مواظبت بر آن وسوسه سینه را میبرد و مقابل روزه دهر است

ماه رمضان المبارک

بدانکه اینماه بهترین ماه ها است نزد خدا تعالی و اعمال البته در شب و روزان وارد است و هزار رکعت نماز در مجموع اینماه و دعاهای بسیار در شب و روز و سحران رسیده است و مستحب است سحور خوردن در آن وخواندن انا انزلناه در وقت افطار و سحر و شایسته است که در اینماه مبارک اخلاق خود را خوب کند و تصدق بسیار کند و افطار دهد روزه داران را و قران بسیار بخواند هما نا یک ایه از قران ثواب یک ختم در ماه های دیگر دارد و شب اول

استهلال کند و دعای صحیفه بخواند و غسل نماید و اگر بتواند در آب جاری غسل کند و سی کف آب بر سر بریزد و زیارت قبر حسین علیه السّلام نماید و شروع کند بخواندن دعاها و نمازهای وارده که از جمله بیست رکعت از هزار رکعت است و مستحب است بجامعت با حلال خود نماید **روز اوّل** غسل کند در آب جاری و سی کف آب بر سر بریزد و کفی از گلاب بردارد و قدری بر سر بریزد و دو رکعت نماز که در رکعت اوّل بعد از حمد و انّا فتحنا باشد بخواند و دعای وارده برای دخول ماه رمضان را باد عای دیگر روز اوّل بخواند و در این روز بقولی وفات حضرت خدیجه بوده و در سنه ۴۲۸ وفات شیخ الرئیس در همدان **روز سوم** نزول انجیل بر عیسی علیه السّلام و وفات حضرت فاطمه علیها السلام بروایت عاصمی و در سنه ۴۱۳ وفات شیخ اجلّ اعظم و استاد من تأخّر و تقدّم شیخنا المفید الّذی عبّر عنه فی التّوقیع الشّریف بالأخ السّدید و الولیّ الرّشید والنّاصر للحقّ والدّاعی الیه بکلمة الصّدق و ملهم الحقّ و دلیله و فیه غنی عن التعرّض لمدحه فانّ مدح الامام امام کلّ مدح و

ومن تصدی للقول بعده فقد تعرض للقاح قبر شریفش در
بقعهٔ شریفهٔ کاظمیه در طرف پایین پای حضرت جواد علیه‌السلام
در جنب قبر شیخ خود ابن قولویه قمی است گویند که در تشییع جنازه
و بغیر از عامه هشتاد هزار شیعه جمع شده بود **روز چهارم**
وفات (۵۳) زیاد بن ابیه و او همانست که معاویه او را بشهادت
ابو مریم سلولی خمار استلحاق نمود و او را والی عراقین کرد
و زیاد بحکم خباثت فطرت و زنازادگی از بزرگ دشمنان علی ع
گشت و سبّ آنجناب را در عراق تشیید کرد و شیعیان آنحضرت را
در کوفه و بصره بسیار بقتل رسانید و برخی را دست و پا برید و
بعضی را میل در چشمشان کشید ابن ابی الحدید گفته که زیاد خواست
عرض کند بر اهل کوفه برائت از علی علیه‌السلام را و لعن او را
العیاذ بالله هر که قبول نکند او را بکشد و خانه‌اش را الخراب
نماید که خداوند او را مهلت نداد بطاعون مبتلا و بجهنم
واصل شد و ابن اثیر گفته که زیاد برای معاویه نوشت که من
ضبط کردم امور عراق را بدست چپ خود و دست راستم فارغ است

تا دِ حجاز را با و وا گذارد معاویه عهد حجاز را برای او نوشت اهل حجاز چون این بشنیدند جمع شده بروی نفرین نمودند انسون برانگشت راستش زد و هلاکش کرد و بالجمله قبر پلیدش در کوفه در ثَوِیّه[1] است در همانجا که قبر مغیرة بن شعبه و ابو موسی اشعری واحنف و کمیل واقع است **روز ششم** سنه ۲۰۱ بیعت مردم با حضرت رضا علیه السلام بولایت عهد مامون و متبرّک است صدقه و احسان بر مساکین و دو رکعت نماز شکر الله در هر رکعت حمد و بیست و پنج مرتبه توحید و در این روز وفات سری سقطی ۲۵۳ و سال ۴۶۳ در دیلم **روز دهم** وفات جناب خدیجه و من مختصراً از حال زوجات رسول خدا صلی الله علیه و آله را در وقایع الایام نگاشتم و در این روز رسولان از اهل کوفه نامه‌های کوفیان را برای امام حسین علیه السلام بمکه آوردند **روز دوازدهم** انجیل نازل شده و حضرت رسول صلی الله علیه و آله عقد اخوت

1. ثویّه بالفتح و کسر یاء مشدده و یقال بلفظ التصغیر در زمان ما موضعی است در خارج نجف اشرف نزدیک بمسجد حنانه که زندان نعمان بن المنذر در آنجا بوده و در آنجا قبور جمعی از صحابه می‌باشد منه

بث ما بین اصحاب خود و امیر المؤمنین علیه السلام را برادر خود گردانیدند

و در سنه ۵۹۷ وفات ابو الفرج بن الجوزی و او راس اذکیاء است و

از کلام او است افضلهم بعده من کانت بنته فی بیته و قضیه او

در تفوه او بکلمه سلونی قبل ان تفقدونی معروف است **شب سیزدهم**

اول لیالی بیض است غسل و نمازهائی در آن وارد است از جمله نمازیست

که در شب سیزدهم رجب خواهد آمد **روز سیزدهم** وفات ۹۵

حجاج ثقفی و او همان خبیث است که گفته اند اگر هر امتی خبیث خود را

بیرون آورد و ما بمقابل ایشان حجاج را در آوریم بر تمامی غلبه

کنیم و آن ملعون از خواص و شیعیان امیر المؤمنین علیه السلام را

بسیار بکشت که از جمله کمیل و قنبر و عبد الرحمن بن ابی لیلی

و یحیی بن ام الطویل بوده و آخر کسی را که کشت سعید بن جبیر است و

عدد مقتولین او بغیر آنچه که در حروب کشته صد و بیست هزار گفته

اند **روز چهاردهم** مقتل مختار بن ابی عبیده ثقفی ۶۷ و روایات

در باب او مختلف است اکثر بر این است در حق او که دلها را شفا داد به

کشتن قاتلان امام حسین علیه السلام و شرح بر قضیه اخذ شود

از کتاب شرح لغشار شیخ ابن نما **شب پانزدهم** از لیالی متبرکه است غسل و زیارت امام حسین علیه السلام و نمازهای بسیار در آن وارد است **روز پانزدهم** سنه ۲ ولادت امام حسن علیه السلام و در سنه ۶۰ حرکت مسلم بن عقیل از مکه بکوفه و در سنه ۳۸۳ وفات ابوبکر خوارزمی در نیشابور بود و او از جمله ادباء و فضلاء و مورخین عظام است و صاحب رسائلی است که در مصر و اسلامبول طبع شده که از جمله آن رقعه ایست که با هل نیشابور نوشته و فهرست مظالم بنی تیمیه و عدویه و امویه و عباسیه قرار داده و آن رقعه را بعینها محقق ادیب خاتم و قیمة الفضل جناب حاجی میرزا ابو الفضل در اواخر شفاء الصدور ایراد فرموده **شب هفدهم** وفات حمیرا ۵۸ عایشه در کامل بهائی کیفیتی در وفات او نقل کرده از واقعه قتل او در چاه اهلاك بتدبیر معاویه بجهت انکار او بر معاویه در اخذ بیعت او برای یزید و غسل آن شب مستحب است **روز هفدهم** سنه ۲ واقعه بدر اتفاق افتاد و ابوجهل ملعون با بسیاری از مشرکین قریش بقتل رسیدند و در این روز وفات ۱۲۲ ه و بقولی وفات ۲۳

خطب شیرازی نیز شب نوزدهم اول شبهای قدر است اعمال کند و دو رکعت نماز بخواند و بعد از سلام هفتاد مرتبه بگوید أَسْتَغْفِرُ اللهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ و قرآن سر گرفتن و احیاء داشتن و صد رکعت نماز و دعای جوشن و دعاهای دیگر را فراموش ننماید و در خصوص امشب صد مرتبه أَسْتَغْفِرُ اللهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ و صد مرتبه اَللّٰهُمَّ الْعَنْ قَتَلَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ و دعای یا ذَا الَّذِی کَانَ و دعای اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ فِيمَا تَقْضِي نوار داشت و در صبح این شب ابن ملجم ملعون امیر المؤمنین را ضربت زد و محاسن شریفش را بخون سرش خضاب کرد روز بیستم سنه ۸ فتح مکه واقع شد و حضرت رسول صلی الله علیه و آله بر اهل مکه منت نهاد و ایشانرا عفو کرد و فرمود إِذْهَبُوا أَنْتُمُ الطُّلَقَاءُ و بلال را امر کرد که بر بام کعبه اذان گفت و امیر المؤمنین علیه السلام پا بر دوش آنحضرت نهاد و بر بام کعبه صعود داد برای شکستن بتان ابن ابی الحدید در قصیده فتح مکه اشاره بهمین مطلب نموده در آنجا که گفته است

فیا رتبة لو شئت أن تلمس السها ✿ بها لم یکن ما رمته متعذرا
ویا قدمة ای قدس وطئتها ✿ وای مقام قمت فیه انورا

و در اینروز وفات ۵۴۲ ابن الشجری و یاقوت ۶۲۶ حموی **شب بیست و یکم** دوم شب قدر و افضل از شب سابق است و غسل و احیاء و زیارت و نماز هفت قل هو الله و قرآن سر گرفتن و صد رکعت نماز و دعای جوشن و غیرها فراموش نشود و از این شب فی یاد میشود در آن بیست رکعت نماز هر شب ده رکعت شروع میشود نیز دعای شبهای دهه اخر و در هر شب این دهه غسل وارد است و اعتکاف در آن فضیلت بسیار دارد و در این شب واقع شده معراج رسول خدا صلی الله علیه و آله و رفع عیسی ع باسمان و وفات یوشع و شهادت امیرالمؤمنین علیه السلم و باید جهد کرد که نفرین بر ظالمان آل محمد صلوات الله علیهم اجمعین و لعن بر قاتل امیرالمؤمنین ع **روز بیست و دوم** وفات ۲۷۳ ابن ماجه قزوینی و مرحوم ۱۲۸۶ شیخ العراقین جناب آقا شیخ عبدالحسین طهرانی ره **شب بیست و سوم** شب قدر است باید قدر آنرا بدانند و بعلاوه اعمال شب

که گذشت بخوانند سورهٔ عنکبوت و روم و حم دخان و اگر
بتوانند بخوانند هزار مرتبه انا انزلناه و دعاها و اعمال
بسیار در این شب وارد است و باید دعا کرد برای وجود امام
زمان عجل الله فرجه و بسیار تکرار کند در این شب در هر
حالی که باشد و در سایر اوقات نیز این دعا را اَللّهُمَّ کُنْ
لِوَلِیِّکَ حُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ صَلَواتُکَ عَلَیْهِ وَعَلی آبائِهِ فی هذِهِ
السّاعَةِ وَفی کُلِّ ساعَةٍ مِنْ ساعاتِ اللَّیْلِ وَالنَّهارِ وَلِیّاً وَ
حافِظاً وَقائِداً وَناصِراً وَدَلیلاً وَعَیْناً حَتّی تُسْکِنَهُ اَرْضَکَ
طَوْعاً وَتُمَتِّعَهُ فیها طَویلاً **روز بیست و چهارم** وفات
ابن الطرید خیط باطل وزغ بن وزغ و ملعون بن ملعون مروان
الحکم و او از اشد مردم بود در عداوت خدا و رسول خدا و اهل
بیت علیهم السلام خصوص امیرالمؤمنین علیه السلام و مدتی
حکومت مدینه با وی بود و هر روز جمعه آن بوزینه بر منبر رسول
صلی الله علیه و آله بالامیرفت و در محضر مهاجر و انصار
سبّ امیرالمؤمنین علیه السلام مینمود و مادرش زرقا نام زدوت

لاعلام وبدرش حکم غمونی عثمان وطرید رسول است و دراین روز وفات ۳۵۴ متنبی شاعر وقطب شیرازی ۷۱۰ **روز بیست و پنجم** ۶۹۳

وفات ۵۱۹ ابو الفضل میدانی صاحب مجمع الامثال واحمد بن خلیل خربی وشیخ فقیه ۱۱۳۷ اعجوبه دهر فاضل هندی صاحب کشف اللثام وغیره **روز بیست و ششم** وفات ۱۲۰۵ محقق فقیه فاضل جمال الدین بن محقق خوانساری ره **روز بیست و هفتم**

وفات مروج مذهب جعفری علامه مجلسی تاریخ ولادتش جامع کتاب بحار الانوار وتاریخ وفاتش ۱۱۱۱ غم وحزن

ونظماً قول شاعر ولله دره **شعر**

ماه رمضان چه بیست وهفتش کم شد	تاریخ وفات باقر اعلم شد

روز بیست و نهم ولادت ۸۴۸ علامه جلی رحمه الله

شب سی ام شب مبارکیست وغسل وزیارت امام حسین علیه السلام وخواندن سورهٔ انعام وکهف ویس وصد مرتبه استغفر الله واتوب الیه ووداع ماه رمضان وارد داست **روز سی ام**

وفات ۶۲۲ ناصر بالله خلیفهٔ سی وچهارم عباسی وسلطان الجایتو

شوال المکرم

شب اول از جمله لیالی شریفه است و کمتر از شب قدر نیست و احیاء و عبادت در آن فضیلت دارد و مستحب است در این شب غسل و خواندن اَللهُ اَکبَر اَللهُ اَکبَر لا اِلهَ اِلَّا اللهُ وَ اللهُ اَکبَر اَللهُ اَکبَر وَلِلّهِ الحَمدُ عَلی ما هَدینا وَلَهُ الشُّکرُ عَلی ما اَولینا در عقب نماز مغرب و عشاء و مستحب است زیارت امام حسین علیه السلام و دعای یا ذَا المَنِّ وَالطَّولِ بعد از نافله نماز مغرب و ده مرتبه دعای یا ذَا الفَضلِ و نمازهای وارده که از جمله دو رکعت است در رکعت اول یک مرتبه حمد و هزار مرتبه توحید و در دوم توحید یک مرتبه و بعد از سلام سر بسجده گذارد و صد مرتبه بگوید اَتُوبُ اِلَی اللهِ پس بگوید یا ذَا المَنِّ وَالجُودِ یا ذَا المَنِّ وَالطَّولِ یا مُصطَفی مُحَمَّدٍ صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَآلِهِ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَافعَل بی کَذا وَکَذا و بجای آن حاجت بطلبد و بجای هر

مرتبه توحید صد مرتبه نیز وارد شده لکن باید بعد از
نماز مغرب و نافله اش خوانده شود **روز اوّل** روز
عید فطر است میخوانی بعد از نماز صبح و بعد از نماز عید
تکبیرات شب گذشته را و غسل میکنی با دابش پس جامه های
نیکو میپوشی و بوی خوش بکار میبری و زکوة فطره را
اخراج میکنی و مهیّا ی نماز عید میشوی و پیش از آن
افطار میکنی بخرما یا بشیرینی یا کمی از تربت امام حسین
علیه السّلام و میخوانی دعاهای وارده را پیش از نماز
عید و بعد از آن و از جمله دعای صحیفهٔ کامله است و
زیارت میکنی امام حسین علیه السّلام را و میخوانی دعای
ندبه را ودر این روز وفات عمرو عاص در مصر مادرش نابغه
است که کنیز عبد الله بن جدعان و معروف بکثرت زنا
بود و در یک طهر واحد ابو لهب و امیه و هشام و ابو
سفیان و عاص بن وائل با او زنا کردند بعمرو آبستن شد
وچون بار بگذاشت در حق پسر او نزاع کردند اخر الامر

حکومت نبابغه گذاشتند نابغه بملاحظه اینکه عاص
نفقه نیکو ترمیداد او را اختیار کرد و عمرو را بعاص ملحق
نمود با این نژاد و نسب عجب نباشد اگر دشمن ترین خلق
باشد با رسول خدا صلی الله علیه و آله و علی مرتضی
علیه السلام (یا علی کی شود مخنث دوست) نیز وفات ۲۵۶
بخاری صاحب صحیح معروف و ابن الدهان نحوی و فخر
رازی ۶۰۶ **روز سوم** مقتل متوکل خلیفه دهم عباسی ۲۴۷
و آن ملعون اکفر آل عباس بود چنانچه خبر امیرالمؤمنین علیه السلام
خبر داده و عاشرهم اکفرهم یقتله اخص الخلق به **روز**
پنجم غزوه حنین واقع شد و در سنه ۳۶ امیرالمؤمنین علیه السلام
اهنات صفین نمود و در سنه ۶۰ مسلم بن عقیل وارد کوفه شد
روز ششم وفات ۳۷۲ عضد الدوله دیلمی شیعه با اخلاص
امیرالمؤمنین علیه السلام و همان کسیکه بیمارستان عضدی
در بغداد بنا کرد و مصارف بسیار صرف مشهد امیرالمؤمنین
علیه السلام و تعمیر بقعه مطهره آنحضرت و صرف قبر امام حسین ع

نمود **روز نهم** وفات ۱۱۰ محمد بن سیرین بصری معروف و مؤدب اولاد حجاج ملعون **روز دهم** وفات ۳۲۸ ابن مقله کاتب همان کسیکه خط را از کوفی نقل کرده **روز دوازدهم** سنه ۱۰۳۰ شیخنا الاجل بهاء الملة والدین العاملی در اصفهان وفات یافت و در جوار روضه رضویه بخاک رفت **روز سیزدهم** ولادت ۱۹۴ بخاری وشیخنا الاجل العالم الکوبانی الشیخ زین الدین الشهید الثانی **روز چهاردهم** وفات ۸۶ عبد الملک فتاک سفاک بخیل اول کسی که پول را بسکه اسلام نقش زد ومخفی نماند که ما در کتاب هدیة الاحباب از دائرة المعارف بریطانیه نقل کرده که اول کسیکه بر نقره سکه اسلامی زد خلیفه علی ع در بصره و تکمیل ان نمود عبد الملک مروان در سنه ۷۶ **روز پانزدهم** سنه ۳ غزوه احد شهادت حمزه و در این روز دندان شکسته شده بر امیر المؤمنین علیه السلام ابن ابی الحدید باین مطلب اشاره کرده در این شعر

امام هدی بالقرص اثر فاتقی ... له القرص رد القرص بیض ازهرا

ترجمه در صفحه بعد

و در سنهٔ ۱۲۴۹ وفات آقا شیخ محمد تقی برادر صاحب فصول روز هفدهم سنهٔ ۵ غزوهٔ خندق واقع شد و این همان غزوهٔ احزاب است که عمرو بن عبدود بضربت امیر المؤمنین علیه السلام که افضل از عبادت ثقلین بوده بقتل رسید

یا لها ضربة حوت مکرمات ... لم یزن ثقل اجرها ثقلاها

(ترجمهٔ شعر صفحهٔ قبل) این شعر از ابن ابی الحدید از این قطعه اخذ کرده

که بعضی از شعراء شیعه در حق آنحضرت فرموده جاد بالقرص و الطوی

ملأ جنبیه و عاف الطعام و هو سغوب ... فاعاد القرص المنیر علیه القرص

و المقرض الکرام کسوب ... نقل است که جناب امیر المؤمنین علیه السلام

سقایت نخلی کرد در عوض یک من از جو بیرا از برای آنحضرت دستاس

کردند و نان پختند چون خواست بر آن افطار فرماید که سائلی بر در خانه

آمد آنحضرت نان را بسائل داد و شب گرسنه خوابید شاعر گفته که

بخشش کرد آنحضرت قرص نان خود را در حالی که از گرسنگی پهلوی از زمینش

بر بود کراهت داشت از خوردن طعام بملاحظه سائل با آنکه گرسنه بود پس چون

قرص نان را بسائل داد در عوض قرص خورشید برای او بآسمان برگشت

و قرض دهنده کریم است نسبت بگیرند. سنه ره

روز هجدهم سنه ٣٦٧ عز الدوله دیلمی کشته شد در جنگ
که ما بین او و پسر عمش عضد الدوله واقع شد امیر المؤمنین ع
اشاره بقتل او فرموده بقوله والمترف ابن الاجدم یقتله
ابن عمه علی دجلة و در سنه ٥٩٨ وفات فخر الاجلة واستاد فقهاء
حله ابن ادریس حلی **روز نوزدهم** وفات ٢٦٥ یعقوب بن لیث
صفار و ابو حامد اسفراینی فقیه ٤٠٦ **روز بیستم** وفات ٨١٧ محمد بن یعقوب
فیروزابادی صاحب کتاب قاموس از او نقل است که بخواب نرفته
تا دویست سطر مطلب حفظ کنم **روز بیست وسوم** وفات ١١١٢
محدث جلیل سید نعمة الله شوشتری صاحب تالیفات مشهوره
روز بیست وپنجم وفات ٥٨١ سهیلی نحوی با آنکه در هفده
سالگی نابینا شد کتابها تالیف کرده **روز بیست وششم**
وفات ٣١٠ ابن جریر طبری مورخ شافعی صاحب تفسیر کبیر و تاریخ
شهیر و کتاب الولایة در طرق حدیث غدیر خم در دو مجلد ضخیم
و کتابی نیز در طرق حدیث طیر و وفات ٦٤٦ ابن حاجب صاحب کافیه
وشافیه **روز بیست وهفتم** وفات سعد بن عبدالله اشعری

قمی صاحب بصائر الدرجات و قتل مقتدر بالله عباسی و وفات سید اجل میرزا علاء الدین گلستانه شارح نهج البلاغه **روز سی ام** اول ایام نحسی که هلاک کرد حقتعالی در آن قوم عاد

ذوالقعدة الحرام

اول ماههای حرام است که معظم بوده اند در جاهلیت و اسلام و هر کس در یکی از این ماهها سه روز متوالی که پنج شنبه و جمعه و شنبه باشد روزه بگیرد ثواب هفتصد سال عبادت برای او نوشته شود و از برای روز یکشنبه اینماه نمازی با فضیلت بسیار روایت شده **روز اول** وفات والد سفاح و شریک قاضی **روز دوم** قتل شلمغانی و او یکی از آن چند نفر است که کذبا علی الله ادعای بابیت و وکالت امام عصر عجل الله تعالی فرجه مینمودند و مقالات شنیعه از ایشان ناشی شد و توقیعی بلعن ایشان بیرون آمده **روز چهارم** وفات خواجه عطا ملک جوینی شیعی حاکم خطه بغداد از جانب اباقا خان مغولی و همان کسی که

حکیم متأله میثم بحرانی شرح نهج را باسم او نوشته **روز**
پنجم رفع قواعد خانهٔ مکه بدست ابراهیم و اسمعیل علیهما
السلام و در سنه ۶۶۴ وفات طاوس آل طاوس صاحب کرامات
باهره سید اجل علی بن طاوس ره **روز هشتم** وفات ۳۸۵
دارقطنی حافظ معروف **روز نهم** وفات ۱۰۳۰ شیخ محمد بن
حسن بن شهید ثانی بمکه **روز یازدهم** سنه ۱۴۸ ولادت با
سعادت حضرت رضا علیه السلام در مدینه سیم والدهٔ آن
حضرت تکتم و تقولی نجمه است بعد از ولادت امام رضا
علیه السلام طاهره اش گفتند و در سنه ۳۳۶ ولادت شیخ مفید ره
روز دوازدهم وفات ۷۷۶ قطب رازی شیعی تلمیذ
علامه رفع الله مقامه **روز سیزدهم** وفات ۲۹ مکتفی
بالله و عالم ماهر خبیر ۱۰۲۸ جناب میرزا محمد استرابادی صاحب کتاب
رجال کبیر و این سید جلیل مجاور و مدفون بمکه است و
همانست که شبی دور خانه طواف میکرد که جوانی خوشروئی را
در طواف دید چون باو رسید شاخه گل سرخ باو عطا کرد

در غیر فصل گل کف گرفتم و بو ئیدم آنگاه پرسیدم که ای سید من این گل از کجا است فرمود از خرابات این بفرمود و پنهان شد **شب پانزدهم** بسیار مبارکی است و از برای عبادت و سوال حاجت از خدا دران عزو بزرگی است **روز پانزدهم** سنه ۱۳۲ بنی عباس بسیاری از بنی امیه را در نهروان بکشتند و فرش بر روی انها گستردند و طعام خوردند **روز شانزدهم** وفات ۴۵۴ محمد بن سلامه صاحب کتاب شهاب در کلمات حکمیه رسول خدا صلی الله علیه و آله و قتل مسترشد ۵۲۹ خلیفه عباسی ۳۰ **روز هفدهم** قتل ابن هبیره والی عراقین از جانب مروان حمار و همان کسی که معن بن زائده معروف بسخاوت و شجاعت از خواص او بوده **روز بیستم** وفات ۲۷۰ احمد بن طولون والی دیار مصریه و جوهر بن عبد الله همان کسی که قاهره مصر را در یکشب بنا کرد **روز بیست سوم** سنه ۲۰۳ شهادت حضرت رضا علیه السلام بقولی قاتل انحضرت مامون است و یک روز و یک شب وفات انحضرت را پنهان داشت پس جماعتی از آل ابو طالب را

حاضر کرد و خبر وفات انحضرت را با ایشان بگفت و گریب حزن
ت زیدی اظهار کرد انگاه ایشانرا نزد جنازه برد و بدن
نازنین انحضرت را با ایشان نمود و گفت گواه باشید که اسیبی
از ما باو نرسید قبر آنجناب در قبله قبر هرون الرشید است
در سنه ۲۵۶ وفات زبیر بن بکار زبیری قاضی مکه و عالم بانساب
قریش **روز بیست و چهارم** حسین بن منصور حلاج کشته شد
بعد از انکه او را هزار تازیانه زدند و دستها و پاهای او را قطع
کردند و بعد از قتل در جسر بغداد او را بدار کشیدند **شب بیست و
پنجم** شب دحو الارض و از لیالی شریفه است که رحمت خدا در
ان نازل میشود و عبادت در ان اجر بسیار دارد **روز ۲۵**
روز دحو الارض است یعنی روزیکه زمینها از زیر خانه کعبه
کشیده شد و پهن گردید و روزه اش فضیلت بسیار دارد و دعای اللهم
یا داحی الکعبه و نمازی در ان وارد شده **روز بیست و
هفتم** حرکت فرمود رسول خدا صلی الله علیه و آله با صحابه
بحجة الوداع و در ذو الحلیفه محرم شدند و اتفاقا در همان نجا محمد بن

ابی بکر از اسماء متولد شده اسماء نزد آنحضرت فرستاد که

با نفاس چکنم حضرت برای او دستور العملی فرستاد **روز**

بیست و هشتم وفات ۳۶۰ طبرانی صاحب معجم کبیر در اسماء صحابه

روز بیست و نهم روزه اش کفاره هفتاد سال است

روز سی ام سنه ۲۲۰ حضرت جواد علیه السلام بزهر معتصم

بن بیست و پنج سالگی شهید شد قبر شریفش در کاظمین پست

موسی بن جعفر علیهما السلام واقعست

ذوالحجه

این ماه از ماههای شریفه است و از برای دهه اول آن فضیلت

بسیار است و در شبهای این دهه ما بین مغرب و عشاء

دو رکعت نماز است در هر رکعت حمد و توحید و آیه وواعدنا

موسی و در روزهای دهه تهلیلات علویه و پنج دعای

جبرئیلیه و اللهم هذه الأيام صادقیه وارد است و

روزه نه روز اول فضیلت بسیار دارد **روز اول** روز

ازدواج حضرت فاطمه علیها السلام و نمازی دارد و هر که

از ظالمی بترسد در این روز بگوید حسبی حسبی حسبی من سؤالی علمک بحالی تا کفایت ظلم او را بشود و در سنهٔ ۹ رسول خدا صلی الله علیه و آله ابوبکر را با آیات برائة بمکه فرستاد پس از آن بامر خدا امیرالمؤمنین علیه السلام را فرستاد پی انکار ابوبکر را از اداء آن عزل فرمود ابن ابی الحدید خطاب به ابوبکر کرده گفته است

تنح عن العلیا یسحب ذیولها	همام تردی بالعلی و تأزرا
فتی لم یعرّق فیه تیم بن مرّة	و لا عبد اللات الخبیثة أعصرا
و لا کان معزولاً غداة براءة	و لا عن صلوة أمّ فیها مؤخرا

و در این روز وفات یزید بن ولید معروف بناقص شبیه بعمر بن عبد العزیز بود در سلوک با رعیت و ولادت ۵۸۶ شیخ ادیب متبحر عبد الحمید معروف بابن ابی الحدید صاحب شرح نهج البلاغة و قصائد سبع در مدح امیرالمؤمنین علیه السلام که این سه شعر مذکور از یکی از قصاید است او در میان علمای سنیه شبیه بعمر بن عبد العزیز است در خلفای امویه **روز چهارم** روز نهم

که غلبه کرد حضرت موسی علیه السلام بر ساحران **روز**
پنجم وفات حضرت جواد علیه السلام بقولی **روز ششم**
تزویج حضرت فاطمه علیها سلام با شاه ولایت علی علیه السلام
بنا بروایتی و وفات سنه ۱۵۸ منصور دوانیقی بخیل بی رحم فتاک
سفاک **روز هفتم** سنه ۱۱۴ شهادت حضرت باقر علیه السلام
و در سنه ۱۷۹ وارد نمودند حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام را
بصره و مدت یک سال در آنجا محبوس بود آنگاه حضرت را
ببغداد بردند و حبس نمودند و در این روز وفات سنه ۱۰۶ طاوس یمانی
و خطیب بغدادی ۴۶۳ **روز هشتم** روز ترویه است و در این سنه ۶۰
ابن زیاد هانی را گرفت و مسلم خروج کرد و کوفیان بنای
نفاق و تفریق نهادند تا در اول شب سی نفر از آنها باقی ماندند
و بعد از نماز مسلم و بیرون آمدنش از مسجد دیگر کسی با او
با او باقی نماند و در همان روز عمرو بن سعید بن العاص
از شام با جمعی بسیار به بهانه حج بمکه آمدند و از جانب یزید
مامور بودند که امام حسین علیه السلام را هر جا که بیابند

دستگیر کنند یا بقتل برسانند لاجرم آنجناب حج را بعمره عدول نمود و از مکه متوجه عراق گردید **شب نهم** اللیالی شریفه است و شب توبه و انابه و مناجات با قاضی الحاجات است چند دعا در آن وارد است و زیارت کربلا در آن فضیلت دارد و در این شب وفات ۶۸۹ یحیی بن سعید حلی پسر عم محقق و جناب ۱۲۴۶ آقا سید محمد باقر قزوینی پسر خواهر بحر العلوم صاحب مقامات عالیه و کرامات باهره **روز نهم** روز عرفه است غسل کند و زیارت امام حسین علیه السلام نماید و بعد از نماز عصر دو رکعت نماز در زیر آسمان بجا آورد و اعتراف کند بگناهان خود و مشغول شود بخواندن دعای صحیفه و دعاهای عرفه خصوص دعای سید الشهداء علیه السلام و تا بتواند مشغول بدعا باشد که بهترین اعمال این روز است و در سنه ۵۳۸ وفات زمخشری که او را جار الله گویند بجهت مجاورت او بیت الله الحرام را **شب دهم** از آن چهار شبی است که احیاء آنها سنت است و زیارت امام حسین علیه السلام و دعای یا دائم الفضل را در آن بخوانند

و در سنه ۵۴۸ وفات امین الاسلام شیخ اجل ابو علی طبرسی صاحب
مجمع البیان در سبزوار و در قبرستان قتلگاه ارض اقدس
بخاک رفت **روز دهم** عید قربان است و در آن غسل و نماز
عید و دعا مانی وارد است که از جمله دعای ندبه و دعای صحیفه
است و از بعد از نماز ظهر شروع میشود بخواندن تکبیرات تا پانزده
نماز در منی و در عقب ده نماز در غیر منی و قربانی در آن سنت
مؤکد است و در سنه ۳۲۱ وفات ابن انباری گویند سیصد منقل
کتاب محفوظات او بوده **روز یازدهم** اول ایام تشریق
است که سه روز بعد از عید باشد و در سنه ۲۰۷ وفات واقدی
قاضی بغداد صاحب مغازی ابن ندیم گفته که او شیعه بوده
و تقیه مینموده **روز دوازدهم** وفات ۱۳۶ سفاح
اول خلفای بنی عباس **شب چهاردهم** واقعه شق القمر در
مکه با عجاز رسول خدا صلی الله علیه و آله **روز چهاردهم**
سنه ۳۱۷ قرامطه حجاج مکه را بکشتند و جامه کعبه را ربودند و خانهای
مکه را غارت کردند و حجر را بکندند و به هجر بردند و در مجمع

البحرین در لغت قرمط قضیهٔ غریبی از شیخ بهائی نقل کرده و در سنه ۳۵۶ وفات ابو الفرج اصفهانی صاحب اغانی و مقاتل الطالبین **روز پانزدهم** سنه ۳۴ محاصره کردن اصحاب دور خانه عثمان را و در سنه ۲۱۲ ولادت حضرت هادی علیه السلام **روز هفدهم** وفات ۲۱۱ حمیدی و ابن وردی ۷۴۹ و شهمنی ۸۲۱ که هر سه از علماء بزرک جمهورند **روز هجدهم** روز عید غدیر و اشرف و اعظم عیدها است چون روزیست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله امیر المؤمنین علیه السلام را منصوب کرد و فرمود مَنْ کُنْتُ مَوْلاهُ فَعَلِیٌّ مَوْلاهُ اَللّٰهُمَّ والِ مَنْ والاهُ وَعادِ مَنْ عاداهُ وَانْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ و سنّت است که در این روز شریف روزه بداری که کفارهٔ شصت سال گناه است و غسل کنی و هر کجا که باشی سعی کنی که خود را بقبر امیر المؤمنین علیه السلام برسانی و زیارت آنجناب کنی و پیش از زوال بنیم ساعت دو رکعت نماز کنی در هر رکعت بعد از حمد توحید و قدر و آیة الکرسی را هر یک ده مرتبه بخوانی و زیادت

امین الله و دعاهای بسیار که از جمله دعای ندبه است در این روز وارد است و مستحب است در این روز پوشیدن جامه نیکو و زینت کردن و شاد نمودن شیعیان و تهنیت گفتن ایشان را و زیارت ایشان و تبسم بروی ایشان و افطار دادن روزه داران و اطعام مؤمنان و بسیار فرستادن صلوات الی غیر ذلک و در سنه ۳۵ اصحاب نخا نه عثمان ریختند و خونش بریختند و جنازه اش تا سه روز غیر مدفون بماند اخر الامر او را در مقبره جهودان دفن کردند و در سنه ۶۷۲ وفات سلطان المحققین و برهان الموحدین خواجه نصیر الدین طوسی مقتدای شیعه شیخ اجل محقق کرکی معروف بمحقق ثانی تاریخ وفاتش مقتدای شیعه ۹۴۰ و تاریخ وفات پسرش شیخ اجل شیخ عبد العالی ابن مقتدای شیعه ۹۹۳

روز بیست و سوم وفات ۲۳۳ یحیی بن معین و او همانست که هزار هزار درهم و پنجاه هزار درهم از پدارث برد و تمام را صرف حدیث کرد مانند شیخ عیاشی در امامیه که تمام ترکه پدرش را که سیصد هزار اشرفی باشد انفاق بر علم

وحدیث کرد و خانه‌اش مثل مسجد از علماء و محدثین مملو بود
روز بیست و چهارم روز مباهله و روز خاتم بخشی است
و غسل و روزه و دعاها و نمازها وارد است که از جمله نماز
است مثل نماز روز غدیر و در سنه ۲۳۲ وفات واثق بالله عباسی
روز بیست و پنجم سنه ۲۳ زخم زدن ابولؤلؤ عمر را روز
بیست و هفتم سنه ۱۳۲ مقتل مروان حمار آخر خلفاء بنی
امیه و انقراض دولتشان و در سنه ۲۱۲ ولادت حضرت هادی ع
بروایت شیخین روز بیست و ششم سنه ۶۳ واقعه حره که قتل
و غارت اهل مدینه باشد بامر یزید و وفات ۲۸۵ مبرد و شبلی
روز بیست و نهم سنه ۲۳ وفات عمر روز سلام
آخر سال عرب است و دو رکعت نماز و دعائی که دارد و وفات ۲۰۴
نضر بن شمیل نحوی و ابن اثیر ۶۰۶ صاحب جامع الاصول

محرم الحرام

وفات مرحوم حاجی شیخ عباس قمی مؤلف روز ۲۳ ذیحجه الحرام سنه ۱۳۵۹ در نجف
اشرف محل دفن در ایوان کتابخانه آنحضرت پهلوی قبر مرحوم حاجی میرزا حسین نوری رحمة الله علیه

ماه حزن و اندوه و عزاداری شیعیانست بر جناب امام حسین علیه السلام
شب اول دران چند نمازاست از جمله در هر رکعت حمد و یازده
مرتبه توحید روز اول اول سال است و دران روزه
دو رکعت نماز و دعائی وارد است و در این روز جناب ادریس باسمان
برده شد و حق تعالی دعای زکریا را در طلب ولد مستجاب
فرموده و بقولی غزوه ذات الرقاع دران واقع شده و وفات
کرده محمد بن حنفیه و سفیان ثوری و سهروردی شافعی و
وشیخ حسن صاحب معالم و کثرت شجاعت و دلیری محمد از سیر در
تاریخ حرب جمل و صفین معلوم میشود و از حضرت صادق علیه السلام
منقول است که محامده اباء دارند از معصیت خدای عزوجل
و اراده فرمود محمد بن جعفر بن ابیطالب مقتول در صفین و
محمد بن ابی بکر و محمد بن ابی حذیفه پسر دائی معاویه و مقتول
بامر او و محمد بن امیرالمؤمنین علیه السلام را روز دوم
ورود امام حسین بکربلا و وفات شیخ و امام صاحب تنبیه
الخواطر جد امی سید بن طاوس روز سوم خلاصی یوسف

از زندان و ورود عمر سعد بکربلا **روز چهارم** سنه ۳۴ اول
خلافت عثمان منقول است که عثمان در اول جلوس خود بمنبر رفت
و خواست خطبه بخواند راه سخن بر او بسته شد نتوانست چیزی
بگوید لاجرم گفت ایها الناس ابوبکر و عمر ساخته بمقام منبر شدند
و از آن پیش که بالای منبر شوند خطبه پرداخته از بر میکردند
و بر منبر میخواندند و من ندارم این کار نکردم لاجرم عاجز
ماندم وانکم الی امام عادل احوج منکم الی امام قائل
و شما را احتیاج بامام عادل افزونست از امام خطیب زود
که خطبها بر حسب اراده اصغا نمائید این کلمات بگفت و فرود شد
روز پنجم وفات سنه ۴۰۶ سید اجل شریف و فصیح قریش و ناطقه
الادباء ذو الحسبین سید رضی علیه رضوان الله تعالی گویند
از فوت او برادرش سید مرتضی از کثرت جزع و غصه نتوانست
جنازه او را مشاهده کند لاجرم در تشییع و دفن او حاضر نشد
و در حرم جدش حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام رفت و آخر
روز فخر الملک وزیر الجناب او را از حرم بخانه برد **روز هفتم**

تکلم حقتعالی با موسی کلیم **روز نهم** تاسوعا است و روزیست
که جناب امام حسین علیه السلام واصحابش را در کربلا محاصره
کردند وسپاه شام بر قتال آنحضرت اجتماع نمودند **شب دهم**
شب عاشورا است و شایسته است که شیعیان به امام حسین علیه السلام
و یاورانش تاسی کنند وآنشب را بعبادت و تلاوت و استغفار
واندوه وگریه احیا دارند واز برای آن نمازهائی وارد شده
از جمله چهار رکعت هر رکعتی یک مرتبه حمد و پنجاه مرتبه
توحید مطابق نماز امیرالمؤمنین علیه السلام و شایسته است
که اگر کسی بتواند آنشب را در کربلا نزد قبر امام حسین علیه السلام
بیتوته کند تا آنکه روز قیامت محشور شود در شهدا و ملطخ
بخون سید الشهداء علیه السلام و در شب قتل آنحضرت اعمش
و عمر بن عبدالعزیز و هشام بن عروه و زهری و قتاده متولد شدند

روز ۹ سنه ۱۲۶۰ وفات سید محمد قلیخان مفتی والد صاحب عبقات از اجله
علماء هند بود روز دهم ۱۱۹۵ وفات میر سید علی از احفاد میرزا رفیعا نائینی
مشهور صاحب تالیفات بسیار بود شهاب الدین الحسینی النجفی

روز دهم روز عاشورا و روز قتل امام حسین علیه السلام
است شایسته است که شیعیان در این روز مشغول کار دنیا نشوند
و از برای خانه خود چیزی ذخیره نکنند و پی حاجتی نروند بلکه
مشغول گریه و ماتم شوند و یکدیگر را بکلمهٔ اعظم الله اجورنا
الخ تعزیت بگویند و جهد کنند در لعن بر قاتلان حسین علیه السلام
و بخوانند زیارت عاشوراء و هزار مرتبه توحید و امساک
کنند از خوردن و آشامیدن و بعد از عصر بقدر کمی تربت تناول
کنند چنانچه شیخ طوسی فرموده و اگر خواست در آن وقت طعام
بخورد تناول نماید غذای مصیبت زدگان را مانند ماست یا شیر
و امثال اینها نه مثل غذاهای لذیذه و در این روز جامه های
پاکیزه بپوشند و بندها بگشایند و آستین ها را بالا کنند
بهیئت صاحبان مصیبت در آخر روز سزاوار است که یاد آوری
از حال حرم امام حسین علیه السلام و دختران و اطفال آن
حضرت که در این وقت در کربلا اسیر اعداء و مشغول بحزن و بکاء
بودند و مصیبتهائی بر ایشان گذشته که در خاطر هیچ فرد

خطور نکند و قلم را تاب نوشتن نباشد پس برخیزی و سلام
کنی بر حضرت پیغمبر و علی و فاطمه و حسن و حسین و امامان
بعد از امام حسین علیهم السلام و ایشان را تعزیت گوئی با دل بریان
و چشم گریان و در سنه ۲۲۶ وفات بشر حافی و در سنه ۳۵۲ معز الدوله
دیلمی مردم بغداد را امر کرد که بازارها را ببندند و طباخین
طبخ نکنند و قبه هائی در بازارها نصب کنند پس زنها با
موهای آشفته بیرون شدند و لطمه بصورت زدند و اقامه
ماتم نمودند بر امام حسین علیه السلام و این اول روزی بود
که اقامه ماتم شد برای آنحضرت در بغداد و در سنه ۶۵۶ هلاکو
وارد بغداد شد و واقعه او در اینجا معروف است

شب یازدهم

وفات ۷۲۶ آیة الله فی العالمین و اکمل المتقدمین و المتأخرین
جمال الملة و الحق و الدین شیخ المذهب و رئیس الملة مولانا
المعظم حسن بن مطهر الحلی الملقب بالعلامه رفع الله مقامه
آنجناب ظاهر و محقق است و مصنفاتش در علوم زیاده
از آنست که ذکر شود و اگر تقسیم شود بر ایام عمر شریفش

تا احد نصیب هر روز کرّ ابی شود و صاحب مجمع البحرین در
لفظ علم از بعض از فضلاء نقل کرده که یافته بخط علّامه
یا نصد جلد از مصنّفاتش سوای آنچه بخط غیر خودش است

وَاِنْ تَمَصَّا خَيْطٌ مِنْ نَسْجِ تِسْعَةٍ وَعِشْرِينَ حَرْفًا عَنْ مَعَالِيهِ قَاصِرٌ

روز یازدهم حرکت اهل بیت امام حسین علیه السلام
از کربلا بکوفه روز دوازدهم وفات ۷۳۵ شیخ صفی جدّ
سلاطین صفویّه روز پانزدهم واقعهٔ فتح خیبر بقول شیخ بهائی
روز شانزدهم تحویل قبله از بیت المقدّس بسوی کعبه
بقول کفعمی روز هفدهم نزول عذاب بر اصحاب فیل
کما اخبر عنه تعالی فی سورة الفیل روز نوزدهم وفات ۳۳۴

روز ۱۱ وفات ۱۳۰۸ شیخ محمّد حسین کاظمینی از علماء مشهور روز ۱۲ وفات ۸۱۴
فیروزه بیگم والدهٔ سلطان حسین بایقرا روز ۱۵ وفات ۲۸۷ مقتدر عباسی
روز ۱۵ وفات ۲۸۷ راشد عبّاسی روز ۱۷ وفات ۷۲۴ علّامهٔ حلّی روز ۲۰
وفات ۱۳۲۳ مرحوم شیخ محمّد حسن مامقانی مشهور روز ۲۳ وفات ۳۵۱ وزیر
ابن عمید شیخ استاد صاحب شهاب الدین الحسینی النجفی

رکن الدوله پدر عضد الدوله دیلمی شب بیست و یکم سنه ۲
شب عروسی فاطمه زهراء علیها سلام روز بیست و یکم وفات ۴۳۰
حافظ ابو نعیم اصفهانی صاحب حلیة الاولیاء وجد مجلسی رره
وحافظ در اصطلاح محدثین کسی را میگویند که صد هزار حدیث
با سند حفظ داشته باشد شب بیست و دوم وفات ۴۶۰ شیخ
طایفه و رئیس امامیه مربی الفقهاء وابو الروحانی لکافة
العلماء شیخ محمد بن حسن الطوسی نور الله مرقده که رئیس مذهب
واستاد علماء بوده حتی آنکه مجتهدین شاگردان و از خاصه
زیاده از سیصد نفر بودند تالیفاتش در علوم بسیار قبر شریفش
در نجف اشرف است روز بیست و دوم سنه ۳۷ ورود امیر المؤمنین
بصفین و وفات ۷۹۲ ملا سعد تفتازانی صاحب تالیفات که یکی

روز ۲۳ وفات ۱۲۹۱ خاتم المجتهدین جناب حاج ملا محمد ابن حاج ملا احمد نراقی قبرش در
نجف اشرف وفات ۱۳۰۶ حاج ملا علی کنی روز اول صفر وفات ۱۲۶۲ سید صدر الدین عاملی
شیخ روایت مرحوم شیخ انصاری روز ۷ صفر وفات ۸۲۸ سید جمال الدین بن المهنا نسابه
صاحب کتاب عمده در کرمان و قبرش در همانجا است شهاب الدین الحسینی النجفی

از انها شرح مطول است که در متن بیت سالکی نوشته و در سنه ۱۱۴۰

قتل شاه سلطان حسین صفوی مدفون بقم **روز بیست و سوم**

وفات مهد علیا مهد عباسی سنه ۱۱۶۹ **شب بیست و پنجم** سنه ۱۹۸ قتل محمد امین با

برادرش مامون **روز بیست و پنجم** سنه ۹۵ وفات حضرت امام زین

العابدین علیه السلام و آن سال را سنة الفقهاء میگفتند از کثرت

مردن فقهاء و علمای مدینه **روز بیست و ششم** وفات ۱۴۶

علی بن الحسن المثلث در زندان منصور و همان زندانی که شب و روز را

درست تمیز نمیدادند از کثرت ظلمت و تاریکی آن و من تفصیل این

زندان و احوال بنی الحسن را در منتهی الآمال و تتمة المنتهی

ذکر نمودم و در وقایع الایام نیز مختصری از آن اشاره کردم و در سنه ۱۰۲۱

وفات جناب عالم کامل زاهد ملا عبدالله تستری اورع اهل

زمان خود شاگرد مقدس اردبیلی و استاد مجلسی اول طیب الله

رمسه رزقنی من علمه و قد نقل شده که آن بزرگوار هر عملی که

میکرده یا واجب بوده یا مستحب و بوسته قائم اللیل و صائم النهار

بوده و در تشییع جنازه اش صد هزار جمعیت بوده و جنازه اش را

بعد از یک سال بکربلا حمل کردند روز بیست و ششم

سنه ۶۵۶ خون واقعهٔ هلاکو و مستعصم و انقراض العباس و در

این واقعه چندان از اهل بغداد بکشتند که نهرها از خون

ایشان جاری شد روز سی ام سنه ۱۸۹ قتل جعفر برمکی و

انقراض دولت برامکه بنحو یکه ابن خلکان برمکی و غیره شرح داده اند

صفر المظفر

این ماه معروفست بنحوست از برای دفع نحوستش هیچ چیز

بهتر از دعا و تصدق نیست روز اول سنه ۳۷ شروع شد به

جنگ صفین و در این روز بقول کفعمی بهائی و قبض سر

مبارک امام حسین علیه السلام را وارد دمشق کردند و بنی

امیه این روز را عید قرار دادند و در سنه ۱۲۱ زید بن علی بن الحسین

علیهما السلام را در کوفه شهید کردند و بعد از دفن قبرش را شکافتند

و جسدش را بیرون آوردند و از کفن عریان کردند و بر صلیب کشیدند

تا در محله کناسه او را بدار آویختند و چند سال بر دار بود

آنگاه او را بزیر آوردند و آتش زدند و خاکسترش را بباد دادند

روز سوم دو رکعت نماز کند رکعت اول بحمد و انا فتحنا و دوم بحمد و توحید و بعد از سلام صد مرتبه صلوات صد مرتبه اللهم العن آل ابی سفیان و صد مرتبه استغفار کند پس حاجت بخواهد در سنه ۵۷ ولادت امام محمد باقر علیه السلام در مدینه مادر آنجناب ام عبد الله دختر امام حسن علیه السلام است که صدیقه بود و زنی از آل حسن بدرجهٔ او نرسید و وفات ۴۰۵ امام اهل حدیث حاکم نیشابوری صاحب مستدرک بر صحیحین جمیل و در تشیع گفته اند **روز هفتم** شهادت امام حسن علیه السلام بقولی در کامل بهائی تفصیل زهرهائی که بآنجناب خورانیده اند ذکر نموده و خبر تیرباران کردن جنازه شریف در آن کتاب و در مناقب ابن شهر آشوب است و در زیارت ائمة المؤمنین نیز اشاره بان شده در این فقره و شهید فوق الجنازة قد شکت بالسهام اکفانه و در سنه ۱۲۸ ولادت باسعادت حضرت امام موسی علیه السلام در منزل ابوا والده آنجناب حمیده است که حضرت باقر علیه السلام در حق او فرموده

حَمِیدَةٌ فِی الدُّنْیَا مَحْمُودَةٌ فِی الْآخِرَةِ و او را حمیده مصفاة
میگویند بجهة فرمایش حضرت صادق علیه السلام در حق او
حَمِیدَةُ مُصَفَّاةٌ مِنَ الْأَدْنَاسِ کَسَبِیکَةِ الذَّهَبِ مَا زَالَتِ
الْأَمْلَاکُ تَحْرُسُهَا حَتَّى أُدِّیَتْ إِلَیَّ کَرَامَةً مِنَ اللهِ لِی وَالْحُجَّةِ
مِنْ بَعْدِی **روز هشتم** ۲۳۳ ماخوذ شد بن عبدالملک زیات وزیر
و تعذیب شد در تنور آهن بامر متوکل **روز نهم** سنه ۳۷ شهادت
عمار یاسر و خزیمة بن ثابت ذو الشهادتین در صفین **روز دهم**
وفات ۹۹ سلیمان بن عبدالملک معروف بکثرت اکل گویند هر روز
صد رطل عراقی طعام خوردی که زیاده از یازده من نیم باشد
چه هر رطل عراقی شصت و هشت مثقال و ربع مثقال است
روز یازدهم وفات ۴۲۱ سلطان محمود غزنوی در غزنه
و سلطان اول حنفی مذهب بود و چون قفال مروزی دو رکعت نماز[1]

[1] کیفیت این دو رکعت نماز را ابن خلکان در تاریخ و دمیری در حیوة الحیوان نقل کرده
روز ۸ وفات ۱۳۱۶ مرحوم حاج میرزا ابو الفضل طهرانی صاحب کتاب شفاء الصدور
روز ۱۲ وفات شاه صفی صفوی در کاشان و جسدش حمل بقم شد روز ۱۴
وفات ۱۲۸۸ شیخ محمد بن علی بن جعفر کاشف الغطاء از مشاهیر علماء نجف بود

بمذهب ابو حنیفه خواند با پوست سگ دباغی شده که ربع آن
بنجاست آلوده بود و وضو با نبیذ گرفت و بفارسی تکبیر گفت و
عوض سوره دو برگ سبز گفت و بدون رکوع دو دفعه سر بزمین
زمین زد بدون فصلی و تشهد خواند و در آخر ضرطه داد سلطان
از مذهب ابو حنیفه اعراض کرد و بمذهب شافعی داخل شد
روز دوازدهم قتل ۱۰۲ یزید بن المهلب بانی شهر استراباد
روز سیزدهم وفات ۳۰۳ نسائی صاحب سنن که یکی از صحاح
ستّه است روز پانزدهم وفات ۴۱۱ ابن الغضایری که یکی
از علمای رجال است روز هفدهم شهادت حضرت رضا علیه السلام
بقول کفعمی ره روز نوزدهم شیخ بهائی در توضیح المقاصد
این روز را اربعین گرفته روز بیستم اربعین امام حسین ۶۱

روز ۱۵ وفات ۹۸۴ شاه طهماسب اول صفوی روز ۱۶ جلوس ۹۸۵ شاه عباس

روز ۱۷ وفات ۴۹۵ مستعلی علوی خلیفه مصر روز ۲۰ هلاکت ۹۹ سلیمان بن

عبد الملک اموی روز ۲۲ بقولی مهاجرت حضرت رسول صلّی الله علیه و آله از مکه

بمدینه وفات ۲۷۸ موفق عباسی روز ۲۴ شهادت ملا محمد نهاوندی ۱۲۴۵ (شهاب ثاقب)

و زیارتِ اربعین مستحب و از علامات مؤمن است سبب بدست و
چهارم وفات ۳۸۸ کافی الکفاة اسمعیل بن عبّاد معروف بصاحب
بجهت مصاحبتش با استاد ابن عمید قمی از وزراء آل بویه و
یگانه عصر خویش است در فضل و ادبیت و کمال و علماء و فضلاء
نزد او منزلتی رفیع داشتند و اشعار بسیار در مدح ائمه
علیهم السلام و تبرّی از اعداء دین گفته و از اشعار او است

قالت تحبّ معاویة قلت اسکتی یا زانیة قالت ابابات
جوابه فاعدت قولی ثانیة یا زانیة یا زانیة یا بنت
الف زانیة أحب من شتم الوصی علانیة فعلی یزید لعنة
و علی ابیه ثمانیة و بلغنا عن الصاحب انه لما جلس للاملاء
حضر جمع کثیر و کان المستملی الواحد لا یقوم بالاملاء حتی انضاف
الیه ستة کل یبلغ صاحبه و حکی الیه انه بعث الیه بعض الملوك
بسئله القدوم علیه فقال فی الجواب احتاج الی ستین جملاً
انقل علیها کتب اللغة التی عندی و کان رحمه الله استاد الشیخ عبد
القاهر و قبره باصفهان روز بیست و پنجم وفات ۳۳۶ ثقة الاسلام

حمدانی شیعی سلطان حلب **روز بیست و هشتم** وفات حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله و نیز بروایت شیخین وفات حسن مجتبی علیه السلام و روز مصیبت خزان آل محمد صلوات الله علیهم اجمعین و اشیاع ایشانست قال امیرالمؤمنین علیه السلام[1] فی کلمات له عند تجهیز النبی صلی الله علیه و آله و غسله

روز ۲۸ وفات ۵۸۹ سلطان صلاح الدین ایوبی در دمشق و وفات کریمخان زند ۱۲۹۰

در شیراز ۱۱۹۳ و وفات حاج سید اسد الله رشتی نجل مرحوم حجة الاسلام

و هم تزویج حضرت امیر علیه السلام با حضرت صدیقه طاهره علیها السلام و وفات مرحوم

حاج شیخ جعفر شوشتری ۱۳۰۳ در کرند و وفات سید ابوالقاسم بن حجة الاسلام

رشتی ۱۲۶۲ هلاکت هرون سنه ۱۹۳ بطوس وفات سلطان محمود غزنوی سنه ۴۲۱

وفات سلطان سنجر سنه ۵۵۲ ماه صفر (شهاب الدین الحسینی النجفی)

[1] یعنی امیرالمؤمنین علیه السلام در وقت تجهیز و غسل رسول خدا صلی الله علیه و آله کلماتی فرمود که از جمله این بود که اگر نبود که امر فرمودی بصبر و نهی نمودی از جزع هر آینه تمام میکردم در گریه بر تو آب سر یعنی اشکهای خود را و دوا و غصه از من بیرون نمیرفت حزن و اندوه ملازم من میگشت و اینها کم بود از برای تو منه مد ظله

وَلَوْلا اَنَّكَ اَمَرْتَ بِالصَّبْرِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْجَزَعِ لَاَنْفَدْنا عَلَيْكَ ماءَ الشُّؤُونِ وَلَكانَ الدّاءُ مُماطِلاً وَالْكَمَدُ مُحالِفاً وَقَلّا لَكَ الخ

روز سیام وفات حضرت رضا علیه السلام

ربیع الاول

شب اول لیلة المبیت است یعنی آن شب است که کفار مکه اجتماع کردند بر دور خانه پیغمبر صلی الله علیه و آله برای کشتن آنحضرت و آنجناب امر فرمود امیر المؤمنین علیه السلام را بجای خود خوابید و از مکه هجرت فرمود و امیر المؤمنین بحکم وَالْجُودُ بِالنَّفْسِ اَقْصى غايَةِ الْجُودِ منتهای جود و جوانمردی را در آن شب بعمل آورد و در جای پیغمبر صلی الله علیه و آله خوابید و شمشیرهای مشرکین را برجان خود خرید حقتعالی در شأنش فرستاد وَمِنَ النّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغاءَ مَرْضاتِ اللهِ

روز اول وفات امام حسن عسکری صلوات الله علیه بنا بقولی و در سنه ۲۵۸ موفق عباسی ببصره رفت برای محاربه با صاحب زنج و فتنه صاحب زنج بر مردم بصره خیلی عظیم شد

نفر از ایشان بکشت حتی در یک واقعه سیصد نفر از
از ایشان فانی کرد و امیرالمؤمنین علیه السلام کرة بعد کرة
از او خبر داده **روز دوم** وفات ۱۲۹۰ سید اجل آقا سید محمد
باقر رشتی معروف بحجة الاسلام در اصفهان **روز سوم**
سنه ۶۴ واقعه احراق مکه بسبب مقاتله لشکر یزید با عبدالله زبیر
و در سنه ۴۴۹ وفات ابوالعلاء معری اعمی شاعر ادیب ماهر
اعجوبه دنیا **روز چهارم** وفات حضرت عسکری علیه السلام

روز اول مهاجرت حضرت رسول صلی الله علیه و آله از مکه بمدینه نبوی
روز ۲ وفات ۵۵۰ مقتفی عباسی روز ۳ محاصره شاهرخ میرزا اصفهان ۸۱۷
روز ۴ هلاک منتصر عباسی ۲۴۸ روز ۴ هلاک هشام بن عبدالملک
اموی ۱۱۵ روز ۵ هلاک مستنجد عباسی ۵۶۶ وفات سید علینقی
برادرزاده بحرالعلوم و اوحد صاحب مواهب السنیات ۱۲۴۹ روز ۹
وفات مرحوم حاج میرزا فتح الله مشهور بآقای شریعت اصفهانی ۱۳۳۹
از علمای نجف اشرف روز ۱۲ وفات ۱۳۰۴ سید محمد پسر سید دلدار
علی هندی صاحب تألیفات شریفه (شهاب الدین الحسینی النجفی

بقولی روز پنجم وفات ۱۱۷ حضرت سکینه بنت الحسین علیها
والده اش رباب دختر امرء القیس است که مادر طفل رضیع است نیز
که در کربلا بزخم تیر شهید گشت ابن اثیر نقل کرده که رباب یکسال
سر قبر امام حسین علیه السلام اقامت نمود پس از آن عود کرد
بمدینه و از غصه و حزن بر شوهر خود وفات کرد روز هفتم
وفات ۳۴۲ ریحانة الندماء و تاریخ الظرفاء ابو القاسم تنوخی
قاضی بصره و اهواز روز هشتم سنه ۲۶۰ شهادت حضرت امام
حسن عسکری علیه السلام بنا بر مشهور بسن بیست و هشت سالگی
قاتل آنجناب معتمد عباسی است قبر شریفش در سامره در همان
خانه خود آنحضرت در پشت قبر پدر بزرگوارش و در سنه ۹۸۴ وفات
عالم جلیل شیخ حسین والد شیخ بهائی در قریه هجر از اعمال
بحرین شیخ بهائی در مرثیه او فرموده

اتت یا بحر البحرین فاجتمعت ثلثة کن امثالا و اشباها
حویت من فخر العلماء ما حویا لکن در اعلاها و اغلاها

روز نهم ورود نوروز عید بزرگ شیعه و عید بقر بیکون فان

یعنی شکافتن است و از برای آن شرحی است که در جای خود ذکر
شده و انفاق در آن باعث آمرزش است **روز دهم** ربیع
حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله ام المؤمنین خدیجه علیها
سلام را و در سال هشتم میلاد پیغمبر صلی الله علیه و آله
وفات جناب عبد المطلب است و در سنه ۳۲۹ وفات راضی بالله خلیفه
عباسی و از کارهای محاسن وی رد فدک است به ورثه حضرت
فاطمه علیها سلام نوبتا زمان او و نه دفعه بلکه ده دفعه فدک
غصب شده و رد شده و در سنه ۴۶۵ قتل الب ارسلان سلجوقی
همانکس که بر قبر ابو حنیفه مشهد در بغداد مدرسه بنا کرده
روز یازدهم وفات ۷۶۹ ابن عقیل نحوی شارح الفیه **روز**
دوازدهم ولادت با سعادت حضرت رسول صلی الله علیه و
آله بنابر قولی و ورود آنحضرت بمدینه در هجرت از مکه و در این روز
۲۲۷ وفات کرد معتصم عباسی و احمد بن حنبل ۲۴۱ یکی از ائمه اهل سنت و ناصر الدوله
حمدانی والی موصل و آقا سید مهدی ۱۳۰۰ قزوینی حلاوی و این سید جلیل همان است
که چون مهاجرت کرد بحله و مشغول بهدایت شد مردم ببرکت انفاس او قریب

صد هزار شیعه امامی خالص شدند شیعیانی که از مراسم
شیعگی چیزی نمیدانستند صلحاء و ابرار و اتقیاء و علماء شدند
روز سیزدهم سنه ۱۳۲ اول جلوس سفاح و بیعت مردم با او و
چون بر خلافت مستقر شد امر کرد گورهای بنی امیه را شکافتند
مردگان ایشان را بیرون آوردند و سوزانیدند **شب چهاردهم**
وفات ۱۷۰ موسی هادی و خلافت برادرش هرون و ولادت مامون
و از برای بنی عباس مثل چنین شبی واقع نشد **روز چهاردهم**
سنه ۶۴ بدرک رفتن یزید بن معاویه در سبب مرگش اختلاف است در
کامل بهائی نقل کرده که بیست طشت خون و غیر آن از حلقش بیرون
آمد و بمرد و هم گفته گویند که آن لعین بشراب افتاد مست و ظاهر
است موضع و گویند که آن لعین بصید رفته بود و در صحرا گم شد
و در روایتی است که یزید به بلای ناگهانی هلاک شد شبی
بحالت مستی بیتوته نمود صبح او را مرده یافتند و چنان تغییر کرده
بود که گویا او را قیر مالیده بودند و در اخبار الدول است که بمرض
ذات الجنب در حوران وفات کرد و در باب صغیر دمشق بخاک رفت

وقبرش اینک مزبله است و در سنه ۵۵۲ وفات سنجر در مرو روز یازدهم
وفات ۱۴۸ اعمش واو در حفظ وقرائت حدیث مشهور است و با آنکه شیعی
است علماء جمهور او را ستوده اند و مکالمات او با ابو حنیفه معروف
است و در سنه ۳۳۲ وفات عبید الله مهدی و او اول خلفای اسمعیلیه
است که در دیار مغرب و مصر و حضرت امیر علیه السلام اشاره باینان
فرموده بقوله ثم یظهر صاحب القیروان الی قوله من سلالة
ذی البداء المسجی بالرداء روز شانزدهم ورود اهل بیت
امام حسین علیه السلام بشام بنابر نص کامل بهائی است
هفدهم شب ولادت حضرت رسول صلی الله علیه و آله
ومعراج آنحضرت نیز روز هفدهم ولادت حضرت رسول
خدا صلی الله علیه و آله و روز بسیار شریف است و باید مسلمانان
روز ۱۵ هلاکت یزید بن معاویه ۶۴ بقولی وفات موسی الهادی عباسی ۱۷۰
روز ۱۶ وفات راضی عباسی سنه ۳۲۹ روز ۱۷ هلاکت هادی عباسی ۱۷۰
بقولی وهلاکت معتصم سنه ۲۲۷ در سر من رای روز ۱۸ هلاکت معتصم بقولی ۲۲۷
روز ۲۰ وفات شاه عباس ثانی در دامغان جد حمل بقیم ۱۰۷۷ (شهاب الدین)

تعظیم این روز را فروگذار ننمایند و نیز در سنه ۸۳ متولد شد حضرت
صادق علیه السلام و باعث مزید شرافت این روز مبارک شده و عمل
این روز غسل است و زیارت رسول الله صلی الله علیه و آله و امیر المؤمنین علیه السلام
و دو رکعت نماز در هر رکعت حمد ده مرتبه قدر و ده مرتبه توحید
در وقت بلند شدن روز و روزه اش فضیلت بسیار دارد و در سنه ۳۷۲
وفات ابو علی تنوخی **روز هجدهم** و وفات سنه ۱۰۰۹ سید ثقه نبیه
آقا سید محمد صاحب مدارک **روز بیست و دوم** سنه ۳ غزوه
بنی النضیر در شب و وفات سنه ۶۳۸ محی الدین عربی صاحب فتوحات
روز بیست و پنجم و وفات سنه ۴۳۶ استاد العلماء و رئیس الفقهاء
السید مرتضی الملقب من جده بعلم الهدی ابن ابی احمد بود و
که شیخ مفید شبی در خواب دید حضرت فاطمه علیها السلام را که دست
حسنین علیهما السلام در دست او است و فرمود یا شیخ علمهما
الفقه چون صبح شد دختر سید ناصر کبیر دست مرتضی و رضی را
دستش آمد نزد شیخ و گفت این دو فرزند مرا فقه تعلیم کن از
ابو القاسم تنوخی که از اصحاب سید است نقل است که ما شمردیم

کتابهای سید را یافتیم هشتاد هزار مجلد از مصنفات و مخطوطات و مقروات آنجناب گویند محقق طوسی رحمه الله در وقت تدریس هرگاه باسم سید میرسید میفرمود صلوات الله علیه **روز بیست و ششم** صلح حضرت مجتبی علیه السلام با معاویه ۴۱ **روز بیست و هشتم** قتل فخر الملک وزیر بنی بویه ۴۰۷ **روز سی ام** ولادت حضرت امام حسین علیه السلام بقول شهید و بحار

ربیع الثانی

روز اول دعائی در اقبال دارد **روز دوم** قتل عبدالله ۲۹۶ ابن معتز عباسی صاحب قصیده مفاخرت آل عباس بر آل ابیطالب **روز سوم** وارد شدن حضرت عسکری علیه السلام بجرجان به طی الأرض **روز چهارم** ولادت حضرت عسکری علیه السلام بقولی ۲۳۲ **روز پنجم** وفات منتصر بالله بن متوکل ۲۴۸ و او مردی رؤف بر اهل بیت بود

روز ۳ وفات سید علی اکبر بن محمد بن دلدار علی هندی سنه ۱۳۲۶ از بزرگان علماء بوده روز ۲۷ وفات سید سراج الحسین صاحب عبقات الانوار ۱۲۸۲ و او صاحب تالیفات بسیار است (شهاب الدین الحسینی النجفی)

بود بر عکس پدرش روز ششم وفات ۱۲۵ هشام بن عبد الملک

مروان خبیث احول ممسک سفاک قاتل زید بن علی گویند منصور

دوانیقی حالات شبیه تباه و عماش بر طبق عمل او بوده وفات ۸۱۶

میر سید شریف فاضل معروف شارح مواقف و غیره روز نهم

ولادت حضرت حسن عسکری علیه السلام بقول جمعی از علماء ۲۳۲ و در سنه ۳۵۷

وفات امیر ابو فراس حمدانی صاحب قصیده شافیه در ظلم بنی عباس

و مظلومیت اهل بیت طاهره نقل است که چون آن قصیده را گفت و آنکه

در زمان تسلط و خلافت بنی عباس بود امر کرد لشکر را که شمشیرها را

بکشند پانصد شمشیر از غلاف و زیادتی او کشیده شد که مطلعش این است

وفی آل رسول الله مقتسم	الحق مهتضم والدین مخترم

و در سنه ۵۶۶ وفات مستنجد بالله خلیفه بنی دوم عباسی او همان است

که پیش از خلافت در خواب دید که ملکی فرود آمد و بدست و چهار

روز چهاردهم وفات ۱۳۱۳ سید علی محمد تاج العلماء هند صاحب تألیفات بسیار

روز ۲ وفات مستنصر عباسی معروف به ۶۴۱ روز ۳ وفات آخوند ملا علی نهاوندی صاحب

تشریح الاصول سنه ۱۳۲۲ روز ۶ وفات ۱۳۱۲ فاضل ایروانی از مشاهیر علماء نجف بوده شهاب الدین

نوشت معبّر گفت تعبیرش آنستکه خلافت بهر سد بتو در سنهٔ خمس وخمسین وخمسمائه وچنان شد که تعبیر کرده بود و در سنهٔ ۵۵۵ خلیفه شد و در سنهٔ ۶۱۶ وفات شیخ ابو البقاء عکبری و ابو البقاء با آنکه از آبله کور شده بود کتابها و شرح بسیار تألیف کرده که از جمله کتاب التبیان فی اعراب القرآن است معروف بترکیب ابو البقاء

شب نهم وفات ۲۹۱ قاسم بن عبید الله وزیر مکتفی **روز نهم**

وفات ۶۶۳ هلاکوخان **روز دهم** سنهٔ ۲۳۲ ولادت حضرت عسکری ع در سامره و روز شریفی است و مستحب است روزه آن **روز یازدهم**

وفات ۳۸۵ ابن سکرهٔ شاعر معاصر ابن حجاج **روز دوازدهم**

بلها از هجرت گذشته رکعات نماز زیاد شد **روز سیزدهم** وفات ۲۱۱

روز ۱۲ وفات محقق صاحب شرایع بقولی ۶۷۶ روز ۱۹ وفات ۱۲۹۵ مرحوم آقا سیّد صادق طباطبائی در طهران از اجلّه علماء بوده روز ۲۲ وفات ۲۹۱ موسی مبرقع پسر حضرت جواد ع در قم هلاک معتضد عباسی ۲۸۹ روز ۲۵ وفات ۶۴ معاویة بن یزید بن معاویه شب ۲۵ سنهٔ ۸۶۱ وفات میرزا بابر شاه در مشهد مقدس و در همانجا مدفون شد. (شهاب الدین الحسینی النجفی)

ابن هشام صاحب کتاب سیرهٔ نبویه و مقتل ابن الفرات وزیر مقتدر ۳۱۲

بالله **روز شانزدهم** وفات ۴۶۵ قشیری صوفی مؤلف رسالهٔ قشیریه

روز هفدهم وفات ۳۵۶ معز الدوله دیلمی امیر الامراء بغداد همان

کسیکه امر کرد بر دیوارهای مساجد بغداد و سایر عمارات لعن

معاویه و ظالمین آل محمد صلی الله علیه و آله را نوشتند و سیف الدوله

امیر حلب نیز اقتدا کرد باو در حلب **بیست و دوم** وفات ۲۸۹ معتضد

بالله خلیفهٔ شانزدهم عباسیه و او با علویین و آل ابیطالب علیهم السلام

مهربان بود بجهت آن خوابی که در خواب خود با امیرالمؤمنین علیه السلام

دیده بود **روز بیست و پنجم** وفات ۴۷۸ امام الحرمین استاد غزالی

در نیشابور گویند روز فوتش بازارها را بستند و منبر او را شکستند

و شاگردان او قریب چهارصد نفر بودند دوات و قلم خود را شکستند

روز ۲۲ وفات ۵۱۲ مستظهر عباسی وفات ۶۴۳ عز الدین بن نجار الازلی النحوی

ماه ربیع الثانی و او از بزرگان ادباء بوده وفات سید حیدر شاعر حلی

مشهور سنه ۱۳۰۴ روز ۶ وفات قاهر عباسی سنه ۳۳۹ وفات ابو فراس در ماه

جمادی الاولی بقولی (شهاب الدین الحسینی النجفی)

و یک سال کامل عزاداری نمودند روز سی ام وفات ۴۶۳ یوسف بن
ابن عبد البر شافعی صاحب کتاب استیعاب است

جمادی الاولی

روز اول بخواند دعای روز اقبال را روز دوم وفات ۴۲۲ علی بن هلال ره مهذب خط سبط روز چهارم وفات ۸۷۹ شیخ کمال حجی ستا
سبط روز پنجم خلع قاهر بالله ۳۲۲ روز نهم وفات ۴۱۶
ابو الحسن تهامی شاعر قصیده حکم المنیة فی البریة جار ما
هذه الدنیا بدار قرار و از جمله قصیده که در مرثیه پسر شاعر است
یا کوکباً ما کان اقصر عمره وکذاک عمر کواکب الاسحار
و در سنه ۱۸۶ استشهد الشیخ الامام استاد الفقهاء الاعلام دبیس
روز ۲۷ سنه ۹۸۴ جلوس شاه اسمعیل ثانی در چهل ستون قزوین بر سلطنت
روز ۲۸ سنه ۱۲۹۶ وفات آقای حاج ملا علی خلیلی طهرانی برادر اکرم مرحوم آقای
حاج میرزا حسین طهرانی و او صاحب کتاب دولابی در رجال و از مشایخ اجازه است
جمعه آخر ماه جمادی الاولی سنه ۲۰۷ وفات طاهر ذو الیمنین شهید و قتل شیخ
حسن مکاکی سنه ۱۲۲ (شهاب الدین الحسینی النجفی)

المذهب والملة ورأس المحققين جلة الجامع فی معارج السعادة
اقصی مدارج العلم وذروة الشهادة شیخنا الأعظم شمس الدین
محمد بن مکی الشهید الأول قدس سره قتل بالسیف ثم صلب ثم
رجم ثم احرق بالنار ببلدة دمشق **سی ام** سنه ۷۸۶ کتیبة شیروبه
کبیر را **روز دهم** خروج ابو السرایا در کوفه ۱۹۹ و وفات ۲۸۳ ابو
العیناء و امام بیهقی صاحب سنن ۴۵۸ و در سنه ۳۶ غزوهٔ جمل واقع شد
و زید بن صوحان و برادرش شهید شدند و طلحه را مروان و زبیر را
عمرو بن جرموز در وادی السباع بکشت ۳۳۴ **روز یازدهم** هشتگ
عماد الدوله بر بغداد و وفات ۳۸۴ رمانی نحوی و ولادت ۵۹۷ خواجه
نصیر طوسی **روز دوازدهم** اول ایام فی طریق سلام الله علیها و
قتل مصعب بن زبیر و ابراهیم ۷۲ اشتر بدست لشکر عبد الملک مروان **روز**
یازدهم سنه ۳۶ فتح بصره و ولادت حضرت علی بن الحسین علیهما السلام
و در سنه ۳۸ قتل و احراق محمد بن ابی بکر و در سنه ۹۶ وفات ولید بن عبد
الملک بانی مسجد اموی در شام **روز شانزدهم** وفات ۲۵۸
یحیی بن معاذ رازی واعظ و وفات ۳۳۸ عماد الدوله اول سلاطین آل

بویه مؤسس اساس سلطنت ایشان عدد ایشان پانزده و مدت
دولتشان صد و بیست و شش سال و بویه که پدر عماد الدوله باشد
از اهل دیلم و مردی فقیر و صیاد ماهی بوده است امیر المؤمنین
از ایشان خبر داده است بقوله و یخرج من دیلمان بنو الصیاد
الی ان قال ثم یستقوی امرهم حتی یملکوا الزوراء و یخلعوا
الخلفاء قال قائل یا امیر المؤمنین فکم مدتهم فقال مائة او
تزید قلیلا روز هفدهم وفات ۲۹۱ ثعلب نحوی روز
هجدهم وفات ۳۲۸ ابن عبد ربه اندلسی صاحب کتاب عقد الفرید روز
نوزدهم ... شهادت زید بن صوحان ۳۶ و شهید ... علیهما الرضوان
روز بیست و یکم وفات ۶۱۰ مطرزی شارح مقامات روز بیست و
پنجم وفات ۶۴ معاویة بن یزید مدت چهل روز بعد از پدر خلافت کرد

این صد سال مدت ایام قوت سلطنت ایشان بوده

جمعه غره جمادی الاولی وفات مرحوم حاج میرزا محمود شبیری عراقی صاحب کتاب دار
السلام سنه ۱۳۰۸ در طهران وفات حاج میرزا ابو القاسم طباطبا خطیب ...
سنه ۱۳۰۹ در کاظمین و او از اجله علماء کربلا بود وفات ۱۰۳۸ شاه عباس کبیر در اصفهان

که خود را از خلافت خلع کرد و سبب از شیخ بن فهد نماشتند در
مقالات چیزی نگاشته و شیخ بهائی فرموده که بجهة خوف از خدا و
دانستن آنکه شایسته خلافت نیست خود را خلع کرد و فرموده که
روایت شده که چون خود را خلع کرد مادرش باوی گفت کاش خون
حیض میشدی و بوجود نمیآمدی گفت کاش چنین بودم و نمیدانستم
که خدا را بهشت و دوزخی است و بعض مورخین گفته اند که قوله تعالی
یخرج الحی من المیت شامل است بر جواز او **روز سیم** وفات ۴۳۲
شیخ ابو العباس مستغفری نسفی سمرقندی صاحب کتاب طب النبی و خواجه
نصیر الدین در آداب المتعلمین در باب ارجاع بان فرموده ان

رساله دو جلد **جمادی الاخرة** جمادی هم بجا است

روز اول در این روز دعائی و در این ماه چهار رکعت نماز بکیفیت

سنه ۹ اوائل ماه شاه عباس کبیر صفوی پیاده عازم ارض اقدس
شد روز چهارم سنه ۱۰۳۸ جلوس شاه صفی صفوی در اصفهان

روز نهم وفات ملا مهدی هرندی سنه ۱۱۸۰ در اصفهان و او از مشایخ
اجازه است.

مخصوص با فضیلت بسیار وارد شده **شب سوم** وفات ۱۹۳
هرون رشید در طوس **روز سوم** سنه ۱۱ شهادت بنت النبی
حضرت زهراء سلام الله علیها و چون برحسب وصیت آن مظلومه
جنازه اش را دفن کردند لهذا در قبر شریفش اختلاف است
و این باعث غصه شده در دل شیعیان وَلِأَیِّ الأُمُورِ تُدْفَنُ
سِرًّا بِضْعَةُ المُصْطَفَى وَیُعْفَی ثَرَاهَا شایسته است که شیعیان در
مصیبت مظلومه محزون باشند و بظالمین او نفرین نمایند
شیعه و سنی روایت کرده اند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود
فاطمه پاره تن من است هر که او را شاد دارد مرا شاد گردانیده است
و هر که او را آزرده کند مرا آزرده کرده و فاطمه عزیزترین مردم است
نزد من و در سنه ۲۱۱ وفات ابو العتاهیه شاعر **روز پنجم** وفات ۴۰۲
بهاء الدوله بن عضد الدوله دیلمی و مهیار دیلمی ۴۲۸ شاعر و مولای
رومی صاحب مثنوی **روز ششم** وفات ۳۸۶ ابو طالب مکی صاحب
قوت القلوب **روز هفتم** سنه ۱۳ اول مرض ابو بکر **شب نهم**
وفات ۱۱۳۵ ملا عبد الله سماهیجی جامع صحیفه علویه **روز دهم**

وفات ٦٤٠ مستنصر بالله خلیفه سی و ششم عباسی پدر مستعصم
روز یازدهم وفات ٣٩٨ بدیع الزمان همدانی امامی مبدع
مقامات گویند سکته کرد بگمان آنکه مرده است ورا دفن
کردند در قبر بهوش آمد دست خود را بر ریش خود گرفته از
هول قبر وفات کرده بود روز دوازدهم وفات ٦٤٣
علم الدین سخاوی شارح شاطبیه روز چهاردهم وفات ٥٠٥
ابوحامد غزالی صاحب احیاء العلوم روز یازدهم سنه ٧٣
قتل عبدالله زبیر حجاج ثقفی در مکه او را کشت و سرش را
برای عبدالملک مروان فرستاد و بدنش را واژگونه بدار
کشید مدت یک سال بر دار بود و مرغ در سینه‌اش آشیانه
کرده بود و ابن زبیر مردی بخیل و لئیم و عرابی بود و بدخلق و
حسود و با امیرالمؤمنین دشمن بود بجای که گاهی در خطبه‌های
خود سبّ آنحضرت میکرد وَکَانَ فِی ذٰلِكَ شَبِیهًا بِالْخَالِدِ وَ
نَاسِیًا عَنْ کَلَالَةٍ وَقَدْ اَخْبَرَ اَمِیرُالْمُؤْمِنِینَ عَلَیْهِ السَّلَامُ
عَنْ عَاقِبَتِهِ بِقَوْلِهِ خَبٌّ ضَبٌّ یَرُومُ اَمْرًا وَلَا یُدْرِکُهُ یَنْصِبُ

حِبالَةَ الّذینَ لاِصطِیادِ الدُّنیا وَهُوَ بَعدُ مصلوبٌ فی رِیش

روز هجدهم سنه ۱۲۸۱ وفات شیخ اجل اعظم اعلم رئیس

العلماء والمجتهدین شیخ الطایفه حاج شیخ مرتضی انصاری

نوّر الله مرقده در تاریخ آن جناب گفته شده سال عمر شیخ

وتاریخ وفاتش شصت هفت شب نوزدهم ۱۲۸۱ ابتدای حمل آمنه

برسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم روز نوزدهم

وفات سنه ۳۱۱ زجاج نحوی روز بیستم سال پنجم از بعثت ولادت

سیّدة النساء فاطمه زهراء علیها سلام ودر این روز شریف

روزه وخیرات صدقات وزیارت آن مظلومه مناسب است

ودر سنه ۳۶۷ وفات قاضی ابوبکر بغدادی معروف بابن قریعه

صاحب اشعار یا مَن یُسائِلُ دائباً عَن کُلِّ مُعضِلَةٍ سَخیفَةٍ

روز بیست ودوم سنه ۱۳ وفات ابوبکر بدانکه از آل تیم بن

روز ۱۵ هلاکت ولید بن عبدالملک اموی سنه ۹۶ روز ۱۸ سنه ۱۲۷۲ وفات آقا

محمد مهدی پسر حاج کلباسی از اجلّهٔ علماء اصفهان بود روز ۱۹ سنه ۱۲۵۰ وفات

فتحعلیشاه قاجار در اصفهان جسدش حمل بقم شد (شهاب الدین الحسینی النجفی

مرّه است که از برای ایشان شرف و دو شبه نیست بتصدیق تواتع
ایشان در تواریخ مسطور است که بعد از واقعهٔ جمل مردی مسعود
نام در میان کشته گان عبور میداد مردی را دید که گاهی سر بر میداشت
و گاهی فرو میگذاشت و هر دو دستش را با تیغ قطع کرده بودند و خون میخواند

لَقَدْ اَوْرَدَتْنَا حَوْمَةُ الْمَوْتِ اُمُّنَا	فَلَمْ نَنْصَرِفْ اِلَّا وَنَحْنُ رِوَاءُ
اَطَعْنَا بَنِي تَيْمٍ لِشِقْوَةِ جِدِّنَا	فَمَا نَيْمُ اِلَّا اَعْبُدٌ وَاِمَاءُ

مسعود نزدیک او شد و گفت ای مرد در وقت مردن این شعر حبیب که
میخوانی بگو لا اله الا الله آن مرد در غضب شد و گفت ای پسر زانیه
هنگام مرگ مرا امر بجزع میکنی مسعود تعجب کرده خواست بگذرد
که او را فریاد کرد که نزدیک من بیا و کلمهٔ شهاده مرا بیاموز
مسعود فریفته شد و نزدیک شد که او را کلمه تلقین کند که آن
مرد سر برآورده گوش مسعود را بدندان گرفت و چنان فشار
داد که از بیخ کنده شد آنگاه او را گفت چون نزدیک مادرت
میروی و از تو پرسش میکند که کی این کار را با تو کرد بگو عمیر بن
الاهلب الضبی که فریب زنی را خورد که میخواست امیر المؤمنین

بشود مسعود تیغ بر کشید و اورا پاره پاره کرد و غرض از نقل این واقعه استشهاد بمصرع اخر بود و ابن ابی الحدید نیز در مدح امیرالمؤمنین علیه الصلوة والسلام گفته

فتیً لم تعرق فیه تیم بن مرة	ولا عبد اللات الخبیثة اعصر

روز بیست و دوم ماه وفات ۶۷۶ شیخنا الأعظم ومولانا المعظم شیخ الطائفة بغیر جاحد و واحد هذه الفرقة و ای واحد الامام السعید ابو القاسم نجم الدین الحلی معروف بمحقق اول قبر شریفش در حله است تاریخ وفاتش زبدة المحققین رحمه الله ثلث و ستین

پنجم وفات ۷۷۱ استاد الفقهاء والمحدثین فخر الاسلام و المسلمین فخر المحققین ابوطالب محمد نجل جناب آیة الله العلامة

وارد شده که در مجلسی ذکر بنی تیم بن مرة و نزد الث و کم شأن ایشان شد یکی از شیوخ شیعه بجهت اثبات این مطلب استشهاد باین شعر نمود ویقضی الامر حین تغیب تیم ولا یستأذنون وهم شهود وانک لو رایت عبید تیم وتیما قلت ایهم العبید ابو العباس هبة الله المنجم شروع کرد باز شیخ ما اعرف باشعار العرب این شعر در حق تیم بن مرة است یا در حق (بقیه در صفحه آتی)

رفع الله فی الخلد مقامه **بیست و هفتم** وفات شیخنا
الاجلّ علامة عصره و واحد دهره خاتم الفقهاء و المحدّثین
جناب حاجی میرزا حسین نوری قدّس الله تربته و جمعنی و ایّاه
فی مستقرّ رحمته قبر شریفش در صحن نجف در ایوان سوم دست
راست از کسی است که از در قبله وارد میشود **روز بیست و**
هفتم سنه ۲۵۴ وفات امام علی نقی علیه السلام قاتل آنحضرت معتز
بالله و در مصیبت آنحضرت امام گریبان چاک زد و آنجناب را
دفن نمود در حجره که محلّ عبادت آنحضرت بود و در سنه ۳۹۱ وفات
بحر مواج و سراج وهاج حسین بن حجّاج شاعر امامی صاحب
قصیده یا صاحب القبّة البیضاء علی النجف **روز بیست و**
هشتم وفات ناطبی ۱۲۶ **روز بیست و نهم** وفات

(بقیه از صفحه قبل) تیم بن الرباب اند و مضاحکه کفت خوب است که دو او بن عرب را بهن
کنی جناب شیخ مفید ره که در آن مجلس حاضر بود با ابو العباس فرمود که تو انصاف
نکردی در احتجاج با ابن شیخ و لکن ما بین ما و تو سیر تاریخ میباشد پس فرمود
هر که رجوع کند بجد بن جبل و جریر بصیرت شک نمیکند در شعر عمر بن الهلب ضبی که
و متمثّل خود میخواند لقد اوردنا الخ و بهذا رجل من ابناء رعایته و من
سفلة من بنی لابیتها یقول هذا القول فی تبیلها منه ره

ولید بن یزید ملحد بدکیش پلید همان کسیکه قران را پاره کرد
و با منکوحه های پدرش وطی میکرد و برکه از شراب درست کرده
بود و خود را دران میافکند چندان میآشامید که اثر نقص در
برکه ظاهر میگشت **روز سی ام** و بقولی غره رجب وفات ۱۹۸
سفیان بن عیینه و او غیر از سفیان ثوریست لکن هم مشرب و هم
مذاق اند با هم و از اصحاب ما نیستند و وفات ۵۰۱ سیف الدوله
صدقة بن منصور اسدی امامی امیر بغداد بانی حله سیفیه که خبر
امیر المؤمنین علیه السلام در مسافرت صفین باصبغ بن نباته از آن خبر داده

رجب المرجب

ماه بسیار شریف و در جاهلیت محترم و معظم بوده و روزه اینما

روز ۲۲ سنه ۱۲۶ بقولی هلاکت ولید بن یزید بن عبد الملک اموی روز ۲۹
سنه ۱۲۹۱ وفات سید بنده حسین خلف سید دلدار علی هندی در لکهنو و او
صاحب تالیفات بسیار است و بقولی هلاکت ولید بن یزید بن عبد الملک اموی
وفات سنه ۱۲۶ سید قم نسابه الرضا من بشد قم نسابه مشهور ۱۰۳۶ در نجف و او صاحب
کتب نفیسه در علم نسب میباشد روز ۲۹ وفات آقا سید ریحان الله خلف
مرحوم آقا سید جعفر کشفی ۱۳۲۰ یا ۱۳۲۲ در طهران و حمل بقم شد (شهاب الدین)

خصوص طرفین و وسط آن فضیلت بسیار دارد و دعاهای بسیار
برای روزهای آن رسیده است و مستحب است در اینماه هزار مرتبه
لا اله الا الله و ده هزار مرتبه توحید یا هزار مرتبه یا صد مرتبه
و ایضاً در یک روز جمعه اینماه صد مرتبه توحید در جمیع ماه
هزار مرتبه استغفر الله ذا الجلال و الاکرام من جمیع الذنوب و
الاثام و در هر شب دو رکعت نمازی وارد است که در وقایع الایام
ذکر کردم و بدانکه در شهر یک از ماه رجب شعبان و رمضان شبهی
است بسیار شریف با اعمال بسیار و در رجب لیلة الرغائب است
که شب جمعه اول ماه باشد و در شعبان لیلة البرات و لیلة الرحمة
و المبارکه است که شب نیمه آن باشد و در ماه رمضان شب قدر
است که از تمامی شبها بالاتر و افضل است شب اول سنت است
غسل و زیارت امام حسین علیه السلام و احیای آن بدعا و تلاوت
قرآن و نماز بخواند در وقت رویت هلال دعای هلال را و بعد
از نماز مغرب بیست رکعت نماز بخواند بحمد و توحید و بعد از نماز
عشا دعای جوادیه و بعد از نمازهای شب بعد از وتر دعای

موسوی را بخوانند **روز اوّل** یعنی بیست که حضرت نوح علیه السّلام
بکشتی سوار شد و امر کرد کسانی را که با وی بودند روزه بدارند
و مستحبّ است روزه در این روز و غسل و زیارت امام حسین علیه السّلام
و ده رکعت نماز سلمان در هر رکعت بعد از حمد سه مرتبه توحید
و سه مرتبه قل یا ایّها الکافرون و بعد از سلام دستها را به
آسمان بلند کند و دعائی را بخواند پس بر روی خود کشد و در این روز
ولادت ۵۷ حضرت باقر علیه السّلام بنا بر روایتی و در سنه ۱۱۰ وفات
حسن بصری مردم در حق و مختلفند اکثر او را منحرف از امیر المؤمنین
علیه السّلام میدانند گویند مادرش خیره کنیز امّ سلمه بود و گاهی
حسن شیر از پستان امّ سلمه نوشیده لهذا از برکت پستان او حکمت و
فصاحت لسان نصیب او شد و در شب وفات حسن ابو عبیده بصری
متولّد شده و او اوّل کسی است که غریب الحدیث تصنیف نموده
روز دوّم بروایت ابن عیّاش ولایت حضرت هادی علیه السّلام
و در روز سوم وفات ۲۵۴ آنجناب بنا بر روایتی **روز پنجم** وفات
۲۴۴ ابن السکّیت نحوی مؤدب ولاد متوکّل روز سه متوکّل او را

که دو پسر من معتز و مؤید نزد تو بهتر است یا حسن و حسین ابن السکیت جواب داد قنبر غلام علی بهتر است از تو و دو پسر تو متوکل امر کرد که زبانش را از قفایش بیرون کشیدند **روز ششم** بقولی وفات حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام و در ۵۱۶ سنه وفات حریری صاحب مقامات **روز ششم** ولادت ۱۰۳۳ شیخنا المحدث الاجل شیخ حر عاملی جامع کتاب وسائل **روز دهم** ولادت حضرت جواد علیه السلام و والده اش جناب ام ولدی بوده نوبیه از اهل بیت ماریه قبطیه و افضل زنها بوده و حضرت رسول صلی الله علیه و آله اشاره باو فرموده بقوله بابی ابن خیرة الاماء النوبیة الطیبة و بعضی از روایات در فضیلت خصوص روز دهم وارد شده **روز دوازدهم** وفات ۳۶۲ ابو الفضل عباس عموی رسول خدا صلی الله علیه و آله و او مردی صاحب جمال و سفید اندام و بلند بالا و رفیع الصوت بود چنانچه از یک فرسنگ و بیشتر آواز او شنیده میشد و او یکی از ده نفر معروفین بطول قامت است و یقال انه یقبل

المدینة فی هو دجها قبرش با قبور ائمه بقیع دیلک بقعه است[1]
شب سیزدهم دو رکعت نماز گذارد و در هر رکعت حمد و یس
و تبارک و توحید بخواند و در شب چهاردهم چهار رکعت همین
کیفیت و در شب پانزدهم شش رکعت بهمین طریق و در ماه شعبان
و رمضان نیز این عمل را بجا آورد تا جمیع فضیلت این سه ماه را
دریابد و گناهانش آمرزیده شود **روز سیزدهم** اول ایام
البیض است و روزهٔ این ایام فضیلت دارد و کسی که عمل ام داود را
بجا میآورد از امروز روزه میگیرد و در این روز متولد شده
حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در میان خانهٔ خدا و این فضیلت
از خصایص آن حضرت است که احدی با او شرکت نکرده

---

[1] فعلاً آن بقعه را خراب کرده اند روز ۸ وفات سلطان عثمان خان ثانی از سلاطین آل عثمان ۱۰۳۱ هلاکت مامون ۲۱۸ بقولی روز ۱۱ بامر شاه سلطان حسین صفوی ۱۱۳۲ در اصفهان مجلسی از علمای شیعه تشکیل شد جهت تعیین یوم ولادت امیر المؤمنین علیه السلام که از بزرگان این مجلس هشتاد نفر بوده اند پس از مباحثه اکثر علماء از قبیل آقا جمال خوانساری و غیره سیزدهم رجب را اختیار نمودند تفاضل هفتم شعبان و عده چهاردهم رمضان و قلیلی هفتم ذیحجه سلطان امر بجشن و شمع سیزدهم داد

هذه من علاه احد المعالی	و علی هذه فقس ما سواها
ای سنائی بقوت ایمان	مدح حیدر بگو پس از عثمان
با مدیحش مدایح مطلق	زهق الباطل است و جاء الحق
در پس پرده هر چه بود آمد	اسد الله در وجود آمد
ما الف فی خزائن القوائل مثله	الا ابن امنة النبی محمد

شب پانزدهم شب شریفی است غسل و احیاء و زیارت امام حسین علیه السلام و نمازهای بسیار در آن وارد است روز پانزدهم غسل و زیارت امام حسین علیه السلام بکند و ده رکعت نماز سلمان و عمل ام داود بجا آورد و چهار رکعت نمازی در این روز وارد است و در چنین روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله از شعب بیرون آمد و در این روز در ماه پنجم هجری عقد بست حضرت فاطمه علیها سلام را برای امیر المؤمنین علیه السلام و در سنه ۲ تحویل قبله شد از بیت المقدس بسوی کعبه و در سنه ۶۰ معاویه بر هند آکلة الاکباد صاحب سلسله و مخصوص بکلمه لا اشبع الله بطنه و در این روز

بقولی شهادت ۱۴۸ حضرت صادق علیه السلام بسبب زهری که منصور
به آنجناب خورانید. روز هفدهم شهادت ۲۰۳ مأمون در
طوس روز هجدهم وفات ابراهیم پسر رسول خدا صلی الله
علیه و آله و در سنه ۲۷۹ وفات معتمد بالله خلیفه پانزدهم عباسی
قاتل حضرت عسکری علیه السلام روز نوزدهم وفات ۹۳۰
مروج مذهب جعفری شاه اسمعیل موسوی اول سلاطین
صفویه تاریخ وفاتش (طاب مضجعه) و ابتداء سلطنتش
(مذهبنا حق) بفارسی شمشیر ائمه گویند که یکی از مخالفین
بشیخ اجل محقق کرکی گفت دلیل بطلان مذهب شما آنکه
ابتداء ترویج آن سنه ۹۰۶ بوده و آن مطابق است با عدد مذهبنا حق

روز ۱۲ وفات ۱۲۲۸ شیخ جعفر کبیر صاحب کشف الغطاء در نجف اشرف

روز ۱۳ شهادت ۱۳۲۷ مرحوم حاج شیخ فضل الله نوری در طهران روز ۱۴

وفات ۴۲۳ طاهر عباسی بقولی روز ۱۷ سنه ۸۲۵ بابرشاه پسر بایسنقر

روز ۱۹ وفات ۲۷۹ معتمد عباسی بقولی جلوس ۹۳۰ شاه طهماسب صفوی اول

روز ۲۱ وفات ۱۳۲۶ آقا سید محمد آل بحر العلوم صاحب کتاب بلغة الفقیه در نجف

شیخ فرمود زبان ما عربی است فارسی مگو تا مذهب ما حق شود **روز بیست و یکم** وفات حضرت فاطمه علیها سلام بقول ابن عباس **روز بیست و سوم** زخم زدن جراح بن سنان اسدی در ساباط مداین ران حضرت امام حسن علیه السلام را **روز بیست و چهارم** واقع شد فتح خیبر و قتل مرحب بدست معجز نمای اسد الله الغالب علی بن ابیطالب علیه السلام ابن ابی الحدید در یکی از قصاید خود در مدح امیر المؤمنین علیه السلام در این معنی میگوید

یا قالع الباب الّتی عن هزّها	عجزت اکفّ اربعون و اربع

و در سنه ۱۰۱ وفات عمر بن عبد العزیز معروف باشج بنی امیه و اعدل بنی مروان و آن کسی که رد کرد فدک را و برداشت سب امیر المؤمنین علیه السلام را **روز بیست و پنجم** شهادت ۱۸۳ حضرت موسی بن

روز ۱۹ وفات ۱۲۳۵ محیی مذهب جعفری در بلاد هندوستان آقا سید دلدار علی هندی صاحب عماد الاسلام در کلام و او از تلامیذ سید بحر العلوم معاصر بوده ایشان

بوده روز ۲۳ وفات ۱۲۹۹ آقای حاج سید حسین کوه کمری تبریزی از اجله تلامذه شیخ انصاری و استاد مرحوم مامقانی بوده (شهاب الدین الحسینی

جعفر علیهما السلام در کتاب فرق نوبختی روایتی است که آنحضرت
با میتهائی که با او بود دفن کردند بجهت آنکه آنحضرت
وصیت بآن کرده بود و در روزه این روز کفارهٔ دویست سال
وارد شده و در سنه ۲۶۱ وفات مسلم بن حجاج نیشابوری صاحب
کتاب صحیح **روز بیست و ششم** وفات سید بطحاء حضرت
ابوطالب پدر امیرالمؤمنین علیه السلام در مرثیه پدر فرموده

اَبَاطَالِبٍ عِصْمَةُ الْمُسْتَجِیرِ	وَغَیْثُ الْمُحُولِ وَنُورُ الظُّلَمِ
لَقَدْ هَدَّ فَقْدُکَ اَهْلَ الْحِفَاظِ	وَقَدْ کُنْتَ لِلْمُصْطَفیٰ خَیْرَ عَمٍّ

و در سنه ۶۸۱ وفات ابن خلکان شافعی صاحب تاریخ معروف
شب بیست و هفتم شب مبعث است و جهت آن روز برای مردم

روز ۲۶ وفات ۱۳۳۱ استاد آقا سید رضا نسابه بحرانی صاحب تالیفات مفیده
در علم نسب روز ۲۷ وفات ۱۳۳۶ شیخ ابو المعالی مشهور بابی السعود
صاحب تالیفات از آنجمله الدرة الثمین فی احکام الدین روز ۲۸
وفات ۱۳۳۷ مرحوم آقا سید محمد کاظم طباطبائی یزدی مشهور که ریاست امامیه
در عصر خود بآن وجود شریف منتقل شد شهاب الدین الحسینی

از پس آفتاب بر آن بپا بدعبادت و از اجر شصت سال دارد و غسل
و زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام و دعا اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ بِالنَّجْلِ
الْاَعْظَمِ و دوازده رکعت نماز مخصوص در آن وارد است و در
این شب و یا شب بعد سنه ۶۰ ولید بن عتبه حاکم مدینه امام حسین
علیه السلام را بمنزل خود طلبیده و خبر مرگ معاویه و خلافت
یزید را بگفت و خواست تا از آنحضرت بیعت گیرد آنحضرت از بیعت
سر بتافت و شب دیگر با اهل بیت خود بمکه شتافت **روز**
بیست و هفتم روز مبعث و عید بزرگ است و غسل روزه
و کثرت صلوات فرستادن و زیارت نبی و وصی علیهما السلام
و دوازده رکعت نماز و دعای اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ بِالنَّجْلِ الْاَعْظَمِ

سنه ۱۱۳۲ در ماه رجب شاه سلطان حسین صفوی در اصفهان آقا جمال خونساری و میر
محمد باقر خاتون آبادی را معین نمود بجهت تدریس مدرسه چهار باغ و تقسیم حجرات بین
طلاب اوایل ماه شعبان ۸۲۱ میرزا شاهرخ بزیارت روضه رضویه مشرف شد
و قندیل طلائی که وزنش هزار مثقال بود در وسط گنبد بیاویخت و مزارع
و موقوفات بسیار برای آستانه و فقراء برقرار نمود (شهاب الدین الحسینی)

در آن سنه است وفات امام موسی علیه السلام را در این روز بجانب بغداد حرکت دادند و آنحضرت ابتدعا را خواندند یا من امر بالعفو والتجاوز الخ و ابتدعا از منقول در عمده رجب است **روز سیم** غسل و روزه و نماز سلمان را از داشت و در سنه ۲۰۴ وفات محمد بن ادریس شافعی در مصر و یکی از ائمه اربعه اهل سنت است و ولادت در روز وفات ۱۵۰ ابو حنیفه واقع شد و اشعار لطیفه دارد و از اشعار او است

یقولون اسباب الفراغ ثلثة	ورابعها خلوه وهو خیارها
وقد ذکروا الا وامنا وصحة	ولم یعلموا ان الشباب مدارها

شعبان المعظم

این ماه بسیار شریف و منسوب برسول خدا صلی الله علیه و آله است و روزه اش فضیلت بسیار دارد خصوص دوشنبه و پنجشنبه آن و بطرزین

در ۷ رجب وفات شیخ علی خود از شعرای مشهور قرن اخیر عراق عرب که صاحب قصاید نفیسه است وفات ۱۱۳۵ آقا میرزا محمد صادق زاده سلطان العلماء السید حسین الحسینی المرعشی صاحب حواشی مشهوره بر شرح شرح لمعه و معالم و میرزا محمد صادق از تلامذه علامه مجلسی است در ۱۰۶۴ وفات خود سلطان العلماء سید حسین مشهور بخلیفه سلطان الحسینی داماد شاه عباس کبیر صاحب مقامات جلیله و تألیفات نفیسه بوده قبرش در نجف اشرف است

دعاها و اذکار در این ماه استغفار است و مستحب است در هر روز آن
هفتاد مرتبه اَستَغفِرُ اللهَ الَّذی لا اِلهَ اِلّا هُوَ الرَّحمنُ الرَّحیمُ وَ اَتوبُ اِلَیه
و در هر روز وقت زوال و در شب نیمه آن اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ
شَجَرَةِ النُّبُوَّةِ الخ و در مجموع ماه هزار مرتبه لا اِلهَ اِلّا اللهُ وَ لا
نَعبُدُ اِلّا اِیّاهُ مُخلِصینَ لَهُ الدّینَ وَ لَو کَرِهَ المُشرِکونَ و بهترین
اعمال در این ماه تصدق و طلب آمرزش است پس تصدق کند اگر چه
بنصف دانه خرما باشد صلوات بسیار بفرستد و از شب جمعه آخر ماه
تا بقیه ماه بسیار بگوید اَللّهُمَّ اِن لَم تَکُن غَفَرتَ لَنا فیما مَضی
مِن شَعبانَ فَاغفِر لَنا فیما بَقِیَ مِنهُ **شب اول** چون هلال از دیده
بخواند دعای هلال را و هفت مرتبه حمد را و اینها در زمان پیغمبر
صلی الله علیه و آله که چون هلال این ماه طلوع میکرد منادی از
جانب آنحضرت ندا میکرد که ای اهل مدینه من رسولم از جانب رسول
خدا صلی الله علیه و آله بسوی شما و میفرماید که شعبان ماه من است
خدا رحمت کند کسی را که یاری کند مرا بر ماه من یعنی روزه بدارد
و از برای این شب نمازهائی وارد شده است **روز اول** هر که

روزه بگیرد وارد شده که واجب شود و البته البته و در سنه ۳۱۷
وفات کعبی در سنه ۱۲۶۶ وفات شیخ الفقهاء و مربی العلماء البحر الزاخر
الشیخ محمد حسن صاحب کتاب الجواهر الذی لم یصنف مثله ولله دره
روز دوم فرض شده روزه ماه رمضان و بقتل رسید در ۲۰۲ فضل
ابن سهل ذو الریاستین و معتز بالله عباسی در ۲۵۵ فی ناخهم بهمادی
مقتول شد ۳۹۵ خواجه عبدالله انصاری صاحب مناجات عمرش صد
سال و در سنه ۴۸۱ وفات کرده قبرش در گازرگاه هرات نزدیک در بنای در
جوار حضرت سلمان است **روز سوم** ولادت با سعادت حضرت امام
حسین علیه السلام و روزه و دعای اللهم انی اسئلک بحق المولود
فی هذا الیوم و دعای اللهم انت متعالی المکان که آخر دعای
امام حسین ع است در روز عاشورا در این روز وارد است و در سنه ۶۰
امام حسین ع وارد مکه معظمه شد و توقف فرمود تا روز ترویه که بعراق
حرکت فرمود **روز چهارم** وفات شیخ عارف ابو سعید ابی الخیر و قتل ۶۸۳
صاحب دیوان شمس الدین جوینی امامی وزیر هلاکوخان و در سنه ۶۹۴
اسلام آوردن سلطان غازان و اسلام آوردن صد هزار از عساکر

وغیره بتتبع و وامر کردن او بشکستن بتها و تخریب بتکده‌ها **روز**
پنجم بنا بر قولی ولادت امام حسین شهید علیه السلام و ولادت علی
بن الحسین علیهما السلام نیز بقول شهید. **روز ششم** وفات ۵۷۴
بعض بحمص شام **روز هفتم** بنا بروایتی ولادت امیرالمؤمنین
علیه السلام **روز نهم** وفات ۴۸۱ ابن برّاج قاضی طرابلس شاگرد سیّد
و شیخ ملقب بحافی علّامهٔ بحرالعلوم فرموده والخاتم للجزاء دون
الاخفاء وسنّ فی قضائه الخافی الخفا ودر سنه ۱۰۳۹ سیلی عظیم
بمکه آمد که چهار هزار و دو نفر غرق شده و نصف خانهٔ کعبه منهدم
گشت و در وقت بناء خانه سیّد جلیل عالم شهید قاضی سیّد زین العابدین
کاشی مجاور بمکهٔ معظمه ملّا محمد امین استرابادی اساس آن را بلند
نمود و سیّد در این باب کتابی نوشته موسوم بمفرحة الانام فی تأسیس
بیت الله الحرام **روز دهم** وفات ۷۵۴ پسر خواهر علّامه سیّد عمید
الدین و او غیر از عمید الرؤساء راوی صحیفهٔ سجادیه است **روز**
یازدهم وفات ۷۷۶ ابن الصّائغ حنفی شارح الفیه و قصیدهٔ برده
و وفات ۱۱۷۳ ملّا اسمعیل خواجوئی شارح مدارک و غیره **شب یازدهم**

شب بسیار مبارکی است و بعد از شب قدر افضل شبها است و شب
نزول رحمت و مغفرت گناهان و شب ولادت امام زمان عجّل الله فرجه
است و در این شب بجا آورد غسل و احیاء و زیارت امام حسین ع
و دعاهای وارده در آن که از جمله دعای کمیل است و هر یک
از سُبحانَ اللهِ وَالحَمدُ للهِ وَاللهُ اکبَرُ وَلا اِلهَ اِلّا اللهُ صد مرتبه
بگوید که سبب آمرزش گناهان و برآمدن حاجات است و نمازهای
بسیار در این شب وارد است از جمله نماز جعفر ع و از جمله چهار رکعت
نمازی است که سی نفر از اصحاب حضرت صادق علیه السلام از آنجناب
روایت کرده اند در هر رکعت بعد از حمد صد مرتبه توحید و بعد از
نماز بخواند اَللّهُمَّ اِنّی اِلَیکَ فَقیرٌ الخ و اگر در هر رکعت پنجاه مرتبه

روز ۱۴ شعبان ۱۳۱۶ وفات قاضی سید علی مشهور به سید الاطباء تبریزی از علمای بزرگ و ادب
و طب رساله قانون العلاج و غیره در تبریز و حمل بنجف اشرف شد روز ۱۳ هـ ق ۱۲۶۰ کرّ
قائم عباسیه بقول ۲۶۱ وفات ۱۳۱۵ سید جعفر حلی شاعر معروف از شعراء قرن اخیر
عراق عرب محبوب بوده و صاحب این دو بیت است خطاب بفاضل شربیانی است
اَشَیخَ الکُلِّ دَرسُکَ قَد نَراهُ تَعَلَّقَ بِالبَراءَةِ وَالاِحتیاطِ وَهذا فَضلُ
دُوّارٍ وَنَوطٍ عَلَیکَ بِحَثِّ تَنقیحِ المَناطِ روز ۱۵ میلاد ۱۲۸۱ سید محمد آل بحر
خواهرزاده علامه حلی ره

توحید بخواند نیز خوب است و عمل شده بروایت دیگران که مطابق است
با نماز امیر المؤمنین علیه السلام **روز پانزدهم** ولادت با سعادت
امام زمان حضرت حجة بن الحسن صلوات الله علیه واقع شده و باعث
شرافت شب و روز نیمه شعبان گشته فهو کنورٍ ذرّ فوق نورٍ و عام
ولادته یوافق لفظة نور و در سنه ۳۲۹ وفات شیخ جلیل معظم ابو الحسن
علی بن محمد سیمری آخر نواب اربعه قبر شریفش در بغداد نزدیک
قبر شیخ کلینی است و سال وفاتش که سال تناثر نجوم بود ابتدای
غیبت کبری شد و تا این زمان هزار سال و کسری است که امام
زمان از انظار مردم محجوب و پنهانست و شیعیان شب و روز منتظر
ظهور آن نور عالمتاب میباشند امید است که شب طولانی ما به آخر

روز ۱۵ سنه ۱۲۲۴ میلاد سید حیدر حلی شاعر مشهور وفات ۳۰۳ وفات نسائی از
محدثین عامه در ماه شعبان سنه ۳۰۲ بقولی در ماه شعبان وفات ابن اثیر
صاحب تاریخ در موصل سنه ۱۳۳۹ ماه شعبان وفات آقای سید صدر اصفهانی که در مرجع
تقلید شیعه در قرن اخیر بودند قبرش در کاظمین روز ۱۳ وفات ۱۳۳۲ مرحوم
آقا نجفی اصفهانی مسجد شاهی که از بزرگان و مروجین دین در بلاد ایران
بودند و آثار و ترویجات علمیه ایشان رایج امصار و دائر اعصار است
قبرش در اصفهان جنب امامزاده احمد است

رسیده باشد وطلوع فجر کرده فرج مادر آنست نزد واب باشد

فقد طال الانتظار وتم بنا النجار روز [illegible] ۱۲۴۱ ماه شعبان

وفات شیخ موسی خلف شیخ جعفر کاشف الغطاء در همان وحیان در نجف

اشرف شد وابن همان کسی است که پدر بزرگوارش در حق او فرمود

لم یزل الفقه علی مدار ما لم ینشأ حد الا لشهید الاول و

انا وولدی موسی روز پنجشنبه وفات ۱۳۲۱ ابو هاشم

جبائی وفاضل ادیب ابن درید شیعی صاحب جمهره وچون وفات

هر دو در یک روز واقع شد مردم گفتند مات علم اللغة والکلام

بموت ابن درید وابی هاشم نظیر وفات کثیر عزة وعکرمه مولی ابن

عباس در یک روز که مردم گفتند مات اشعر الناس وافقه الناس

جبا بضم ثم بالتشدید والقصر کوره من عمل خوزستان وخوزستان اسم لجمیع

بلاد الخوز وهو نواحی اهواز بین فارس وواسط البصرة منه ۳۰۳ دون

سنه وفات شاه مظفر سلطان بلاد فارس وعراق عجم وفات ۱۳۱۲ آیة الله

فی الانام المنتهی الیه ریاسة الشیعة آقای حاج میرزا محمد حسن الحسینی الشیرازی در

سامره وحمل بنجف اشرف شد

روز نوزدهم واقعه سنه ۵ غزوه بنی المصطلق روز بیستم

وفات ۳۸۵ فاضل متبحر خبیر ابن الندیم شیعی امامی صاحب فهرست معروف

روز بیست و دوم وفات ۵۸۸ شیخ اجل اعظم قطب المحدثین ابن شهر

آشوب گویند که آن بزرگوار همیشه با طهارت بوده و وقتی که

کتاب مناقب را مینوشت هزار کتاب در مناقب نزد او جمع بود با این

بضاعت تمام در اوائل آن کتاب میفرماید مالی و للتصنیف و التألیف

مع قلة البضاعة و غیر شأنی غیره الصناعه روز بیست و سوم

وفات سنه ۳۰ سید اجل نادر کبیر جد امی سیدین و خاتمه ۳۲۲ مستکفی بالله

ولادت ۸۱۷ جامی شارح کافیه از اشعار او است

ای مغبچهٔ دهر بده جام میم — کامد ز نزاع سنی و شیعه قیم

گویند که جامیا چه مذهب داری — صد شکر که سگ سنی و خر شیعه نیم

روز ۲۳ سنه ۱۳۳۱ وفات آقا حاج مهذب الدوله از بزرگان شعراء ایران بودند شیراز و قبرش

همانا محل است نزلبیان منهی بسته باغ خان شارح صحیفه مشهد روز ۲۷ سنه ۹۸۴

جسد شاه طهماسب صفوی را وارد مشهد مقدس نمودند برای دفن روز ۳۰ سنه ۱۳۲۸

وفات سید محمد مشهور هندی که از اجله علما نجف اشرف در فن رجال ید طولا داشت

صاحب تالیفات بسیار است (شهاب الدین الحسینی النجفی)

گویند وقتی این بیت میخواند بسکه در جان فکار و چشم بیدارم
توئی هرچه پیدا میشود از دور پندارم توئی شخصی کف بلکه
خری پیدا شود گفت باز پندارم توئی **روز بیست و پنجم**
وفات سنه ۱۰۵ یزید بن عبد الملک سبط یزید بن معاویه و مقتل ابو مسلم ۱۳۷
مروزی مؤسس دولت عباسیه معروف بصفت حزم و بطش و کثرت
خونریزی چنانکه مقتولین او را ششصد هزار کشته اند **روز**
بیست و هفتم وفات سنه ۳۵۲ مهلبی وزیر معز الدوله دیلمی
روز بیست و هشتم روزه این روز و دو روز بعد که متصل
بماه رمضان شود ثواب بسیار دارد **شب سی ام** شهر شعبان
از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که آنجناب در شب آخر
شعبان و شب اول ماه رمضان میخواند اللهم ان هذا الشهر المبارک

خاتمه در مختصری از اعمال شب و روز جمعه

بدانکه شب و روز جمعه را امتیاز تمامی است نسبت بلیالی و ایام
دیگر شرافت و فضیلت و در هر ساعت از بیست و چهار ساعت آن
حقتعالی ششصد هزار کس را از آتش جهنم آزاد کند و ثواب حسنات

و عقاب سیئات در ان مضاعف باشد و هر که در ما بین زوال
پنجشنبه تا زوال جمعه بمیرد از فشار قبر در پناه خدا باشد و در سحر
شب جمعه دعا مستجابست و مستحبست در روز پنجشنبه انکه سوره
مایده را بخواند و هزار صلوات بفرستد و غسل جمعه کند اگر
ترسد که در جمعه ممکنش نشود و زیارت قبور شهداء و مؤمنین
کند و از مشاهد مشرفه بیرون نرود تا جمعه بگذرد و مهیای
جمعه شود بگرفتن شارب و ناخن و گذاشتن یکی از ناخنها را برای
روز جمعه و در اخر روز استغفار صد مرتبه بخواند و مستحبست
انکه در نماز صبح پنجشنبه و دوشنبه سوره هل اتی بخواند و چون
شب جمعه داخل شود صلوات بسیار بفرستد و اقلش صد مرتبه
و بسیار بگوید سبحان الله و الله اکبر و لا اله الا الله و سوره
بنی اسرائیل و کهف و طواسین ثلث و یس و ص و احقاف و واقعه
بخواند و دعا در حق پدر و مادر و دعا در حق مؤمنین بسیار نماید
و اگر از برای ده نفر از اموات مؤمنین طلب امرزش کند بهشت
برای او واجب شود و دعای کمیل و دعای اللهم من تعبا و تهیا

بخواند در دو رکعت اول مغرب و عشا، سوره جمعه بخواند و انار تناول
نماید و در وقت خوردن نان دستمال زیران پهن کند که دانه اش را
ضبط نماید که بعد بخورد و دیگری را در انار شریک خود نکند و مستحب
است در روز جمعه آنکه نماز صبح را بجمعه و توحید بخواند و بعد از نماز
جمعه مریان از توحید و صلوات استغفار را صد مرتبه بخواند
... مؤمنین و صافات و احقاف و الرحمن بخواند و پیش
از دخول آفتاب قل یا ایها الکافرون را ده مرتبه بخواند
دعا کند تا دعایش مستجاب شود و غسل جمعه کند و سر را
بخطمی بشوید و ناخن و شارب بگیرد و بگوید در آن حین بسم الله
و بالله و علی سنة رسول الله و بوی خوش بکار برد و آنچه ممکن
شود او را تصدق نماید و برای اهل و عیال چیزی نیکو و تازه
از میوه و گوشت بخرد تا شاد شوند بآمدن روز جمعه و در هنگام
تماشا انار بخورد و خود را از کارهای دنیا فارغ سازد برای
اشتغال به آموختن مسائل دین و هزار مرتبه صلوات بفرستد
و زیارت حجج طاهره علیهم السلام نماید و بزیارت اموات خصوص

والدین برود و نماز رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیر المؤمنین
و فاطمه علیهما السلام و نماز کامله بجا آورد و دعای ندبه بخوانند
و نماز ظهر را بجمعه و منافقین و عصر را بجمعه و توحید بجا آورد
و بعد از نماز ظهر سه مرتبه بخواند اَللّهُمَّ اجْعَلْ صَلَواتِکَ وَ
صَلَواةَ مَلائِکَتِکَ وَ رُسُلِکَ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ و بعد از عصر
این صلوات را بخواند تا مثل ثواب عمل جن و انس در آن روز باو
عطا کنند اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ الْأَوْصِیاءِ
الْمَرْضِیّینَ بِأَفْضَلِ صَلَواتِکَ وَ بارِکْ عَلَیْهِمْ بِأَفْضَلِ بَرَکاتِکَ وَ
عَلَیْهِ وَ عَلَیْهِمُ السَّلامُ وَ عَلی أَرْواحِهِمْ وَ أَجْسادِهِمْ وَ رَحْمَةُ
اللّهِ وَ بَرَکاتُهُ و بدانکه بهترین اوقات صلوات در روز جمعه
بعد از عصر است و در آن وقت صد مرتبه بگوید اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی
مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ و هفتاد مرتبه بگوید أَسْتَغْفِرُ اللّهَ
وَ أَتُوبُ إِلَیْهِ و نیز بعد از عصر جمعه صد مرتبه سوره قدر بخواند
و اگر از او ترک کند لا اقل ده مرتبه را که در هر روز مستحب است
ترک ننماید و نیز بعد از عصر دعای عشرات بخواند و در سایر

آخر روز جمعه دعای سمات بخواند و روایت است که ساعت استجابت دعا آن وقتی است که فرو رود نصف خورشید و نصف دیگرش غروب نکرده باشد و حضرت فاطمه علیها سلام دعا میکرد در آنوقت پس مستحب است دعا در آن ساعت و سزاوار است آنکه بخواند در آن ساعت دعای نبوی را سبحانک یا لا اله الا انت

یا حنان یا منان یا بدیع السموات والارض یا ذا الجلال و الاکرام

اتمام بدستور و اهتمام جناب عمدة التجار
آقای آقا محمد علی علمی تاجر کتاب فروش طهرانی
دام توفیقاته العالی علمی و گراور شد کتبه
العبد الاقل محمد علی شمس
سنه ۱۳۲۶
(التماس دعا دارم)



